

مؤلف و مدرس قرائت و تجوید علی حبیبی

صَحَّةُ الْقِرَاءَةِ

آموزش قرائت قرآن کریم

«روانخوانی»



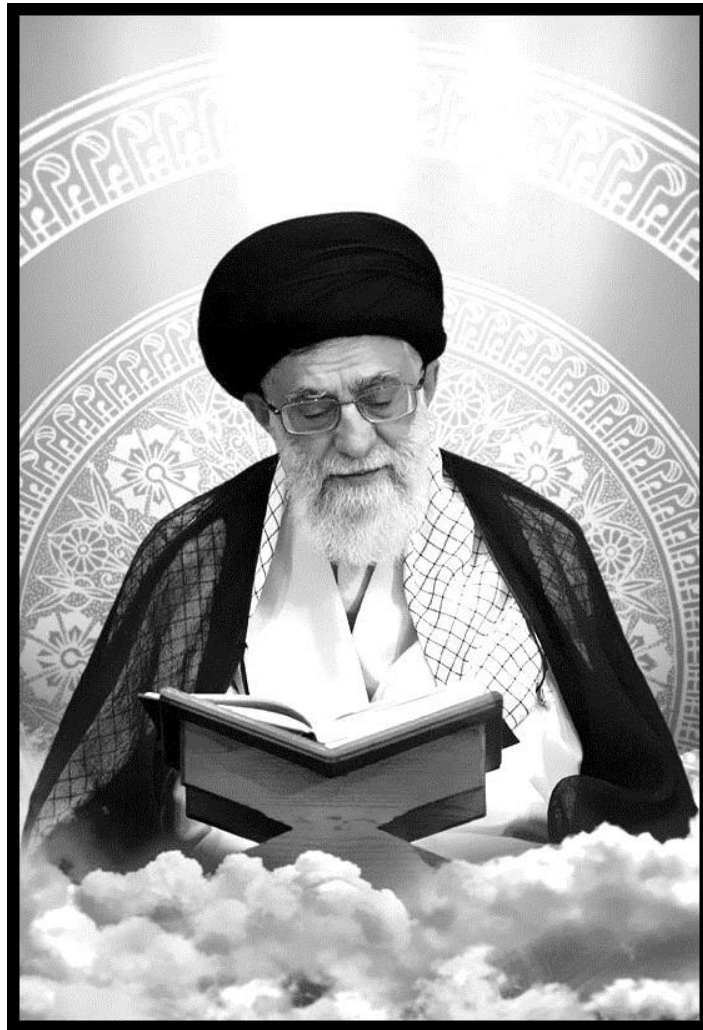
«قرائت»، صحیح خوانی قرآن کریم است از نظر:

«روخوانی»، «تجوید» و «وقف و ابتدا»

«روخوانی»: آشنایی با قواعد کتابت و علامت‌گذاری قرآن کریم

است که پیش‌نیاز آشنایی با قواعد تجوید و وقف و ابتدا می‌باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**در کشوری که بر اساس اسلام اداره می‌شود، همه
مردم باید قادر به خواندن درست قرآن کریم باشند.**

در دیدار جمعی از قاریان داخلی و خارجی ۶۸/۱۲/۱۴ (سایت رهبری www.khamenei.ir)

تقدیم به:

اسوہ صبر و وفا، ماہ تابان عرصہ کربلا

جناب عباس بن علی علیہ السلام

و ستارگان درخشان کربلا یاران

دلاور سالار کربلا

چاپ این کتاب، با هماہنگی مؤلف، برای تمامی مؤسسات آموزشی آزاد است؛ مشروط
به اینکه قیمت پشت جلد، به قیمت تمام شدہ باشد. علی حبیبی: ۰۹۱۳۲۵۳۲۹۶۹

مؤلف و مدرس قرائت و تجوید **علی حبیبی**

صِحَّةُ الْقِرَاءَةِ

آموزش قرائت قرآن کریم

«روانخوانی»



«قرائت»، صحیح خوانی قرآن کریم است از نظر:

«روخوانی»، «تجوید» و «وقف وابتدا»

«روخوانی»: آشنایی با قواعد کتابت و علامت گذاری قرآن کریم

است که پیش نیاز آشنایی با قواعد تجوید و وقف وابتدا می باشد.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۷
درس اول: الفبای زبان عرب و حروف مُقَطَّعه در قرآن کریم	۱۳
درس دوم: صداهای کوتاه «حرکات»	۱۹
درس سوم: صداهای کشیده (حروف مدّی) «۱»	۲۳
درس چهارم: صداهای کشیده (حروف مدّی) «۲»	۲۷
درس پنجم: «سکون»	۳۳
درس ششم: «تشدید»	۳۹
درس هفتم: «مدّ»	۴۵
درس هشتم: «تنوین»	۵۱
درس نهم: «حروف ناخوانا (۱)»	۵۷
درس دهم: «حروف ناخوانا (۲)»	۶۳
درس یازدهم: حروف نانوشته «حروفی که نوشته نشده ولی خوانده می‌شوند»	۷۱
درس دوازدهم: «رفع التقاء ساکنین»	۷۷
درس سیزدهم: «وقف و ابتداء»	۸۱
درس چهاردهم: «تمایز حروف (۱)»	۹۱
درس پانزدهم: «تمایز حروف (۲)»	۹۹
درس شانزدهم: آشنایی با رسم الخط‌های مختلف	۱۰۶
پرسش‌های چهارگزینه‌ای روان‌خوانی قرآن کریم	۱۱۵

قال علی علیه السلام:

«الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ
تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ
وَيُضَيُّ لِبَهِلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضَيُّ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ
الْأَرْضِ».

خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و در آن، خدا را یاد کنند،
برکاتش فراوان می‌گردد و فرشتگان در آن خانه حاضر، و
شیاطین از آن خانه دور خواهند شد و می‌درخشد برای اهل
آسمان، همان گونه که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند.
حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۰ (باب ۱۶ از ابواب قراءة القرآن، حدیث ۲)

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾^۱

«قرآن کریم»، کلام خداوند رحمان، سند نبوت و معجزه جاوید پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ است.

«قرآن کریم»، معیار والگو، محک درستی و نادرستی اندیشه و احکام و رفتارهاست. آنچه با قرآن، مخالف باشد بی اعتبار است و تطبیق و هماهنگی هر کلام و ذکر با وحی الهی، دلیل حجیت و اعتبار آن است، از این رو خداوند متعال از همه خواسته اند: «هر قدر برای شما ممکن و آسان است به قرائت قرآن کریم پردازید»، تا نسبت به معارف قرآن و اصول و فروع دین مبین اسلام، آشنایی لازم را پیدا کنند.

«قرآن کریم»، به دو صورت متواتر به دست ما رسیده است:

۱- «به صورت شنیداری»، «شنیدن همه قرآن از شخص پیامبر گرامی اسلام ﷺ و حفظ و نقل سینه به سینه مسلمانان از صدر اسلام تا کنون»؛

۲- «به صورت نوشتاری»، «کتابت همه قرآن کریم به دستور پیامبر گرامی اسلام ﷺ در زمان آن حضرت و ادامه آن توسط صحابه و مسلمانان تا به امروز». وجود هزاران جلد قرآن مکتوب از صدر اسلام تا کنون در موزه های جهان و یکسان بودن آنها، بهترین دلیل بر عدم تحریف قرآن کریم به شمار می رود. قرائت صحیح که از پشتوانه عموم مسلمانان از صدر اسلام تا کنون برخوردار است، همین قرائت مشهور در میان کشورهای اسلامی است که در صدر اسلام، توسط

۱. مَزْمَل: ۲۰؛ «پس آنچه برای شما ممکن و آسان است از قرآن بخوانید».

ابوالاسود دوئلی^۱ از شاگردان و اصحاب حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام علامت گذاری گردیده است، و نسبت آن به «حفص»، به خاطر پیروی او از قرائت معمول و متداول بین عامه مسلمین می باشد که استادش «عاصم» به واسطه ابوعبدالرحمن سلمی از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام نقل نموده است.^۲ براساس صحیح زراره از امام محمد باقر علیه السلام: «قرآن یکی است (و به یک قرائت)، از جانب خداوند یگانه، نازل شده و لکن اختلاف (در قرائت) از جانب روایت کنندگان (قرائت قرآن) پدید آمده است».

عن أبي جعفر علیه السلام قال: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْإِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ»^۳

ائمه اطهار علیهم السلام مردم را از قرائت های مختلف باز می داشتند و از آنها می خواستند تا براساس قرائتی که در میان مردم معمول و متداول است، پیروی کنند. سالم بن سلمه می گوید: شخصی قرآن را بر حضرت صادق علیه السلام خواند و من شنیدم، قرائتی که بین مردم متداول نبوده است، امام صادق علیه السلام به ایشان فرمودند: «كُفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ، اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ...»؛^۴ از این قرائت خودداری کن، قرآن را آنگونه بخوان که مردم می خوانند.

۱. ابوالاسود دوئلی (ظالم بن عمرو) شاعری حاضر جواب، قاری قرآن، محدث و مدتی قاضی بصره بود. وی از بزرگان شیعه و از اصحاب خاص امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است و در جنگ صفین در رکاب آن حضرت شرکت داشت و از اصحاب امام حسن و حسین و علی بن الحسین علیهم السلام بود. ایشان در سال ۶۹ قمری در ۸۵ سالگی در بصره از دنیا رفت. وی کلیات علم نحو را از حضرت امام علی علیه السلام فرا گرفت و با راهنمایی حضرت به گسترش آن پرداخت و اولین، کسی بود که برای صحت قرائت قرآن کریم، به وسیله نقطه، قرآن را علامت گذاری کرد. (سید حسن صدر، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۴۰، ۶۰، ۱۸۶، ۳۱۸).

۲. معرفت، محمد هادی، آموزش علوم قرآنی، ص ۹۸.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۰ (کتاب فضل القرآن، باب النوادر، حدیث ۱۳).
۴. همان، ص ۶۳۳، حدیث ۲۳ (قرائت موجود که در جهان اسلام رواج دارد، قرائتی است که مورد قبول همه مسلمانان می باشد، هم قائلین به حجیت قرائت سبعة و هم منکرین حجیت قرائت سبعة، چرا که همه قبول دارند «قرائت موجود از قرائت هایی است که در زمان ائمه اطهار علیهم السلام و صدر اسلام معمول و متداول بوده است» و روایت «... اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ...» شامل این قرائت نیز می باشد. (مؤلف)

لزوم یادگیری قرائت قرآن کریم

قال رسول الله ﷺ: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ ذَكَرَ أَوْ أُنْثِيَ، حُرٍّ أَوْ مَمْلُوكٍ إِلَّا وَلِلَّهِ عَلَيْهِ حَقٌّ وَاجِبٌ أَنْ يَتَعَلَّمَ مِنَ الْقُرْآنِ وَيَتَفَقَّهُ فِيهِ»^۱.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «هیچ مؤمنی نیست خواه مرد باشد یا زن، آزاده باشد یا برده، مگر اینکه خداوند بر او حق واجبی دارد که باید (به اندازه توانش) قرآن را بیاموزد و در آن (بیندیشد و نسبت به معارف و احکامش) آگاهی پیدا کند». در احادیث اسلامی برای تعلیم و تعلّم قرآن کریم، بسیار سفارش شده و برای آن اجر و پاداش فراوانی در نظر گرفته شده است، و این امر مسلمانان را بر آن داشته تا به عنوان یک تکلیف الهی، قرآن را بیاموزند و به دیگران نیز آموزش دهند. برای آموزش قرائت قرآن، در هر کشوری با توجه به مشترکات فرهنگی، الفبای نگارش و قواعد املا و انشای آنها با زبان عربی (که زبان قرآن است)، شیوه‌های متفاوتی به کار گرفته می‌شود، این شیوه‌ها با توجه به پیشرفت فنون آموزش و ابتکار و خلاقیت معلمان مؤمن و متعهد، همیشه در حال تکامل و پیشرفت بوده و هست. همه می‌کوشند در کوتاه‌ترین زمان، علاقه‌مندان را با قرائت صحیح قرآن کریم، آشنا سازند تا در پرتو آشنایی با معارف قرآن و بهره‌گیری از نور هدایت آن، در صراط مستقیم الهی قرار گیرند.

برای یادگیری قرائت صحیح قرآن کریم، نخست باید با اصول کتابت و علامت‌گذاری (روخوانی) قرآن کریم آشنا شد، و پس از آن با یادگیری قواعد تجوید (تلفظ صحیح حروف با رعایت صفات مُمِیزه و مُحَسِّنه) و وقف و ابتدا، قرائت قرآن را کامل نمود.

هدف از این نوشته: آشنایی با اصول کتابت و علامت‌گذاری (روخوانی و روان‌خوانی) و تلفظ صحیح حروف (جهت قرائت صحیح نماز) است تا قرآن‌آموزان به راحتی بتوانند قرآن را به صورت صحیح و روان بخوانند و خود را برای مرحله بعد که یادگیری قواعد تجوید و وقف و ابتدا است، آماده سازند.

۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۸۷.

چند نکته:

- ۱ - این نوشته برای طلاب سال اول حوزه‌های علمیه و دانشجویان تهیه شده است و با توجه به اینکه بیشتر علامت‌های قرآن، در فارسی موجود است و قرآن‌آموزان در دوره‌های ابتدایی و متوسطه با آنها آشنا شده‌اند، تنها باید با کاربرد عملی آنها در قرآن آشنا شوند، برای تحقق این هدف، بعد از معرفی هر علامتی، تمرین‌های فراوانی در کلاس برای تفهیم و یادگیری، و تکلیف روزانه برای رسوخ در ذهن آورده‌ایم تا همه علامت‌ها برای قرآن‌آموزان ملکه شده و در ذهن جای گیرد و هر جای قرآن که با آن روبرو شدند به راحتی بتوانند به صورت صحیح و روان بخوانند.
- ۲ - هدف از آموزش علامت‌ها و قواعد، تنها یادگیری و حفظ آنها نیست. بلکه تسلط کامل بر صحیح و روان خوانی قرآن کریم می‌باشد، و با توجه به اینکه آشنایی با هر درس، پیش‌نیاز درس بعدی است. از این رو معلمین محترم قبل از آموزش درس جدید، باید از درس قبل، ارزشیابی داشته باشند و پس از اطمینان از یادگیری همه قرآن‌آموزان، به آموزش درس جدید پردازند.
- ۳ - با توجه به اینکه قرآن‌آموزان با علامت‌ها و قواعد روخوانی در کلاس‌های ابتدایی و متوسطه آشنا شده‌اند، معلمین محترم پس از ارزشیابی تشخیصی، می‌توانند چند درس را در یک جلسه آموزش دهند تا قرآن‌آموزان، احساس بی‌نیازی نسبت به مطالب کتاب نداشته باشند و با اشتیاق بیشتری برای یادگیری حاضر شوند.
- ۴ - بهترین روش برای آموزش قرآن، روش شمرده خوانی است و باید از تُند خوانی قرآن‌آموزان جلوگیری گردد، چرا که امکان دارد تشخیص چند علامتِ اولیه، آسان باشد ولی بعد از آشنایی با علامت‌های بیشتر و به ویژه کاربرد عملی آنها در آیات، کار ساده‌ای نخواهد بود، از این رو با روش شمرده خوانی، زمان بیشتری در اختیار قرآن‌آموزان قرار خواهد گرفت تا به راحتی بتوانند، علامت‌ها و قواعد را تشخیص داده و به صورت صحیح و روان، کلمات و آیات قرآن را بخوانند.

۵ - قرآن کریم به زبان عربی نازل گردیده است ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾.^۱ از این رو پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام از مسلمانان خواسته‌اند تا قرآن را با لحن عربی و لهجه آنان بخوانند ﴿اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِاللَّحَنِ الْعَرَبِيِّ وَأَصْوَاتِهَا﴾.^۲

سعی ما در این نوشته بر آموزش قرآن با لحن عربی است تا ضمن تحقق فرمایشات آن بزرگواران، جذابیت بیشتری نیز برای قرآن‌آموزان داشته باشد. و با توجه به تازگی بعضی از مطالب، به ویژه آموزش قرآن با لحن عربی، برای راهنمایی معلمان محترم، روش تدریس آن را نیز آماده کرده‌ایم^۳ تا معلمان عزیز در آموزش آن، با مشکلی مواجه نشوند.

۶ - این نوشته، همان جزوه آموزش روخوانی قرآن کریم سطح ۲ است که الحمدلله مورد استقبال فراوان معلمان محترم و قرآن‌آموزان عزیز قرار گرفته است و از سال ۱۳۷۲ تا به حال، توسط ناشران متعدد و در تیراژهای بسیار بالایی چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گرفت. لازم دیده شد اصلاحاتی به ویژه در مورد تمرین‌ها و صفحه‌آرایی صورت بگیرد.

۷ - با توجه به اینکه این کتاب برای طلاب سال اول حوزه‌های علمیه و دانشجویان تهیه گردیده است، در آخر بعضی از درس‌ها، مطالب تکمیلی و احکام شرعی مربوط به آن درس را در قالب «**جهت مطالعه**» آورده‌ایم تا علاقمندان، ضمن آشنایی بیشتر نسبت به مباحث هر درس، توجه بیشتری به صحیح‌خوانی قرآن کریم نیز داشته باشند.

۸ - این کتاب پیش‌نیاز کتاب آموزش تجوید است؛ ضرورت یادگیری «**علم تجوید**» از این جا شروع می‌شود که هر مسلمانی در هر یک از نمازهای پنجگانه خود می‌بایست دو بار سوره حمد و یکی دیگر از سوره‌های قرآن را بخواند و اضافه بر آن، سایر اذکار نماز نیز باید به صورت عربی باشد و چنانچه حروف و کلمات آیات و

۱. یوسف: ۲

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۴.

۳. به نام: صِحَّةُ الْقِرَاءَةِ، رسم و ضبط مصاحف (کتابت و علامت‌گذاری قرآن کریم) همراه با راهنمای تدریس روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم.

اذکار به صورت صحیح تلفظ نشوند، باعث تغییر در معنی و موجب بطلان نماز خواهد شد، از این رو همه فقهای شیعه و مراجع بزرگوار تقلید، فرموده‌اند: «ادای حروف از مخارج آنها به طوری که در عرف عرب، آن را ادای آن حرف بدانند نه حرف دیگر، و همچنین رعایت صفاتی که در طبیعت حروف نهفته است و باعث تمیز دادن یکدیگر می‌شوند، بر همه افراد واجب است».

این مسأله شامل تلفظ حرف از مخرج آن، همراه با صفات ذاتی و مُمَیَّزَه است (که در طبیعت حروف نهفته و باعث تمیز دادن حروف از یکدیگر می‌شوند)؛ اما رعایت صفات عارضی و مُحَسِّنَه (که هنگام ترکیب حروف، عارض می‌گردد و باعث روان و نیکوآدا شدن کلمات و آیات قرآن کریم می‌شود)، مستحب است.^۱

با توجه به ضرورت آشنایی با تلفظ صحیح حروف قرآن، «تلفظ حروفی که در عربی با فارسی تفاوت دارند» را بسیار ساده و در «قالب تصاویر» در آخر کتاب آورده‌ایم، تا ضمن آشنایی با تلفظ صحیح حروف، آمادگی لازم جهت یادگیری کامل علم تجوید را به دست آورده باشید.

در پایان، خداوند متعال را شاکریم که به ما توفیق داد تا نوشته حاضر را تهیه و در اختیار علاقمندان قرآن کریم قرار دهیم، امیدواریم که معلمین عزیز با راهنمایی خود، ما را در جهت رفع نقایص این نوشته و ارائه کار بهتر، کمک نمایند.

برای استفاده از این نوشته، به سایت اندیشوران حوزه علمیه قم، قسمت علوم قرآنی، علی حبیبی احمدآبادی مراجعه فرمایید.

آدرس ما در سروش: @habibi.tajvid در ایتا: @habibi_tajvid

الحمد لله رب العالمین

من الله التوفیق

قم - شیخ علی حبیبی

۱۸ ذی الحجه ۱۴۴۳ هجری قمری

برابر با هفتم مرداد ۱۴۰۰ هجری شمسی

مصادف با عید سعید غدیر خم

۱. طباطبائی، محمدکاظم، عروة الوثقی (فی احکام القرائة، مسأله ۵۳ و ۳۷)؛ نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۹، ص ۳۹۸؛ و شهید اول، ابوعبدالله محمد بن مکی (متوفای ۷۸۶ هـ) در کتاب الفیه، (الرابع عشر من واجبات القراءه) «تلفظ حرف از مخرج آن، که به صورت متواتر نقل شده باشد» را از واجبات قرائت، دانسته است.

درس اول

الفبای زبان عرب و حروف مُقَطَّعه در قرآن کریم

برای آموختن هرزبانی، نخست باید با حروف و الفبای آن زبان آشنا شد؛ و برای یادگیری قرآن کریم، باید با حروف و الفبای قرآن (زبان عربی) آشنا شویم. هرزبان از تعداد معینی حرف، تشکیل شده و هر حرف دارای شکل، اسم و تلفظی خاص است.

«الفبای زبان عربی» از نظر تعداد، چهار حرف «پ، چ، ژ، گ»، کمتر از الفبای زبان فارسی می باشد، در نتیجه «الفبای زبان قرآن ۲۸ حرف»^۱ است. و از نظر شکل به استثنای دو حرف، بقیه شکل های آن هیچ گونه تفاوتی با حروف فارسی ندارد. اولین تفاوت در شکل «ة، ة» است که در آخر بعضی از کلمات قرار می گیرد، مانند «رحمة، حیاة»^۲ و دومین تفاوت، شکل حرف کاف آخر «ک» است که مانند لام آخر «ل» نوشته می شود و برای اینکه با حرف لام، اشتباه نشود، کاف غیر آخر «ک» کوچکی در درون آن قرار می دهند «ک»، مانند: «مالِک».

و از نظر اسم به استثنای دوازده حرف، اسامی بقیه حروف با فارسی یکسان است.

۱. حروف اصلی از نظر نوشتاری (مکتوب) ۲۸ حرف و از نظر گفتاری (منطوق) ۲۹ حرف هستند. و این بدان خاطر است که «الف» از نظر نوشتاری یک شکل دارد ولی از نظر گفتاری بر «دو قسم» است: الف - «الفی» که به صورت «همزه» خوانده می شود؛ مانند: أحمد. سأل. نبأ؛ ب - «الفی» که مصوت «الف مدی» است؛ مانند: لا تخافا، ناداهما. ۲. برای اینکه در «هنگام وقف»، به صورت «هاء» خوانده می شود: «رحمة، حیاة».

اسامی حروف به عربی به ترتیب عبارتند از:

تعداد	حروف	اسامی حروف	تعداد	حروف	اسامی حروف
۱	ا.ء	الف، همزه	۱۵	ض	ضاد
۲	ب	باء	۱۶	ط	طاء
۳	ت	تاء	۱۷	ظ	ظاء
۴	ث	ثاء	۱۸	ع	عین
۵	ج	جیم	۱۹	غ	غین
۶	ح	حاء	۲۰	ف	فاء
۷	خ	خاء	۲۱	ق	قاف
۸	د	دال	۲۲	ك	کاف
۹	ذ	ذال	۲۳	ل	لام
۱۰	ر	راء	۲۴	م	میم
۱۱	ز	زاء(زای)	۲۵	ن	نون
۱۲	س	سین	۲۶	ه.هـ	هاء
۱۳	ش	شین	۲۷	و	واو
۱۴	ص	صاد	۲۸	ی	یاء

یادسپاری: اسامی حروفی که به همزه ختم می‌گردند، چنانچه به تنهایی خوانده شوند، برای سهولت، همزه آنها را تلفظ نمی‌کنند، مانند حرف «ب» که در کتابت «باء» می‌نویسند ولی در تلفظ بدون همزه، «با» می‌خوانند؛ ولی در صورتی که به کلمه بعد از خود اضافه شود، همزه آن، خوانده می‌شود، مانند: تاء التانیث، هاء الضمیر، ...

حروف مُقَطَّعه در قرآن کریم

قاعده کلی در هر زبانی برای این است که اگر حرفی به صورت تنها نوشته شود، آن را با اسمش می خوانند ولی اگر به یکدیگر متصل شوند آن را به صورت کلمه می خوانند، خواه دارای معنا مفیدی باشد و یا نباشد.

در قرآن کریم، ابتدای ۲۹ سوره، به حرفی بر می خوریم که به صورت متصل به هم نوشته شده ولی به صورت کلمه خوانده نمی شود، بلکه باید «**هر حرفی جدا جدا** (قطعه قطعه) و با اسم عربی آن خوانده شود»، از این رو به آنها «**حروف مُقَطَّعه**» می گویند؛ مانند:

یس = یا، سین طه = طا، ها حم = حا، میم

یادسپاری: اسامی حرفی که به همزه ختم می شوند، در حروف مقطعه همزه آنها تلفظ نمی شود.

اکنون با حروف مقطعه قرآن کریم، بدون ذکر مواردی تکراری آنها آشنا می شویم:

ص . ق . ن . یس . حم . طه . طس . طسم
الر . الم . المر . المص . حم عسق . کهیعص

یادسپاری: در قرآن های با رسم الخط ایرانی، حروف مقطعه ای که اسامی عربی آنها با فارسی تفاوت دارند را با علامتی به این شکل (ـ) مشخص کرده اند تا قاری قرآن، متوجه تلفظ صحیح آنها باشد؛ مانند:

طس . یس . حم . طه . الر . المر . کهیعص

۱ . مجموع حرفی که در حروف مقطعه (بدون تکرار) به کار رفته، چهارده حرف می باشند که در این جمله خلاصه شده است «**صِرَاطٌ عَلٰی حَقِّ نُمِسْکُهُ**» یعنی: راه حضرت علی علیه السلام بر حق است به آن چنگ می زنیم.

تلفظ حروف عربی

از نظر تلفظ، بیشتر حروف در عربی و فارسی یکسان است، تنها ده حرف

ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، و

است که تلفظ آنها با فارسی تفاوت دارند.^۱

با توجه به اینکه آشنایی با تلفظ صحیح این حروف، همراه با تمرین روی کلمات و آیاتی است که این حروف در آنها به کار رفته باشد و لازمه آن، آشنایی با قواعد کتابت و علامت گذاری (روخوانی) قرآن کریم است، به یاری خداوند، بعد از آشنایی با روان خوانی قرآن کریم، تلفظ صحیح این حروف را با بیانی ساده (و در قالب تصویر) توضیح خواهیم داد، چرا که یکی از «شرایط صحت قرائت نماز» (اضافه بر صحیح خوانی از نظر روخوانی)، «تلفظ صحیح حروف» است.

پرسش و تمرین

۱. حروف مقطعه را تعریف کرده و نحوه خواندن آن را با ذکر مثال توضیح دهید.
۲. علت نام گذاری حروف مقطعه را بیان فرمایید.
۳. چند سوره از قرآن کریم با حروف مقطعه شروع شده است؟
۴. نحوه خواندن حروف مقطعه، زیرا بنویسید:

ص - ن - ق - طسم - المص - طه - الم - الر
طس - حم - المر - یس - کهیعص - حم عسق

۱. این حروف از باب اکثریت است و آلا در بعضی از مناطق ایران، این تعداد تغییر پیدا می کند، برای نمونه در بعضی از مناطق شمال کشور، حروف «قاف» را به صورت «غین» تلفظ می کنند.

علامت‌های قرآن کریم

در هر زبانی برای تلفظ صحیح کلمات، از علامت‌های خاصی استفاده می‌شود تا مُصَوِّت (صدای) هر حرفی، مشخص باشد، در زبان عربی نیز چنین است. در زبان فارسی برای دانش‌آموزان مبتدی، کلمات را علامت‌گذاری می‌کنند، ولی بعد از آشنایی با تلفظ صحیح و معانی کلمات، آنها را بدون علامت می‌نویسند، برای نمونه، کلمه «**کرم**» به چهار صورت «کَرم، کِرم، کُرم، کِرم» خوانده می‌شود و از معنای جمله، می‌توان تلفظ درستش را تشخیص داد. در زبان عربی نیز چنین است:

کتابت عرب در صدر اسلام، مراحل اولیه خود را می‌گذرانید و بسیار ساده و ابتدایی و فاقد علامت و نشانه‌هایی بود که امروزه برای نشان دادن حرکات، سکون، تشدید، مدّ و تنوین از آنها استفاده می‌گردد، و عرب‌ها با توجه به معنای آیه، به صورت صحیح قرائت می‌کردند، با گسترش اسلام و مسلمان شدن اقوام غیرعرب، لازم دیده شد که با علامت‌گذاری قرآن کریم، قرائت صحیح آیات برای آنها مشخص گردد. و این کار توسط شاگردان امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) انجام گرفت و سپس توسط شیعیان آن حضرت تکمیل گردید.^۱

علامت‌های قرآن کریم، عبارتند از: **حرکات** (ـَ، ـِ، ـُ)، **حروف مدّی** (ـِ، ـِ، ـِ، ـِ، ـِ، ـِ)، **سکون** (ـْ)، **تشدید** (ـّ)، **مد** (ـّ) و **تنوین** (ـّ، ـّ، ـّ).

بیشتر علامت‌ها با زبان فارسی یکسان است، ولی تلفظ بعضی از آنها با فارسی کمی تفاوت دارند که ان شاء الله در درس‌های آینده با آنها آشنا خواهیم شد.

۱. نخست ابوالاسود دؤلی از اصحاب و شاگردان حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) حرکات قرآن را با نقطه‌های قرمز رنگ مشخص نمود، (نقطه بالای حرف برای فتحه، نقطه زیر حرف برای کسره و نقطه جلو حرف برای ضمه) سپس توسط خلیل بن احمد فراهیدی، یکی دیگر از شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) علامت‌های قرآن تکمیل و به صورت کنونی درآمد (ابوعمر و دانی؛ المحکم، ص ۴؛ صدر، سید حسن، تأسیس الشیعة لعلم الاسلام، ص ۴۰-۶۱).

یادسپاری

۱. در فارسی به حرکات، «صداهای کوتاه» و به حروف مدی، «صداهای کشیده» می‌گویند، چرا که در اصل صدا با هم مشترکند، تنها تفاوت در کشش و عدم کشش صدای آنهاست، صدای حرکات، کوتاه و بدون کشش و صدای حروف مدی، با دو برابر مد و کشش همراه است.

۲. **صداهای**، مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش را در تلفظ حروف و کلمات همه زبان‌ها دارند و جابه‌جایی هریک، معنای کلمات را به کلی تغییر می‌دهد، برای نمونه:

امام = جلو، پیش‌رو	امام = پیشوا و رهبر.
أَنْعَمْتُ = تونعمت دادی	أَنْعَمْتُ = من نعمت دادم.
قَتَلَ = کُشت	قَاتَلَ = جنگید.

از این رو قرآن‌آموزان عزیز باید توجه کنند تا ضمن آشنایی با شکل، اسم و تلفظ صداها و علامت‌های قرآن کریم، با تمرین فراوان بر روی کلمات و آیات، بر صحیح خوانی قرآن کریم، مسلط شوند و قرآن را آنگونه بخوانند که بر پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ نازل گردیده است.

۳. در روایات اسلامی سفارش شده «قرآن را به صورت عربی آن یاد بگیرید». امام صادق از پدرانش علیهم‌السلام نقل می‌فرماید که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ»؛ و همچنین سفارش شده (قرآن را با آهنگ و لهجه عربی آن بخوانید)؛ «أَقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَانَ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا»؛

رعایت لحن عربی حرکات و حروف مدّی، جزء محسنات قرائت است و شرعاً واجب نمی‌باشد ولی رعایت آنها قرائت ما را زیباتر و دل‌نشین‌تر می‌کند و یادگیری آنها ساده و آسان است، چرا که شبیه آن در زبان فارسی وجود دارد، از این رو لحن عربی حرکات و حروف مدی را در متن درس آورده‌ایم تا قرآن را از همان ابتدا با لحن عربی یاد بگیرید.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی ج ۲، ص ۶۱۴ (کتاب فضل القرآن، باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، حدیث ۳).

صداهای کوتاه «حرکات»

«صداهای کوتاه»، مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش را در تلفظ حروف و کلمات قرآن کریم دارند. «صداهای کوتاه»، در زبان قرآن به «دو دسته» تقسیم می‌شوند: «کوتاه و کشیده»^۱. «صداهای کوتاه» را در عربی، «حرکات» می‌گویند. «صداهای کوتاه» عبارتند از: فتحه «اَ»؛ کسره «اِ» و ضمه «اُ»، که به ترتیب با شکل، اسم و چگونگی تلفظ آنها آشنا می‌شویم.

«فتحه»

به این علامت «اَ»، در فارسی، «زَبر» و در عربی، «فَتْحَه» می‌گویند. «فتحه»، از کلمه «فَتْح» در اصل «فَتْحَة»: بوده یعنی «یک بار گشودن»، در هنگام وقف بر آخر آن، حرف تاء «ة»، تبدیل به های ساکن «ة» می‌گردد. «صدای فتحه»، متمایل به «صدای الف» است، از این رو برای نشان دادن شکل آن از حرف الف، کمک گرفته‌اند و برای اینکه با الف اصلی کلمه اشتباه نشود، به شکل الف کوچک و مایل روی حرف قرار داده‌اند (اَ). علت نام‌گذاری آن به فتحه این است که هنگام تلفظ حروف دارای این علامت، لب‌ها یک بار حالت گشودن به خود می‌گیرد.

۱. زمان تلفظ صدای کوتاه و کشیده، نسبی بوده و با توجه به نوع قرائت (شمردن خوانی، تندخوانی و معمولی) متفاوت است؛ تلفظ صدای کوتاه به صورت انفجاری و تک‌ضرب، صحیح نمی‌باشد. صدای کوتاه سایشی و امتدادپذیر است با این تفاوت که با توجه به نوع قرائت (شمردن، تند و معمولی)؛ زمان تلفظ صداهای کشیده، دو برابر زمان صداهای کوتاه است.

یادسپاری: صدای فتحه در عربی با صدای «آ» فارسی تفاوتی ندارد ولی باید دقت نمود تا در هنگام تلفظ صدای فتحه، دهان زیاد باز نشود؛ مانند:

خَتَمَ - حَسَدَ - أَمَرَ - كَتَبَ - مَكَرَ - نَزَلَ - فَعَلَ
 فَسَجَدَ - سَأَلَكَ - فَحَشَرَ - لَذَهَبَ - فَخَرَجَ - مَنَعَكَ
 وَسَلَكَ - شَجَرَةَ - وَقَذَفَ - فَجَعَلَ - وَصَدَقَ - عَقَبَةَ
 لَبَّرَزَ - ظَلَمَكَ - فَجَمَعَ - وَخَسَفَ - فَنَظَرَ - رَجَعَكَ
 فَصَرَفَ - وَوَجَدَكَ - جَعَلَ لَكَ - أَبْعَثَ - فَعَدَلَكَ - وَيَذَرُكَ

یادسپاری: «حرف دارای فتحه» را «مفتوح» می نامند.

«کسره»

به این علامت «اِ»، در فارسی، «زیر» و در عربی، «کسره» می گویند. «کسره»، از کلمه «کسر»، در اصل «کسرة» بوده، یعنی: «یک بار شکستن»، در هنگام وقف بر آخر آن، حرف تاء «ة»، تبدیل به های ساکن «ه» می گردد. «صدای کسره»، متمایل به «صدای یاء» است از این رو برای نشان دادن آن از حرف یاء، کمک گرفته اند و برای اینکه با یای اصلی کلمه اشتباه نشود به شکل یای غیر آخرو بدون نقطه در زیر حرف قرار داده اند (یِ یِ یِ). شکل کسره، نخست دارای دندان بود، بعدها به خاطر کثرت کاربرد و اختصار، دندانه آن را نیز حذف کردند «اِ». علت نام گذاری آن به کسره این است که هنگام تلفظ حروف دارای این علامت، لب زیرین یک بار حالت شکستن و افتادگی به خود می گیرد و به طرف پایین کشیده می شود.

یادسپاری: لحن عربی صدای کسره با صدای «اِ» فارسی کمی تفاوت دارد، در عربی صدای کسره، متمایل به «ياء» است شبیه صدای «ای» اما با بدون کشش (ای بدون کشش اِ). چنین صدایی در بعضی از کلمات فارسی نیز وجود دارد، مانند: نیاز، ژیان، خیابان، با این تفاوت که در فارسی هرگاه بعد از صدای «اِ»،

حرف «یاء» قرار بگیرد صدای «ا» متمایل به «یاء» می‌شود ولی در عربی، همیشه صدای کسره متمایل به «یاء» است؛ مانند:

جَبَل - خَشِيَ - كَبِرَ - لَهَب - قَبِلَ - بَخِلَ - عَوَجَ
 اَرَمَ - شَهِدَ - اَبَتَ - مَلِكٍ - رَدَفَ - اِبِلَ - بَرَرَةَ
 اَخَذَتِ - لَلْبَثَ - بَشَرَر - فَعَلِمَ - عَشَرَةَ - فَحَمِلَ
 فَصَعِقَ - بَلَغَتْ - تَبِعَكَ - قَرَدَةَ - لِيَذَرَ - بِيَدِكَ
 عَمِلَتْ - بَعْصَمَ - لِحْزَنَةً - يَبْدَنِكَ - بَلَغَنِي - اَفْحَسَبَ

یادسپاری: «حرف دارای کسره» را «مکسور» می‌نامند.

«ضَمَّة»

به این علامت «ُ»، در فارسی، «پیش» و در عربی، «ضَمَّة» می‌گویند. «ضَمَّة»، از کلمه «ضَم» در اصل «ضَمَّة» بوده یعنی: «یک بار به هم پیوستن»، در هنگام وقفِ بر آخر آن، حرف تاء «ة»، تبدیل به های ساکن «ة» می‌گردد. «صدای ضَمَّة»، متمایل به «صدای واو» است از این رو برای نشان دادن آن از حرف واو کمک گرفته‌اند و برای اینکه با واو اصلی کلمه اشتباه نشود به شکل واو کوچک و روی حرف قرار داده‌اند (وْ وُ).^۱

علت نام‌گذاری آن به ضَمَّة این است که هنگام تلفظ حروف دارای این علامت است، لب‌ها یک بار به هم پیوسته و غنچه می‌شوند.

یادسپاری: لحن عربی صدای ضَمَّة با صدای «أ» فارسی کمی تفاوت دارد، در عربی صدای ضَمَّة متمایل به «واو» است، شبیه صدای «او» اما با بدون کشش، (اوْ بدون کشش أ). چنین صدایی در بعضی از کلمات فارسی نیز وجود دارد، مانند: هُلُو، خُرُوس، بُلُوک، با این تفاوت که در فارسی، هرگاه بعد از صدای «أ»، حرفی با صدای «او» قرار بگیرد، صدای «أ»، متمایل به «واو» می‌شود ولی در عربی

همیشه صدای ضمه متمایل به «واو» می باشد؛ مانند:

خَلِقَ - حَسَنَ - زَبَدَ - تَجِدَ - سُبُلَ - هَدَى - أَحَدَ
رُسُلَ - كَبِرَ - اِذْنَ - نَرَى - كُتِبَ - يَعِظُ - اِفْكَ
فُتِحَتْ - رُسُلِكَ - لَقِضَى - سَتَجِدَ - فَطِيعَ - كَلِمَةَ
عَمَلِكَ - عَضْدَكَ - نُرِيكَ - فَقَطِيعَ - اَعْظَكَ - سَنَسِمُ
اَحَدَهُمْ - وَحَمِلَتْ - هُمَزَةً - فَبَصْرُكَ - يَعِدْكُمْ - رَزَقَكُمْ

یادسپاری: «حرف دارای ضمه» را «مضموم» می نامند.

▣ پرسش و تمرین

۱. حرکات «فتحه، کسره، ضمه» را تعریف و علت نام گذاری آنها را بیان کنید.
۲. شکل حرکات سه گانه «فتحه، کسره، ضمه»، از چه حروفی گرفته شده اند و چرا؟
۳. کلمات زیر را به صورت شمرده بخوانید.

خَلَقَكَ - فَسَجَدَ - لَخَسَفَ - فَبَدَأَ - قَتَلَكَ - فَقُتِلَ - لَنَفِدَ
فَبَعَثَ - وَسَلَكَ - فَصَدَقَ - وَمَكَرَ - فَصَرَفَ - وَحْشِرَ - قِرَدَةً
أَزِفَتْ - لَحِيطَ - بِوَرَقٍ - حَسَنَةً - كَلِمَةٍ - فَصَلَتْ - وَنُذِرَ
وَقَعَتْ - شَجَرَةً - وَجُمِعَ - عَمَلِكَ - وَنَذَرُ - لُمَزَةً - وَخُلِقَ
قَبْلَكَ - فَأَخَذَهُمْ - أَحَدَ عَشَرَ - أَوْ أَمِنَ - لَفَسَدَتْ - رَزَقَكُمْ
غُلِبَتْ - ظَلَمَهُمْ - صَبَرَ وَغَفَرَ - يَعِدُهُمْ - فَبَصْرُكَ - يَعِظُكُمْ
وَعَدَكُمْ - عَبَسَ وَبَسَرَ - وَرَجَلِكَ - جَعَلَ لَكُمْ - نَصَرَكُمْ

۴. برای آشنایی بیشتر با حرکات، قرآن را باز کرده و تنها حروف دارای حرکات را، به صورت بخش بخش و با لحن عربی بخوانید.

صداهاى کشیده (حروف مدّی) (۱)

«صداهاى کشیده» را در عربی، «حروف مدّی» می‌گویند.

«مدّ»، در لغت به معنای: «امتداد و کشش» است.

هرگاه بعد از حرکات «فتحه، کسره، ضمه»، حرف همجنس آنها «ا، ی، و» قرار گیرد، آن حرف، باعث مدّ و کشیده شدن دو برابر زمان تلفّظ همان صدا می‌شود، از این رو به آن حروف، «حروف مدّی» می‌گویند.

به «حروف مدّی»، «مدّ طبیعی و ذاتی» نیز می‌گویند، چرا که این مقدار (دو حرکت) مدّ و کشش در طبیعت و ذات این حروف نهفته است و رعایت آن در قرائت قرآن لازم است.^۱

«حروف مدّی»، عبارتند از: «الف مدّی، یای مدّی، واو مدّی» که به ترتیب با شکل، اسم و چگونگی تلفّظ آنها آشنا می‌شویم.

۱. با توجه به سفارش قرآن کریم «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» و روایاتی که شیوه قرائت پیامبر گرامی اسلام ﷺ را شمرده و با رعایت کشش حروف مدّی بیان کرده‌اند (مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۷۸). برما لازم است که صداهاى کشیده را با دو برابر مدّ و کشش ادا کنیم تا صداهاى کشیده از صداهاى کوتاه، تمیز داده شوند. تمیز دادن بین صداهاى کوتاه و کشیده در قرائت قرآن و نماز، شرعاً واجب و عدم رعایت آن باعث بطلان نماز می‌گردد.

برای نمونه: همه مراجع بزرگوار تقلید، در مسأله «تکبیرة الاحرام» فرموده‌اند: «در تکبیرة الاحرام «اللَّهُ أَكْبَرُ»، اگر فتحه همزه «اللَّهُ» با مدّ و کشش، «اللَّهُ» خوانده شود؛ و یا الف مدّی لام «اللَّهُ» آورده نشود، «اللَّهُ» خوانده شود؛ و یا فتحه باء «أكْبَرُ» با مدّ و کشش، «أكْبَرُ» خوانده شود، باعث بطلان نماز خواهد شد». (طباطبایی، العروة الوثقی، فصل فی تکبیرة الاحرام). توضیح بیشتر در پایان مبحث حروف مدّی خواهد آمد.

«صدای کشیده فتحه (الف مدّی)»

هرگاه بعد از حرف مفتوح، الفی قرار گیرد (ـا)، این الف باعث دو برابر مدّ و کشش صدای فتحه می شود^۱ (تَ - با دو برابر مدّ و کشش صدای فتحه تَا) از این رو به آن، «الف مدّی» می گویند، مانند:

تَابَا - حَال - سَار - تَاب - كَاد - مَادَا - نَبَات - ثَانِي
تَكَاد - مَالَهَا - عَذَابُ - يَدَاكَ - بِجَانِبِ - نُسَارِعُ - فَمَا كَانَ
كَوَاعِبَ - رَوَّاحُهَا - سَادَتْنَا - مَا وَعَدَنَا - تَحَاوَرَكُمَا - أَفَبِعَذَابِنَا

«صدای الف مدّی»، نزد تمامی حروف یکسان نمی باشد، بعد از هشت حرف «خ، ص، ض، ط، ظ، غ، ق، ر» که در هنگام مفتوح بودن، صدای آنها به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم تلفظ می گردند، «الف مدّی» بعد از آنها نیز به صورت «درشت و پرحجم» (شبیه صدای «آ» در فارسی) تلفظ می شود، مانند:

خَافَ^۲ - رَانَ - ضَاقَ - قَالَ - طَابَ - عِظَامَ - مُقَامَ - غَالِبَ
ظَاهِرُ - خَالِكَ - أَصَابَ - فَطَالَ - يُرَادُ - قَاتِلَ - عَصَاكَ - طَاقَةَ
يُطَافُ - خَاتَمَ - مَخَاصُ - يُغَادِرُ - يُضَاعَفُ - ثَمَرَاتِ - قَاصِرَاتُ

۱. صدای الف مدّی، تابع حرف قبل است، حروفی که در هنگام تلفظ، صدای آنها به طرف کام پایین کشیده شده و به صورت نازک و کم حجم تلفظ می گردند، الف مدّی بعد از آنها نیز به صورت نازک و کم حجم تلفظ می شود.

شهید ثانی رحمته الله در شرح تَفْلِیه شهید اول رحمته الله ص ۱۹۰ می فرماید: «باید از درشت و پرحجم خواندن الف مدّی در تمامی حالات، پرهیز گردد، چرا که الف مدّی از نظر درشتی و نازکی، تابع حرف قبل از خود است».

«شهید ثانی»: فقیه بزرگوار زین الدین بن احمد جُزَّعی عاملی، معروف به شهید ثانی، امرا و در عدالت، شکوه، دانش، کرامت، پارسایی، عبادت، تقوا، تحقیق، مهارت و داشتن فضائل و کمالات مشهورتر از آن است که ذکر شود... تألیفات او بسیار و معروف اند، در سال ۹۱۱ دنیا آمد و در سال ۹۶۶ به دست برخی از افراد اهل سنت به شهادت رسید. (هدیه الاحباب، ص ۳۵۱).

۲. بعضی برای درشت خواندن حروف، لب ها را جمع کرده و صدا را متمایل به ضمه می کنند که صحیح نمی باشد، برای درشت خواندن حروف، کافی است تا صدای حرف به طرف کام بالا کشیده شود.

نکته: در نگارش اوّلیه، الف مدّی بعضی از کلمات را به جهاتی نمی نوشتند، بعدها که قرآن را برای صحت تلاوت، علامت گذاری کردند، در چنین مواردی با اضافه کردن یک الف کوچک در کنار حرف مفتوح (ـَ) لزوم تلفظ الف مدّی را روشن ساخته اند؛ مانند:

إِلَهَ - جَهْدَ - كَتَبَ - ذَلِكَ - قَتَلَ - خَلَفَ - عَهْدَ - هَذَا -
مَسْجِدَ - يَهْمُنُ - سَمَوَاتٍ - مَنَفِعُ - قَصْرَتُ - يَمْلِكُ -
رَوَّسِي - حُرْمَتِ - يُجَدِلُ - مَعِيشَ - ظَلَمَتِ - كَذَلِكَ - عَقِبَةُ

نحوه علامت گذاری الف مدّی در قرآن های با رسم الخط ایرانی

در قرآن های با رسم الخط ایرانی، فتحه قبل از الف مدّی را به صورت ایستاده علامت گذاری نموده اند (ـِ)، تا نشانگر تلفظ فتحه با صدای کشیده باشد؛^۱ مانند:

مَشَارِقُ - حُجْرَاتٍ - ثَلَاثَةٌ - صَلَوَاتُ - نَمَارِقُ
عَالِيَهَا - قَانِتَاتُ - عِبَادِنَا - لَا غَالِبَ - سَافِلَهَا
مُنَافِقَاتُ - لَسَاحِرَانِ - جَنَاحَكَ - مَا وَعَدْنَا - رَعَايَتَهَا
بِلِسَانِكَ - تُجَادِلُكَ - كَانَتْ - فَلَا كَاشِفَ - كَلِمَتُنَا
وَمَا كَانَ لَنَا - بِمَا تَعِدُنَا - جَاوَزَا - بِنَاصِيَّتِهَا - لِعِبَادِنَا

نکته: در مواردی که الف مدّی در نگارش اوّلیه، نوشته نشده، در قرآن های با رسم الخط ایرانی فتحه حرف را به صورت ایستاده نوشته اند (ـِ) تا دلالت بر تلفظ فتحه با صدای کشیده کند؛ مانند:

إِلَهَ - هَذَا - أَذَنَ^۲ - أَذَانٍ - مَابٍ - رَاكَ - كَذَلِكَ - فَذَلِكَ
سَمَوَاتٍ - إِلَهَكَ - قِيمَةً - ذَلِكَمَا - آيَاتِنَا - إِلَهَتِنَا - شَنَانُ

۱. الف مدّی، بعضی وقت ها به خاطر التقاء ساکنین خوانده نمی شود، مانند: رَبَّنَا اكْشِفْ، در قرآن های با رسم الخط ایرانی برای راهنمایی قاری قرآن، در مواردی که الف مدّی خوانده می شود، فتحه قبل از آن را به صورت ایستاده نوشته اند تا دلالت بر فتحه اشباعی (با صدای کشیده) کند و در مواردی که الف مدّی خوانده نمی شود، فتحه قبل از آن را به صورت معمولی نوشته اند، مانند: رَبَّنَا اكْشِفْ، رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا.

۲. در کلمات شبیه «أَذَنَ و مَابٍ»، الف موجود، همزه است و علامت موجود «ـِ»، فتحه ایستاده است که دلالت بر فتحه اشباعی دارد، از این رو این علامت «ـِ» باید روی حرف قرار گیرد (ا) نه در کنار آن (X).

▣ پرسش و تمرین

۱. الف مدّی را تعریف و علّت نام‌گذاری آن را توضیح دهید.
۲. الف مدّی بعد از چه حروفی، به صورت نازک و کم حجم و بعد از چه حروفی، به صورت درشت و پرحجم، تلفّظ می‌گردد؟
۳. کلمات زیر را به صورت شمرده و با لحن عربی بخوانید و موارد درشتی و نازکی الف مدّی را مشخص کنید.^۱

فَاذَا - دَحَاها - خَاتَمَ - اَيَاتٍ - حَارَبَ - اَرَادَا - عِظَامَ - اَلَاءِ
 صَالِحَاتٍ - خِلَافَكَ - مُبَارَكَةً - خَرَابِهَا - فَقَالَا - لِبَاسَهُمَا
 حَاصِبًا - خَالَاتِكَ - اَرَادِلُنَا - فَرَاهُ - بِضَاعَتُنَا - مُسَافِحَاتٍ
 مَغَارِبِهَا - بَايَاتِنَا - مَنَازِلَ - قَالَ رَجُلَانِ - شَهَادَتِيْهُمَا - فَاخِرَانِ
 فَاجَابَهَا - كَذَلِكَ - عَاقِبَتُهُمَا - وَقَانِثَاتٍ - بِكَلِمَاتٍ - اَفْبِعْذَابِنَا
 كَانَ مِرَاجُهَا - فَنَادَاهُمَا - اَثَارَهُمَا - مَا لَا طَاقَةَ لَنَا - بِضَاعَتُنَا
 وَلَا جِدَالَ - فَخَانَتَاهُمَا - قَالَ لَا تَخَافَا - فَقَاسَمَهُمَا - قَالَ فَمَا بَالُ

۴. برای آشنایی بیشتر با الف مدی، قرآن را باز کرده و تنها حروف دارای حرکات و الف مدی را به صورت بخش‌بخش و با لحن عربی بخوانید.

۱. با توجه به اینکه قرآن‌های موجود در کشور ما (ایران) بیشتر با رسم الخط ایرانی است، و اضافه بر آن در رسم الخط عربی، قواعد تجوید (احکام تنوین و نون ساکنه، ادغام‌های ناقص و...) را در علامت‌گذاری قرآن، پیاده کرده است و این برای افرادی که به تازگی می‌خواهند با ساده‌خوانی قرآن، آشنا شوند، آموزش را با سختی مواجه می‌سازد، از این‌رو از رسم الخط ایرانی استفاده کرده‌ایم و در قسمت تجوید از رسم الخط عربی، تا قرآن‌آموزان با هر دو رسم الخط، آشنایی کامل پیدا کنند.

درس چهارم

صداهای کشیده (حروف مدّی) «۲»

«صدای کشیده کسره (یاء مدّی)»

هرگاه بعد از حرف مکسور، حرف یاء^۱ قرار گیرد (ـِ ی)، این یاء، باعث دو برابر مدّ و کشش صدای کسره می شود، از این رو به آن «یاء مدّی» می گویند.

«صدای یاء مدّی»، نزد تمامی حروف یکسان و همانند صدای «ای» در فارسی است؛ مانند:

رُسْلِی - یُرِیدُ - حَدِیدَ - اُنِیبُ - کَرِیمُ - نُسْکِی - یَضِیقُ
عَمَلِی - قَمِصِی - سَنِینَ - سِینِینَ - سَبِیلِی - غَنَمِی - یُصِیبُ
یُعِیدُ - رُسْلِی - اِیْمَانُ - فِی دِینِ - یَتِیمَ - نَوَاصِی - یَمِینِکَ
فَکْهِینَ - فَطَرَنِی - مَدِینِینَ - خَلَقَنِی - فَرَحِینَ - سَیْصِیبُ
سَنُعِیدُهَا - فِی جِیدِهَا - فَتَسِیتُهَا - سَتَجِدُنِی - جَعَلَنِی
خَالِدِینَ فِیْهَا - فِی ءَاذَانِنَا - لَاشِیةَ فِیْهَا - فِی مَنَامِهَا - وَسِیلَةَ

۱. یاء مدّی، ذاتا ساکن است و هیچ گونه حرکتی نمی پذیرد، و تنها نقش آن، کشش دادن صدای کسره حرف قبل است، از این رو به آن «صدای کشیده کسره» می گویند.

در قرآن های با رسم الخط عربی، ترکی و ایرانی، آن را بدون علامت سکون نوشته اند ولی در قرآن های با رسم الخط شبه قاره هند، آن را با علامت سکون، نشان داده اند، مانند: سَبِیلِی - مَدِینِینَ.

نحوه علامت گذاری یاء مدّی در قرآن‌های با رسم الخط ایرانی

در قرآن‌های با رسم الخط ایرانی، کسره قبل از یای مدّی را به صورت ایستاده علامت گذاری کرده‌اند (ـِی) تا نشانگر تلفّظ کسره با صدای کشیده باشد؛ مانند:

مِيزَان - فِیْهِمَا - رَوَاسِی - مِیْعَادُ - اِیْلَافٍ - اِلَهِی - کَلَامِی - شَدِیدُ
صَلَاتِی - عِبَادِی - تَحِیدُ - مَقَامِی - مَصِیْرُ - لِسَانِی - عَظِیمُ - مُلَاقِی
مَدِینَةِ - اَرَادَنِی - فَاکِهَیْن - اُخَذِیْن - کَاتِبَیْن - اَسَاطِیْرُ - اِلَیْلَافِ
خَلَقَنِی - اَبَارِیْقُ - خَالِدِیْن - اُعِیْذُهَا - لِحَافِظِیْن - مَعِیْشَتُهَا - اَفْعِیْنَا
بِخَارِجِیْن - اِیْمَانُهَا - مُتَقَابِلِیْن - بِرِسَالَاتِی - بِمَضَابِیْحَ - فَمَلَأَیْهِ
ضَارِمِیْن - فِی مَنَاکِیْهَا - وَلَا نُضِیْعُ - مُسَافِحِیْن - بِخَازِنِیْن - فَکِیْهِیْن

«صدای کشیده ضمه (واو مدّی)»

هرگاه بعد از حرف مضموم، واوی^۲ قرار گیرد (ـُو)، این واو، باعث دو برابر مدّ و کشش صدای ضمه می‌شود، از این رو به آن «واو مدّی» می‌گویند.

«صدای واو مدّی»، نزد تمامی حروف یکسان و همانند صدای «او» در فارسی می‌باشد؛ مانند:

اَقُولُ - اُوْتِی - قُلُوبُ - خُذُوهُ - نُودِی - ثَمُودُ - هَارُونَ - صُدُورِ
یُوحُونَ - تُورُونَ - کُنُوزِ - قَارُونَ - یُوقِنُونَ - یَمُوتُونَ - قُلُوبُنَا

۱. یای مدّی، بعضی وقت‌ها به خاطر التّقاء ساکنین خوانده نمی‌شود، مانند: فی المَدِینَةِ، در قرآن‌های با رسم الخط ایرانی، برای راهنمایی قاری، در مواردی که یای مدّی خوانده می‌شود، کسره قبل از آن را به صورت ایستاده نوشته‌اند تا دلالت بر صدای کسره کشیده کند و در مواردی که یای مدّی خوانده نمی‌شود، کسره قبل از آن را به صورت معمولی نوشته‌اند، مانند: فی المَدِینَةِ، فی جِدِّهَا.

۲. واو مدّی، ذاتا ساکن است و هیچ‌گونه حرکتی نمی‌پذیرد و تنها نقش آن، کشش دادن صدای ضمه حرف قبل است، از این رو به آن «صدای کشیده ضمه» نیز می‌گویند.

در قرآن‌های با رسم الخط عربی، ایرانی و ترکی، آن را بدون علامت سکون نوشته‌اند ولی در قرآن‌های با رسم الخط شبه قاره هند، آن را با علامت سکون، نشان داده‌اند، مانند: تُورُونَ - یَمُوتُونَ.

يَتُوبُونَ - يُوعَدُونَ - قَادِرُونَ - تُوقِدُونَ - فَكِيدُونِي - تُوعَدُونَ
كَالْحُونَ - لَظَالِمُونَ - فَعَقَرُوها - فَذَبَحُوهَا - فَشَارِبُونَ - لَكَاذِبُونَ
يُخَادِعُونَ - تُدِيرُونَهَا - لَمَدِينُونَ - شُحُومَهُمَا - قُلُوبُكُمَا
فَسَيَقُولُونَ - يَتَسَاءَلُونَ - يَتَلَاوَمُونَ - يَتَغَامَزُونَ
مُتَشَاكِسُونَ - يَتَخَفَتُونَ - يُجَاوِرُونَكَ - مُتَنَافِسُونَ

یادسپاری: شکل واو مدّی، در قرآن‌های رسم الخط ایرانی با عربی هیچ‌گونه تفاوتی ندارد.

در کتابت امروز عرب، شکل «فتحه، کسره و ضمه» قبل از «الف، یاء و واو مدّی» را نمی‌آورند و به نوشتن «الف، یاء و واو» اکتفا می‌نمایند (همانند صدای «آ، ای، او» در زبان فارسی)، از این رو بعضی از نویسندگان در سال‌های اخیر، در نگارش قرآن نیز از همین روش، پیروی و علامت فتحه، کسره و ضمه قبل از الف، یاء و واو مدّی را نیاورده‌اند، مانند:

فَخَانَتْهُمَا - أَطِيعُونِي - تُدِيرُونَهَا - لَمَدِينُونَ - فَلَاتَلْمِزُونِي

▣ پرسش و تمرین

۱. یاء مدّی را تعریف و علّت نام‌گذاری آن را توضیح دهید.
۲. واو مدّی را تعریف و علّت نام‌گذاری آن را بیان کنید.
۳. کلمات زیر را به صورت شمرده و با لحن عربی بخوانید.
يَمُوتُ - أُوذِينَا - عَاثُونِي - يُوسِفُ - ذُنُوبٌ - فُسُوقٌ - تَمُورٌ - مَا أُوتِيَ
ثَلَاثِينَ - رَسُولُنَا - لِحَيَاتِي - تَذُودَانِ - شَيَاطِينُ - حُوتَهُمَا - أَسَاطِيرُ
لِمِيقَاتِنَا - مَدِينِينَ - جَادِلُوكَ - وَعَمَرُوهَا - يُبَايِعُونَكَ - لَا يَتُوبُونَ
أَتَجَادِلُونَنِي - فِيهَا خَالِدُونَ - طَعَامُ مَسَاكِينٍ - فَمَا تَزِيدُونَنِي

فَلَا تَلُمُونِي - مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ - لَا يَمُوتُ فِيهَا - وَكَانَ أَبُوهُمَا
فَآخِرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا - يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا - فَوَجَدَا فِيهَا - بِمَا فِي صُدُورِ
لَا يَذُوقُونَ فِيهَا - فَإِذَا أُودِيَ - وَمَا ظَلَمُونَا - وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ
مَا ضَرَبُوهُ لَكَ - فَطَاعُوهُ - خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ - نَسِيحُوتَهُمَا
فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ - قَالَ يَا هَارُونَ مَا مَنَعَكَ - بِنَابِلِ هَارُوتَ وَمَارُوتَ
سَتَجِدُونِ عَآخِرِينَ - مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ - بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي - مَا كَانَ حَدِيثًا

۴. برای آشنایی بیشتر با حروف مدی، قرآن را باز کرده و تنها حروف دارای حرکات و حروف مدی را به صورت بخش بخش و با لحن عربی بخوانید.

یادسپاری: بهترین راه برای آموزش و یادگیری قرائت صحیح با لحن عربی استفاده از نوارهای آموزشی قرائت قرآن کریم است، برای این منظور، سوره کوتاهی را انتخاب و مراحل زیر را به ترتیب انجام دهید:

۱. پخش آیات و گوش دادن همزمان با نگاه کردن به خط قرآن؛
 ۲. پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان با نوار با صدای آهسته؛
 ۳. پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان به صورت همخوانی با نوار؛
 ۴. همانند مرحله اول، به آیات پخش شده گوش می دهیم، در هنگام وقف، ایست نوار را می زنیم و مانند نوار می خوانیم، و سپس به همین نحو ادامه می دهیم؛
 ۵. برعکس مرحله چهارم، اول می خوانیم و سپس با نوار مقایسه می کنیم.
- در هنگام استفاده از نوار، باید به مطالب درس، توجه بیشتری داشته باشید تا خوب در ذهن جای گیرد و به صورت ملکه درآید.
- با انجام این مراحل، ضمن آشنایی کامل با روان خوانی قرآن کریم، با چند بار تکرار، موفق به حفظ آن سوره ها نیز خواهید شد.

لِزوم رعایت و تمیز دادن بین حرکات و حروف مدّی

یکی از واجبات قرائت حمد و سوره و سایر اذکار نماز، تمیز دادن بین حرکات و حروف مدّی است، و اخلال در هریک از آنها باعث بطلان نماز می‌گردد.

شهید اول رحمته الله، پنجم و ششم از واجبات تکبیرة الاحرام را این گونه بیان می‌فرماید: «الخامس: عَدَمُ الْمَدِّ بَيْنَ الْحُرُوفِ، فَلَوْ مَدَّ هَمْزَةُ «اللَّهُ» بَحِثْ يَصِيرُ اسْتِفْهَامًا بَطُلَتْ»؛ «السادس: لَوْ مَدَّ «أَكْبَرُ» بَحِثْ يَصِيرُ جَمْعًا بَطُلَتْ»، ...»

اگر (حرکت کوتاه فتحه) همزه «اللَّهُ»، مدّ داده شود، به طوری که (تبدیل به صدای کشیده فتحه گردد و به صورت) «إِسْتِفْهَام» (تلفظ) گردد، نماز باطل است.

اگر (حرکت کوتاه فتحه «باء»، «أَكْبَرُ» مدّ داده شود، به طوری که (تبدیل به صدای کشیده فتحه گردد و به صورت) جمع (اکبار) گردد، نماز باطل است.^۱

شهید ثانی رحمته الله در شرح نفلیه، اضافه می‌کند: «اگر مدّ (صدای کشیده فتحه) «لام»، «اللَّهُ» آورده نشود (و به صورت صدای کوتاه فتحه «اللَّهُ» خوانده گردد) باعث بطلان نماز می‌گردد.^۲

صاحب عروه رحمته الله در تکبیرة الاحرام می‌فرماید: «أَشْبَاعُ فَتْحِهِ بَاءٌ كَمَا أَنَّ مَنْجَرَهُ تَوَلَّدَ الْفَ، فِي «اللَّهُ أَكْبَرُ» شُودَ بَاعْثُ بَطْلَانِ نَمَازِ مِی‌گردد.^۳

یکی از مشکلات بیشتر نماز گذاران، رعایت نکردن کشش صداهای کشیده (حروف مدّی) در قرائت حمد و سوره و سایر اذکار نماز است، به طوری که معلوم نیست که کلمه را با صدای کوتاه می‌خوانند یا صدای کشیده.

۱. المقاصد العلیّة فی شرح الرسالة الالفیّة، ص ۲۳۹ (اکبار، جمع «کَبَر» به معنای طبل است).

«شهید اول»: شیخ بزرگوار و فقیه برتر، ابو عبد الله محمد بن مکی بن شمس الدین محمد دمشقی، عاملی، جزینی، معروف به شهید اول، پیشوای مذهب و شریعت، مقتدای پژوهشگران، بزرگ طایفه شیعه و یکی از بهترین آنها در روزگار خویش بود. او بعد از مُحَقِّقِ جَلّی رحمته الله سرآمد فقهای عصر خویش محسوب می‌شد. در سال ۷۳۴ متولد شد و در سال ۷۸۶ به شهادت رسید. (هدیه الاحباب، مترجم، ص ۳۴۷).

۲. الفوائد الملیّة لشرح الرسالة النفلیّة، ص ۱۷۰ {اللَّهُ} بدون مدّ فتحه لام} به معنای ابزار جنگی است.

۳. طباطبایی، محمد کاظم، العروة الوثقی، کتاب الصلاة، فصل فی تکبیرة الاحرام، مسئله ۲.

شهید ثانی رحمه الله تصریح می‌کند: «در تلفظ اذکار نماز، تنها قصد گوینده کفایت نمی‌کند، بلکه کلمات تلفظ شده نیز باید دلالت بر معنای درست داشته باشد».^۱ این مسئله اختصاص به رعایت صداها و کوتاه و کشیده در «تکبیرة الاحرام» ندارد بلکه همان گونه که صاحب عروه رحمه الله فرمودند: «در تمامی اذکار نماز باید رعایت گردد».^۲

یادسپاری: شهید اول رحمه الله بعد از تأکید بر «آشکار ساختن اعراب و حرکات بدون زیاده روی» می‌فرماید: مستحب است «فتحه کاف» در «إِيَّاكَ» و «کسره کاف» در «مَالِكَ» و «ضمة دال» در «نَعْبُدُ» با کمی اشباع و به صورت خالص خوانده شود. (به طوری که حروف مدی، تولید نگردد).^۳

و صاحب عروه رحمه الله بر این مسئله تأکید دارد و می‌فرماید: «سزاوار است که بین کلمات تمیز داده شوند و طوری خوانده نشوند که از بین دو کلمه، کلمه مهمل تولید گردد» و سپس هفت مورد آن را در سوره حمد برمی‌شمارد: در پایان می‌فرماید: «و این همان چیزی که می‌گویند در سوره حمد هفت کلمات مهمل و بی‌معنی وجود دارند که عبارتند از: «دُلِّل» و «هَرَبَ» و «کِیَو» و «کَنَع» و «کَنَس» و «تَع» و «بَع».^۴ (توضیح بیشتر در قسمت تجوید مبحث خلط و مزج خواهد آمد).

۱. شهید ثانی، زین الدین، المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الالفیه، ص ۲۳۸.

۲. طباطبایی، محمدکاظم، العروة الوثقی، کتاب الصلاة، فی احکام القرائه، مسئله ۳۷؛ این مسئله اختصاص به قرائت قرآن و اذکار نماز ندارد، در زبان فارسی نیز چنین است؛ مانند: «خام، خَم»، «رام، رَم»، «خاندان، خندان»، برای پرهیز از این حالت، بهتر است که صداها کشیده کمی با کشش بیشتر خوانده شود، زیرا کشش بیشتر صداها کشیده، تغییری در معنای کلمه به وجود نمی‌آورد، به خلاف عدم رعایت کشش طبیعی صداها کشیده که امکان تبدیل شدن به صدای کوتاه در آن زیاد است.

۳. شهید ثانی رحمه الله در شرح عبارت شهید اول رحمه الله: «لَوْ مَدَّ أَكْبَرَ بِحَيْثُ يَصِيرُ جَمْعًا بَطَلَتْ»، می‌فرماید: اگر اشباع «فتحه باء» در «أكبر» کم باشد و به اندازه الف (مدی) نرسد، ضرر ندارد، هر چند که مکروه است (المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الالفیه / ص ۲۳۹) ولی در موارد مذکور در متن، تأکید می‌کند بر کمی اشباع کردن حرکات کوتاه آخر کلمات «إِيَّاكَ، مَالِكَ، نَعْبُدُ...» و همچنین شیخ بهائی رحمه الله در «جامع عباسی»: اشباع کاف «مَالِكَ» و ضمة دال «نَعْبُدُ» را جزء مستحبات قرائت حمد و سوره شمرده است.

۴. طباطبایی، محمدکاظم، العروة الوثقی، کتاب الصلاة، فی احکام القرائه، مسئله ۴۵.

«سکون»

حرفی که هیچ‌گونه حرکتی نداشته باشد، «ساکن» می‌نامند. برای نشان دادن «حرف ساکن»، از علامتی به این شکل (ـَ) استفاده می‌شود. اسم این علامت (ـَ)، «سکون» و به معنای: «نبود حرکت» است. این علامت (ـَ) از حرف «خاء» ابتدای اول کلمه «خفیف» گرفته شده و نشانگر خفیف و سبک تلفظ شدن حرف ساکن در مقابل متحرک (یا مشدّد) است، به خاطر کاربرد زیاد و اختصار، نقطه و دنباله آن را حذف کرده‌اند، (حـ خـ خفیف) در بعضی از قرآن‌ها برای نشان دادن «حرف ساکن» از رأس المیم (ـِ) استفاده می‌کنند،^۱ این شکل از حرف «میم» ابتدای کلمه «مُسکَن» (یعنی ساکن شده) گرفته شده است، و جهت اختصار، دنباله آن را حذف کرده‌اند، (هـ مـ مُسکَن).

یادسپاری: «حرف دارای علامت سکون» را «ساکن» می‌نامند.

۱. بعضی براین عقیده‌اند که این شکل «هـ» از «صفر» اهل حساب گرفته شده، در علم ریاضی صفر دلالت بر خالی بودن از عدد «عدم عدد» و در علم قرائت دلالت بر خالی بودن از حرکت «عدم حرکت = سکون» می‌کند. (ابوعمر و دانی؛ المحکم، ص ۵۱ و مارغنی؛ دلیل الحیران، ص ۲۶۰-۲۶۱).

قرآن‌های با رسم الخط عربی، از این شکل «هـ»، برای نشان دادن «حروف ناخوانا» استفاده می‌کنند، و بر این عقیده هستند که این شکل «هـ»، دلالت بر خالی بودن از تلفظ «عدم تلفظ = ناخوانا» می‌کند؛ مانند: اِضْرِبُوا، سَأُورِيكُمْ.

۲. قرآن‌های با رسم الخط ترکی، از این شکل «هـ» برای نشان دادن «حرف ساکن» استفاده می‌کنند؛ مانند: اَسْلِمَ، خَفَّتُمْ.

«حرف ساکن»، به تنهایی خوانده نمی شود؛ از این رو همیشه به کمک حرف متحرک قبل از خود و به یک بخش خوانده می شود؛ مانند:

أَسْلِمَ - خِفْتُمَ - تُشِمْتُ - عَنْهُمْ - مِنْكُمْ - أَبْصِرْ - صَدَدْتُمَ - آمَنْتُمْ
يَسْتَخْفُونَ - قَبْلَكُمْ - كَفَرْتُمْ - وَضَعْتُهَا - وَضَعْتُهَا - يَسْتَعْفِفْنَ
يَخْلُقُونَ - يُخْلِقُونَ - اسْتَخْلَصَهُ - أَعْجَبَتْكُمْ - يَخْصِفَانِ - يُشْرِكْنَ
أَخْلَصْنَاهُمْ - تُبْصِرُونَ - أَمْوَالُهُمْ - إِنْ كُنْتُمْ - أَبْصَارُكُمْ - تَسْتَتِرُونَ
أَكْثَرُهُمْ - كَمْ أَرْسَلْنَا - فَيُظْلَلْنَ - يَجْتَنِبُونَ - رَزَقْنَاهُمْ - فَأَخْلَفْتُمْ
مُذَبِّحِينَ - أَفْتَهَلِكُنَا - أَلَسْتُمْهُمْ - فَيُدْهِنُونَ - فَيُسْحِتْكُمْ - أَمَدَدْنَاكُمْ
إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ - خَلَفْتُمُونِي - فَأَخْرَجْنَاكُمْ - أَكُنْنُمْ - سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
وَلَا تَنْهَرُهُمَا - أَكْفَلْنَاهَا - لِيَزْلِقُونَكَ - أَنْزَلْنَاهُمَا - هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ
أَفْبَعْدَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ - مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ - قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ

نکته: واو و یای ساکن ما قبل مفتوح (ـَوْـ ـَیـِ)، به نرمی ادا می گردد و باید دقت کرد تا فتحه قبل از واو، به صدای «ضمّه» و فتحه قبل از یاء، به صدای «کسره» متمایل نشود؛ مانند:

لَيْسَ - أَتَوْ - يَوْمَ - كَيْفَ - دَيْنَ - سَوْفَ - عَاتَوْ - غَيْرَ - عَلَيْكُمْ
يَنْهَوْنَ - فِرْعَوْنَ - رَجُلَيْنِ - رَجُلَيْنِ - أَخْفَيْتُمْ - أَوْرَثَكُمْ - أُخْتَيْنِ
تَوْبَتُهُمْ - أَعْطَيْنَاكَ - جَزَيْتُهُمْ - أَخَوَيْكُمْ - تَرَوْنَهُمْ - أَوْجَفْتُمْ
أَوْلَادُكُمْ - صَالِحِينَ - اتَّخَشَوْنَهُمْ - وَإِذْ غَدَوْتَ - لَمَوْعِدُهُمْ
أَوَيْنَاهُمَا - لَأَسْقَيْنَاكُمْ - أَدْعَوْتُمُوهُمْ - أَمَلَيْتُ لَهَا - مُتَتَابِعِينَ

تمرین: آیات زیر را به صورت کلمه کلمه و شمرده و بار دیگر به صورت آیه بخوانید.

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ
وَلَا تُخْزِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ
سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ
قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ
لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ
هِيَ هَاتِ هِيَ هَاتِ لِمَا تُوعَدُونَ
يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ
قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ
وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ
وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي
فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ
وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ
إِذْ هَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي
يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ - وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ
وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ
مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ

▣ پرسش و تمرین

۱. فرق سکون با ساکن را بیان کنید.
۲. شکل علامت سکون از چه حرفی گرفته شده و چرا؟
۳. آیات زیر را به صورت کلمه کلمه و شمرده و بار دیگر به صورت آیه بخوانید:

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ
وَإِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشفِينِ
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ
وَأَبْصَرَهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ
لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ
هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ
وَأَوْثَقُكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ
قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ
إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا
يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ
لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ - وَلَا أَنْتُمْ غَائِدُونَ مَا أَعْبُدُ
قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ

۴. برای آشنایی بیشتر با سکون، قرآن را باز کرده و تنها حروف دارای علامت های گذشته و سکون را به صورت بخش بخش بخوانید.

زمان تلفظ حرف ساکن و متحرک

علمای قرائت و تجوید، «حروف و الفبای قرآن» را به سه دسته «انفجاری، سایشی و بینابینی» تقسیم کرده‌اند.

فایده‌آشنایی با این ویژگی‌ها، اضافه بر تمیز دادن حروف (که در مبحث تمایز حروف خواهد آمد) «تلفظ صحیح حرف ساکن» نیز می‌باشد.

«حروف انفجاری»: حروفی هستند که در هنگام تلفظ، بر اثر اتصال اندام‌های صوتی، راه خروج صدا، بسته می‌شود و با جدا شدن اندام‌های صوتی از یکدیگر، صدای حرف با «حالت انفجاری» تولید می‌گردد و هشت حرف «أَجَدْتُ طَبَقْتُ» دارای این ویژگی هستند.

«حروف سایشی»: حروفی هستند که در هنگام تلفظ، بر اثر عدم اتصال اندام‌های صوتی، راه خروج صدا، باز و صدای حرف با «حالت سایشی» تولید می‌گردد، پانزده حرف «ث، ح، خ، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ظ، غ، ف، و، ه، ی» دارای این ویژگی هستند.

«حروف بینابینی»: حروفی هستند که در هنگام تلفظ، بر اثر عدم اتصال و عدم جریان کامل اندام‌های صوتی، صدای حرف با «حالت بینابینی» تولید می‌گردد، و پنج حرف «لِئَعْمُرُ» دارای این ویژگی هستند.

زمان تلفظ حروف متحرک، در تمامی حالات یکسان و مساوی است؛ و انفجاری و سایشی بودن حروف، تغییری در مدت زمان تلفظ آنها ایجاد نمی‌کند؛ مانند:

رَدَفٌ، سُبُلٌ، نَرِيكَ، فَبَصْرُكَ، يَعِدُكُمُ

اما «زمان تلفظ حرف ساکن»، با توجه به صفت انفجاری، سایشی و بینابینی، متفاوت است؛ زمان تلفظ حروف سایشی (به خاطر جریان صوت در مخرج) بیشتر از حروف بینابینی (لِئَعْمُرُ) است و زمان تلفظ حروف بینابینی (به خاطر جریان

جزئی صوت در مخرج) بیشتر از حروف انفجاری (أَجَدْتُ طَبَقَكَ) است؛ مانند:

أُخْرِجْتُمْ، اسْتَكْبَرْتُ، أَلَمْ تَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ

در تلفظ حروف ساکن مثال‌های فوق دقت بفرمایید، حروفی که سایشی هستند (أُخْ، أَسْ، نَشْ، رَحْ)، هنگام تلفظ، صدای حرف ساکن به راحتی در مخرج حرف جریان پیدا می‌کند، ولی حروفی که انفجاری هستند (رَجْ، تَكْ، صَدْ، رَكْ)، هنگام تلفظ، صدای حرف ساکن در مخرج حرف حبس و بلافاصله رها می‌گردد، اما حروفی که بینابینی هستند (تُمْ، بَرْ)، هنگام تلفظ صدای حرف ساکن به خاطر جریان جزئی صوت در مخرج، زمان تلفظ آنها بیشتر از حروف انفجاری ولی کمتر از حروف سایشی است؛ همین ویژگی‌ها در حروف مشدد نیز باید محفوظ باشد زیرا تشدید، تغییری در ذات حرف به وجود نمی‌آورد، تنها فاصله و جدایی بین حرف ساکن و متحرک را (جهت سهولت در تلفظ) از بین می‌برد؛ از این رو حروفی که سایشی هستند در هنگام ادغام و مشدد بودن نیز باید سایشی باشند؛ آسیبی که بیشتر عوام الناس و بعضی از قراء به خاطر عدم آگاهی، مرتکب می‌شوند.

نکته دیگر در رابطه با تلفظ پنج حرف «قُطْب جَد» در حالت سکون به ویژه وقتی که در آخر کلمه قرار گیرند و قاری بخواهد روی آن حروف، عمل وقف را انجام دهد؛ مانند: فَلَقْ، مُحِيطْ، كَسَبْ، بُرُوجْ، أَحَدْ.

تنها راه برای شنیده شدن صدای این حروف، «جابه‌جایی مخرج است به طوری که صدای آن، آشکار و شنیده گردد»، به این حالت در تجوید، «قَلَقَلَه» می‌گویند. به طور کلی یکی از «شرایط صحت قرائت» در نماز «إِسْمَاعِ نَفْس» است؛ یعنی: «قرائت‌کننده، حروفی را که قرائت می‌کند باید به صورت آشکار و مفهوم بشنود».

از این رو قاریان قرآن، اضافه بر حروف مذکور در «قطب جد»، در تلفظ بعضی از حروف ساکن دیگر به ویژه در هنگام وقف، باید دقت لازم را به کار برند تا آن حرف حتماً تلفظ شده و شنیده گردد؛ مانند: إِلَّا اللَّهَ، بِحَمْدِهِ، رَحِيمٌ، نَسْتَعِينُ، أَكْبَرُ.

«تشدید»

اسم این علامت «تشدید»^۱ و حرف دارای این علامت را «مُشَدَّد» می‌گویند. اگر حرفی تکرار شود، اولی ساکن و دومی متحرک باشد، برای تلفظ آن زبان باید دوبار به محلّ تولید یک حرف برخورد و جدا گردد (یک بار برای تلفظ حرف ساکن و بار دیگر برای تلفظ حرف متحرک) و این برای دستگاه تکلم سنگین خواهد بود؛ مانند:

مَدَّ، دَ صَلَّ، لِ مَسَّ، سَ

برای رفع این سنگینی، حرف اولی را در دومی «ادغام»^۲ می‌کنند، در نتیجه برای تلفظ این دو حرف زبان یک بار بدون فاصله، تند و سریع به محلّ تلفظ آن حرف برخورد و جدا می‌گردد (در هنگام برخورد با حالت سکون و در هنگام جدا شدن با همان حرکتی که آن حرف، همراه دارد)؛ مانند:

مَدَّ = مَدَّ صَلَّ، لِ = صَلَّ مَسَّ، سَ = مَسَّ

۱. «تشدید»: «محکم پیوند دادن بین دو یا چند چیز است»، (آیین تلاوت قرآن، ص ۱۰۵)
- و نشانه: «محکم پیوند دادن (و فاصله نینداختن) بین دو حرف ساکن و متحرک در هنگام تلفظ است».
۲. ادغام: تلفظ دو حرف ساکن و متحرک است از یک مخرج، به طوری که در تلفظ آنها فاصله نیافتد (صرف ساده، ص ۱۰ و شرح شافیه ابن الحاجب، ج ۳، ص ۱۶۰، مبحث ادغام).
۳. ادغام، تغییری در ذات حروف به وجود نمی‌آورد، از این رو در تلفظ حروفی که سایشی هستند باید دقت کرد تا صدای حرف در هنگام ادغام قطع نگردد و به صورت حروف انفجاری تلفظ نشود؛ مانند: «سین مشدّد» در کلمه «مَسَّ»، چگونه صدای سین جریان دارد، در بقیه حروف سایشی نیز باید این چنین باشد؛ از این رو قطع صدای «ضاد مشدّد» در مثال «نَضَّاخَتَانِ» اشتباهی است که بعضی از قاریان مرتکب می‌شوند، صدای حرف ضاد مانند صدای حرف سین باید جریان داشته باشد.

این علامت «ک»، از شین (ش) ابتدای کلمه (شَدَّ)، گرفته شده، نقطه‌ها و دنباله آن، حذف و دندانه آن را باقی گذاشته‌اند. (س ش شَدَّ).

این علامت «ک» همیشه بالای حرف قرار می‌گیرد و یکی از حرکات سه گانه نیز ضمیمه آن می‌شود؛ مانند:

لِحَبِّ^ک - يُضِلُّ^ک - صَدَّهَا^ک - ظَلَّهَا^ک - يَدْعُ^ک - سِتَّةَ^ک - مُدَبِّرٍ^ک - عَلِيَّيْنِ^ک - عَلِيَّوْنَ^ک
 رَبِّيَانِي^ک - فَصَلْنَا^کهُمْ - طَوَّافُونَ^ک - مَتَّعْنَاهُمْ^ک - أَضَلَّنِي^ک - يَصْعَدُ^ک - يَشْقُقُ^ک
 سَخَّرْنَاهَا^ک - يُسَبِّحُنَ^ک - يَذْكُرُونَ^ک - مُقَرَّنِينَ^ک - ذُرِّيَّتَهَا^ک - رَبَّانِيَيْنِ^ک
 تَحِيَّتُهُمْ^ک - صَرَفْنَاهُ^ک - تَتَّخِذُوهُ^ک - يَتَخَلَّفُكُمْ^ک - نَصَاحَتَانِ^ک - يَتَسَلَّلُونَ^ک
 لِلْمُطَفِّفِينَ^ک - لِيَذْكُرَ^ک - لَفِي^ک عَلِيَّيْنِ^ک - وَمِنْ ذُرِّيَّتِي^ک - لِرَبِّهَا^ک وَحَقَّتْ^ک

یادسپاری: دو حرف میم و نون مشدد «مَنْ، نَنْ» دارای «غَنَّة» می‌باشند.

«غَنَّة»: «صدایی است که از فضای بینی خارج می‌شود».

در هنگام تلفظ «میم و نون مشدد»، صدا به اندازه دو حرکت در فضای بینی نگه داشته می‌شود؛^۲ مانند:

لَيَقُولَنَّ^ن - جَهَنَّمَ^م - سَمَاعُونَ^ن - ثُمَّ^ن أَغْرَقْنَا^ن - إِكْرَاهِهِنَّ^ن - يَغُرَّتْكُمْ^م - مُزْمَلٍ^ن
 فَعِدَّتُهُنَّ^ن - لَا يَسْمَعُونَ^ن - لَا غُورِيَّتَهُمْ^ن - لَنَصَّدَّقَنَّ^ن - لَا مَنِّيَّتَهُمْ^ن - ثُمَّ^ن لَتَرَوْنَهَا^ن
 كَانَهُنَّ^ن - ثُمَّ^ن إِنَّ^ن مَرْجِعَهُمْ^ن - أَنَا^ن دَمَرْنَاهُمْ^ن - إِنَّا^ن أَمْنَا^ن بِرَبِّنَا^ن - إِيْمَانُهُنَّ^ن - إِنَّهِنَّ^ن

۱. «حرف مشدد»: از ترکیب دو حرف ساکن و متحرک تشکیل گردیده با این تفاوت که در تلفظ آنها نباید جدایی باشد بلکه باید بدون فاصله با هم خوانده شوند، از این رو می‌بینیم همه فقهای گذشته و امروز، روی حرف مشدد تأکید کرده‌اند که در هنگام تلفظ حرف مشدد، فک ادغامی صورت نگیرد و بین حرف ساکن و مشدد فاصله و جدایی نیفتد و اضافه بر آن، حرف ساکن حتماً باید آورده شود، زیرا «تشدید»، «جانشین حرف ساکن است». (نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۹، ص ۲۸۷).

۲. بعضی از افراد، به جای «غَنَّة فرعی میم و نون مشدد»، صدای حرف قبل از میم و نون و یا صدای میم و نون را با مد و کشش بیشتر می‌خوانند، و ذکر صلوات را «صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» به این صورت: «صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» می‌خوانند که صحیح نیست و در نماز باعث بطلان نماز می‌شود.

تمرین: آیات زیر را به صورت کلمه کلمه و شمرده و بار دیگر به صورت آیه بخوانید:

إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ
ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ
رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا
إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ
وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ
نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ
وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ
وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي
ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ
أَوْ يَأْخُذْهُمْ فِي ثَقَلُوبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ
أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ
قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ
فَإِنَّمَا يَسِّرُنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ
وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ
ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

▣ پرسش و تمرین

۱. علامت تشدید (ّ) دلالت بر چه معنایی دارد؟
۲. شکل علامت تشدید از چه حرفی گرفته شده و چرا؟
۳. آیات زیر را به صورت کلمه کلمه و شمرده و بار دیگر به صورت آیه بخوانید:

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ
لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا
وَأَلَقْتُ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ وَأَذِنْتُ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ
وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ
وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ
أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ
ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِتَّا يُصْحَبُونَ
وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ
قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي
رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يُرْحَمَكُمُ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبُكُمْ
قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ
قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ

۴. برای آشنایی بیشتر با تشدید، قرآن را باز کرده و تنها حروف دارای علامت‌های گذشته و تشدید را به صورت بخش‌بخش و با لحن عربی بخوانید.

لزوم رعایت تشدید در قرائت نماز

همه فقها و مراجع بزرگوار تقلید:

«رعایت تشدید در قرائت حمد و سوره و سایر اذکار نماز را واجب دانسته‌اند».

شیخ طوسی رحمته الله بعد از تأکید بر آوردن تشدید در سوره حمد می‌فرماید:

«وَالْتَّشْدِيدُ حَرْفٌ مِنْهَا، فَإِنْ لَحِنَ مُتَعَمِّدًا أَوْ مَعَ التَّمَكُّنِ مِنْ إِصْلَاحِ لِسَانِهِ بَطَلَتْ

صَلَاتُهُ، سِوَاءٍ أَخَلَّ بِالْمَعْنَى أَوْ لَمْ يَخَلَّ».^۱ و «تشدید» حرفی از سوره حمد است و اگر

خطا کند (و تشدید را نیاورد و این خطا) از روی عمد باشد و یا با توانایی بر اصلاح

باشد (یعنی بتواند با تشدید بخواند ولی کوتاهی کند و قرائتش را اصلاح نکند)

نمازش باطل است، خواه (نیاوردن تشدید) مُخِلٌ به معنا باشد و یا نباشد.

شهید ثانی رحمته الله، علّت آن را این گونه بیان می‌کند: «برای اینکه تشدید، جانشین

حرف ادغام شده است»^۲ و در شرح نقلیه می‌فرماید: «أَمَّا أَصْلُهُ (تشدید) فَوَجِبَ

لأنّه قائم مقام الحرف».^۳

«حرف مشدد»: از ترکیب دو حرف ساکن و متحرک تشکیل گردیده با این تفاوت

که در تلفظ آنها نباید جدایی باشد بلکه باید بدون فاصله با هم خوانده شوند، از

این رو می‌بینیم همه فقهای گذشته و امروز، روی حرف مشدد تأکید کرده‌اند که در

هنگام تلفظ حرف مشدد، فک ادغامی صورت نگیرد و بین حرف ساکن و مشدد

فاصله و جدایی نیفتد و اضافه بر آن، حرف ساکن حتماً باید آورده شود، زیرا

۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه ۱/ ۱۰۶.

«شیخ طوسی»: ابوجعفر طوسی، محمد بن حسن بن علی، شیخ طایفه شیعه، برافرازنده پرچم شریعت راستین، پیشوای شیعیان بعد از امامان معصوم علیهم السلام و مرجع امین مسلمانان در همه امور مربوط به مذهب و دین است، در سال ۴۶۰ هجری نجف اشرف وفات یافت. هدیه الاحباب / ص ۲۱.

۲. شهید ثانی، زین الدین، المقاصد العلیّیه فی شرح الرسالة الالفیه / ص ۲۴۴.

۳. شهید ثانی، زین الدین، الفوائد الملیّیه لشرح الرسالة النفلیه / ص ۱۹۰.

«تشدید»، «جانشین حرف ساکن است»^۱.

«عمل ادغام»، تغییری در ذات حرف ساکن به وجود نمی‌آورد، تنها فاصله و جدایی بین حرف ساکن و متحرک را جهت سهولت در تلفظ از بین می‌برد و تغییری در صفات حروف به وجود نمی‌آورد. (همانگونه که در پاورقی درس تشدید متذکر شدیم). از این رو حروفی که سایشی هستند در هنگام ادغام و مشدد بودن نیز باید سایشی باشند، آسیبی که بیشتر عوام الناس و بعضی از قراء به خاطر عدم آگاهی، مرتکب می‌شوند. بنابراین هنگام تلفظ حرف مشدد در کلمات «إِيَّاكَ، أَهْدِنَا الصِّرَاطَ، وَلَا الضَّالِّينَ» صدای حروف «ياء، صاد، ضاد» که سایشی هستند نباید قطع گردد و به صورت انفجاری تلفظ شوند، به ویژه در رابطه با حرف «ضاد» که اضافه بر سایشی بودن، «استطاله» هم دارد، و صدای حرف ضاد باید زمان بیشتری در مخرجش کشیده شود؛ آسیبی که بیشتر نمازگزاران و بعضی از قراء در تلفظ ضاد مشدد، مرتکب می‌شوند.

۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام/ ۲۸۷/۹.

«صاحب جواهر»: شیخ محمدحسن بن شیخ باقر نجفی، معروف به صاحب جواهر، استاد فضلا و پدر روحانی همه علما است، او با تألیف کتاب شریف و جامع ارزشمند «جواهر الکلام» (در ۴۳ جلد)، خدمتی شایان به همه علما کرده است. خدا او را جزای خیر دهد. در سال ۱۲۶۶ در نجف اشرف جهان را بدرود گفت. (هدیه الاحباب، ص ۳۵۹).

«مَدّ»

«مَدّ»، در لغت به معنای: «امتداد و کشش» است.
و در اصطلاح قرائت: «امتداد و کشش صدای حروف مَدّی است، بیش از مقدار طبیعی». «حروف مَدّی»، «حروفی هستند که باعث دو برابر مَدّ و کشش صدای حرکات قبل از خود می‌شوند». و این مقدار مَدّ، در ذات و طبیعت این حروف نهفته است، از این رو به آن «مَدّ ذاتی و طبیعی» می‌گویند؛ مانند:

نُوحِيهَا - ءَاتُونِي - اُذِينَا

«هرگاه بعد از حروف مَدّی، حرف ساکن، مشدّد و یا همزه قرار گیرد، حروف مَدّی را باید بیش از حالت طبیعی، مَدّ و کشش داد»، از این رو به این مد اضافی، «مَدّ عارضی و غیرطبیعی» می‌گویند؛ مانند:

شَاءَ - جِيَءَ - سُوءٌ - ءَالَانٌ - رَادَّ

در چنین مواردی برای راهنمای قاری قرآن، علامتی به این شکل « ـــ »، روی حروف مَدّی قرار داده‌اند تا نشانگر مَدّ و کشش بیشتر حروف مدی باشد.
این علامت « ـــ »، از کلمه «مَدّ» گرفته شده، قسمت زیرین میم و طرف بالای دال را برای اختصار حذف نموده‌اند، «مد، ـــ»؛ مانند:

شَاءَ - جِيَءَ - سُوءٌ - ءَالَانٌ - رَادَّ

یادسپاری: به «همزه، سکون و تشدید» که باعث مدّ و کشش بیشتر حروف مدّی می‌شوند، «سبب مدّ»^۱ می‌گویند.

تمرین: کلمات زیر را با توجه با علامت مدّ، به صورت شمرده بخوانید.

دُعَاءٌ - مَا أَنْتُمْ - تَبَوَّءَ - يُشَاقِّ - فِي أَمْرِي - تَفِيءَ - بَيُضَاءَ - غَالَانِ
فُقَرَاءَ - لَا أَحِبُّ - حَاجَّ - لَا أُعْبُدُ - يُضِيءُ - الْمَصَّ - وَرَاءَ - دِمَاءُكُمْ
الرَّ - مَا أَهْلَكْنَا - فِي أَيْدِيهِمْ - الْحَاقَّةُ - غِطَاءَكَ - بِضَارِهِمْ - ضَالِّينَ
مَا أَشْرَكْتُمْ - حُفَاءَ - وَلَا غَامِينَ - رَبَّنَا إِنَّا - لَضَالُّونَ - فِي أَذَانِهِمْ
يَتَمَاسَا - عُلَمَاءَ - حَافِينَ - لَا أَمْلِكُ - يُحَادُّونَ - كَهَيْعَصَ - فَلَا أُقْسِمُ
فِي أَمْوَالِهِمْ - مُدْهَمَّتَانِ - تَهْوِي إِلَيْهِمْ - جَاءُوا أَبَاهُمْ - وَجَدْنَا غَابَاءَنَا
يَهْدِي إِلَيْهِ - لِيُحَاجُّوكُمْ - رَبَّنَا أَخْرْنَا - لَعَلِّي آتِيكُمْ - بَلَوْنَا أَصْحَابَ
يُوحَى إِلَيْكَ - فِي أَهْلِ مَدِينٍ - إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ - أَبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ
إِذَا أَتَيْتُمُوهُمْ - سَمِّئْتُمُوهَا أَنْتُمْ - إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ - مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ
أَتَحَاجُّونِي - وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ - سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ - يَا أَيُّهَا - الْمَ
نُورِي إِبْرَاهِيمَ - لَرَأْدُكَ - إِنِّي أَخَافُ - أَضَاءَتَ - رَبِّي أَكْرَمَنِي - إِنَّا أَنْزَلْنَا

۱. در رابطه با علت مدّی که سبب آن، «همزه» باشد گفته‌اند: تلفظ همزه بعد از حروف مدّی، سخت و سنگین است، از این رو «حروف مدّی را مدّ بیشتری می‌دهند تا فرصتی برای تلفظ صحیح و آسان همزه، ایجاد گردد»؛ و در رابطه با علت مدّی که سبب آن، «سکون یا تشدید» باشد گفته‌اند: التقای ساکنین در کلمات عرب، جایز نمی‌باشد، از این رو در چنین مواردی «برای امکان پذیر شدن تلفظ دو حرف ساکن، حروف مدّی را با مدّ بیشتری می‌خوانند».

«مدّ عارضی»، بر «دو قسم» است: «مدّ واجب و لازم» و «مدّ جایز».

در بعضی از قرآن، برای راهنمای قاری، علامت مدّ واجب و لازم را بزرگ‌تر یا ضخیم‌تر و علامت مدّ جایز را کوچک‌تر و یا نازک‌تر نوشته‌اند؛ مانند: دُعَاءٌ - غَالَانِ - مَا أَنْتُمْ.

تمرین: آیات زیر را به صورت کلمه کلمه و شمرده و بار دیگر به صورت آیه بخوانید.

لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ
وَلَا أَنْتُمْ غَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ
قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ
إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبْوَءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ
قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ
فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ
مُدْهَامَتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ
وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ
فَلَمَّا جَاءَهُمْ بَايَاتُنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ
وَمَا تَنْقِمُ مِنْ آلَاءِ اللَّهِ أَنْ أَمَّا بَايَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا
يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ
إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ
وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ
سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ
أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ
فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتِمَّ أَسَا
هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ

▣ پرسش و تمرین

۱. مدّ در لغت و علم قرائت به چه معنایی است؟
۲. علامت مدّ، روی چه حروفی قرار می‌گیرد و باعث چه تغییری در کلمه می‌شود؟
۳. آیات زیر را به صورت کلمه کلمه و شمرده و بار دیگر به صورت آیه بخوانید.

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ
 بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ
 فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ
 لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ
 يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ
 رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ
 وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ
 إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ الْهَيْتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا
 قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ
 قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ
 إِنَّا أَمْنَا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ
 وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا
 وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ
 فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۴. برای آشنایی بیشتر با علامت مدّ، قرآن را باز کرده و تنها حروف دارای علامت‌های گذشته و مدّ را به صورت بخش‌بخش و بالحن عربی بخوانید.

مَدّ عارضی و فرعی

یکی از مباحثی که در مسأله «صَحّت قرائت حمد و سوره»، فقها و مراجع بزرگوار تقلید به آن پرداخته‌اند، «مَدّ عارضی و فرعی» است. بیشتر فقها و مراجع بزرگوار تقلید، «مَدّ عارضی و فرعی» را جزء «مُحَسِّنَات قرائت» آورده‌اند و فتوا به «استحباب» آن داده‌اند از جمله شهید اول رحمته الله که آن را جزء «سُنَنُ القراءة» شمرده است، ولی بعضی از فقها و مراجع بزرگوار تقلید، بعضی از اقسام آن را «احتیاط واجب» یا فتوا به «وجوب» داده‌اند. ولی قبل از بیان نظر فقها و مراجع بزرگوار تقلید لازم است توضیح مختصری در رابطه با «جایگاه مَدّ و قصر در قرائت قرآن» داده شود.

جایگاه مَدّ در روایات اسلامی

ثقة الاسلام، کلینی رحمته الله از محمد بن جعفر و او از پدرش امام جعفر صادق رحمته الله نقل می‌کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دربارهٔ پرستو و چلچله نیک سفارش کردند، چرا که آنها مأنوس‌ترین پرندگان نسبت به مردم هستند؛ در ادامه، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: می‌دانید وقتی که می‌گذرد و آواز می‌خواند، چه می‌گوید؟ می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» تا اُمّ الكتاب (یعنی سوره حمد) را خواند و هنگامی که آخر آوازش می‌رسد، می‌گوید «وَلَا الضَّالِّينَ»، (سپس امام صادق رحمته الله در ادامه، فرمودند: «مَدّ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَوْتَهُ» «وَلَا الضَّالِّينَ»؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صدایش را در «وَلَا الضَّالِّينَ» مَدّ می‌داده است.^۱ (یعنی الف مَدّی آن را با مَدّ و کشش بیشتر می‌خواندند).

ابن الجزری می‌نویسد: «مردی نزد ابن مسعود قرآن می‌خواند (تا از صَحّت قرائت خود مطمئن شود) هنگام قرائت «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ»^۲ آن را بدون «مَدّ» خواند، ابن مسعود گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای من این چنین نخوانده است.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، کِتَابُ الصَّيِّدِ، بَابُ الْخُطَّافِ ۶/ ۲۲۳ (حدیث ۲).

۲. توبه: آیه ۶۰.

آن مرد پرسید: آن حضرت برای شما چگونه خوانده است، ای ابا عبدالرحمان؟ ابن مسعود در جوابش گفتند: آن حضرت برای من، این گونه خوانده است ﴿أَنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ﴾ و آن را (یعنی کلمه «فُقَرَاءِ» را) مدّ داد، پس شما هم آن را مدّ بدهید.^۱

جایگاه مدّ در فتاویٰ فقها و مراجع بزرگوار تقلید

فتاویٰ فقها و مراجع بزرگوار تقلید در رابطه با «مدّ غیر طبیعی» مختلف است؛ بعضی، فتوا به «وجوب مدّ متصل و لازم» داده‌اند؛^۲ گروهی رعایت «مدّ متصل را احتیاط مستحب»^۳ و مدّ «لازم را واجب» دانسته‌اند و بعضی دیگر فرموده‌اند: «بهتر آن است که با مدّ خوانده شود».^۴ و گروهی دیگر فتوا داده‌اند: «باید مدّ واجب و لازم را رعایت کنند و چنانچه به دستوری که گفته شد، رفتار نکنند، احتیاط آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند».^۵

باتوجه به مطالب ذکر شده، شکی باقی نمی‌ماند که مسئله «مدّ فرعی» از صدر اسلام تاکنون در قرائت قرآن کریم مطرح بوده و هست؛ ازاین‌رو عقل سلیم حکم می‌کند در مواردی که مدّ آن، نزد علمای ادبیات و تجوید، اجماعی است، باید از مقدار طبیعی آن، بیشتر مدّ و کشش داده شود تا اگر واقعیتی به نام «مدّ فرعی» وجود داشت، انسان به وظیفه شرعی خود عمل کرده باشد، به‌ویژه در رابطه با مدّ لازم در ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ که روایت از امام صادق علیه السلام در باء آن نقل گردیده است و بعضی از علماء و مراجع تقلید نیز به وجوب شرعی و یا احتیاط واجب، حکم داده‌اند.

۱. ابن‌الجزری، النشر فی قراءات العشر/ ۱/ ۳۱۵.

۲. رساله عملیه حضرت آیت الله بهجت رحمته الله، مسئله ۸۲۵؛ حضرت آیت الله سیستانی، تنها در مدّ لازم (ولا الضالّین) فتوا به وجوب داده‌اند، مسئله ۹۸۹.

۳. رساله عملیه حضرت آیت الله وحید خراسانی، مسئله ۱۰۱۲.

۴. رساله عملیه حضرت امام خمینی رحمته الله، مسئله ۱۰۰۳.

۵. توضیح المسائل با فتاویٰ سیزده نفر از مراجع معظم تقلید (خوئی، گلپایگانی، صافی و نوری همدانی).

«تنوین»

«تنوین»: «نون ساکن زائدی است که هنگام تلفظ در آخر بعضی از اسم‌ها می‌آید ولی در کتابت نوشته نمی‌شود».^۱

به عبارت دیگر: «نون ساکن زائدی است که نوشته نشده ولی خوانده می‌شود».

و «نشانه آن»: «تکرار شکل حرکت فتحه، کسره و ضمه ً ِ ُ است».

این تکرار شکل حرکت (تنوین)، نشانگر تلفظ «نون ساکنی است که در نگارش نوشته نشده، ولی باید خوانده شود» و بر «سه قسم» است:

۱. تنوین فتحه «َ»، مانند:

رَحْمَةٌ ← رَحْمَةٌ

۲. تنوین کسره «ِ»، مانند:

رَحْمَةٍ ← رَحْمَةٍ

۳. تنوین ضمه «ُ»، مانند:

رَحْمَةٌ ← رَحْمَةٌ

۱. در زبان عرب «نون ساکن بر دو قسم است»:

الف) «نون ساکن اصلی»: «نون ساکنی است که جزء اصلی کلمه است». به صورت حرف نون نوشته می‌شود و همیشه خوانا است؛ مانند: حَسَنٌ.

ب) «نون ساکن زائد»: «نون ساکن زائدی است که جزء اصلی کلمه نمی‌باشد». در بعضی وقت‌ها به خاطر عواملی در آخر بعضی از اسم‌ها اضافه می‌گردد. برای اینکه با نون اصلی کلمه اشتباه نشود در کتابت نمی‌نویسند و تنها در حالت وصلی خوانا است و در حالت وقفی خوانده نمی‌شود؛ مانند: کِتَابٌ = کِتَابٌ

یادسپاری: بعضی از کلماتی که به تنوین فتحه ختم شده‌اند، بعد از آنها الفی آورده‌اند، مانند: «کِتَابًا» و این بدان جهت است که در هنگام وقف باید به صورت الف مدّی خوانده شود «کِتَابًا».

تمرین: کلمات زیر را به صورت شمرده بخوانید.

أَنْهَارًا - رَسُولٌ - عَظِيمٌ - كَثِيرًا - مَرَّةً - فِتْنَةً - عِظَامًا - رِجَالًا - رُكَاةً
أُمَّةً - هَيْئًا - بُهْتَانًا - بَقِيعَةً - أَعْنَابٍ - قَمَطِرًا - فِي ضَلَالٍ - مَوْعِظَةً
مُطَهَّرَةً - مُسْتَقَرًّا - قِيَمَةً - مُمَزَّقٍ - سَيَّارَةً - صَافَاتٍ - غَاشِيَةً - أَجْنَحَةً
مَعْرُوفَةً - زُجَاجَةً - اسْتِكْبَارًا - مَعْدُودَةً - وَازِرَةً - مُلْتَحِدًا - مُسْتَبْشِرَةً
مُتَفَرِّقَةً - بِمُصَيِّطٍ - مُتَجَاوِرَاتٍ - لَا شَرْقِيَّةٍ - قَمَرًا مُنِيرًا - عَيْنٌ جَارِيَةٌ
لِيَوْمٍ عَظِيمٍ - حُبًّا جَمًّا - رَسُولٌ أَمِينٌ - يَوْمًا عَبُوسًا - كِرَامٍ بَرَرَةٍ - قَوِيٌّ عَزِيزٌ

نکته: در سه مورد زیر الف آورده نشده:

۱. کلماتی که به تاء گرد ختم شده باشند، مانند: «رَحْمَةً - حَيَاةً»، چرا که در هنگام وقف، تاء گرد تبدیل به های ساکن می‌شود «رَحْمَةٌ - حَيَاةٌ».

۲. کلماتی که الف مدّی آنها به صورت یاء نوشته شده باشد، مانند: «هُدًى - ضَحًى»، چرا که در هنگام وقف، حرف یاء به صورت الف خوانده می‌شود «هُدًى - ضَحًى».

۳. بعضی از کلماتی که به همزه ختم شده باشند، در صورتی که قبل از همزه، الف مدّی آمده باشد؛ مانند: «مَاءً، أَسْمَاءً».

تمرین: کلمات زیر را به صورت شمرده بخوانید.

الْهَةَ - نِسَاءً - رَحْمَةً - مُسَمًّى - نَضْرَةً - جَزَاءً - أَحْيَاءً - بِضَاعَةً
مُصَفًّى - جُفَاءً - مُفْتَرًّى - مَرَّةً - فِتْنَةً - سَوَاءً - مُصَلًّى - نِعْمَةً
ذِمَّةً - عَطَاءً - حَامِيَةً - ظَاهِرَةً - أُمَّةً - عَلَانِيَةً - لَعِبْرَةً - كَأَفَّةً

تمرین: آیات زیر را به صورت کلمه کلمه و شمرده و بار دیگر به صورت آیه بخوانید.

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا
وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا
قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا
وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
غَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَاسْتَبْرَقُ
فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ
إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا
وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا
وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجْدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا
وَذَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا
وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا
أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ
لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَابًا مِنْ طِينٍ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ
لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا
لَا يَمُوتُ فِيهَا سَمٌ وَلَا حُلٌّ مِنْ خِلافٍ ثُمَّ لَا صَلْبَبُنَّكُمْ أَجْمَعِينَ
وَيُمَدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا
قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا

▣ پرسش و تمرین

۱. تنوین را تعریف نموده و برای هریک از انواع آن مثالی بزنید.
۲. در چه مواردی بعد از تنوین فتحه «الف» نیامده است؟
۳. آیات زیر را به صورت کلمه کلمه و شمرده و بار دیگر به صورت آیه بخوانید.

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ
إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ
إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا
لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ
قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ
مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا
فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ
إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا
وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ شَاخِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا
يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا
فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا
أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ
وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ
سُورَةً أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

۴. برای آشنایی بیشتر با تنوین، قرآن را باز کرده و تنها حروف دارای علامت‌های گذشته و تنوین را به صورت بخش‌بخش و با لحن عربی بخوانید.

احکام نون ساکن و تنوین

علمای قرائت و تجوید، برای حرف «نون ساکن و تنوین» در برخورد با حروف دیگر (با توجه به دوری و نزدیکی مخرج آن با مخارج دیگر)، «احکامی» ذکر کرده‌اند که به طور فشرده در این دو بیت آمده است:

تنوین و نون ساکنه، حکمش بدان ای هوشیار
کز حکم آن زینت بود، اندر کلام کردگار
در حرف حلق، اظهارکن، در یرملون، ادغام کن
در نزد با، قلب به میم، در مابقی، اخفایار

این احکام، جزء «مُحَسِّنَات قِرَاءَت» است و اختصاص به قرائت قرآن و زبان عربی ندارد، بلکه همه ما، در زبان فارسی نیز به صورت ناآگاه بر زبان جاری می‌کنیم. صاحب عروه رحمته الله در مسئله ۵۳ احکام القرائه می‌فرماید: **بهتر است رعایت کردن «مُحَسِّنَات قِرَاءَت» که علمای قرائت ذکر کرده‌اند.**

و در مسئله ۵۴: **رعایت احکام نون ساکن و تنوین را «شایسته و سزاوار» می‌دانند، با این حال فرموده‌اند: «هیچ کدام از آنها واجب نیست».**

اما در مسئله ۴۹: در مورد «ادغام نون ساکن و تنوین» نزد حروف «یرملون»، احتیاط کرده‌اند با این حال فرموده‌اند: «**آقوی عدم وجوب آن است**».

و لکن از میان فقها و مراجع بزرگوار، تنها آیت الله بهجت رحمته الله است که در مسئله ۸۲۷ رساله عملیه خود، فتوا به «وجوب ادغام در یرملون» داده است.

برای آشنایی عزیزان با «اصطلاحات تجویدی احکام نون ساکن و تنوین»، توضیح مختصری در رابطه با آنها، لازم است:

۱- «**اظهار: تلفظ حرف نون، از مخرجش به صورت واضح و آشکار است**».

حرف نون ساکن و تنوین نزد حروف حلقی، اظهار می‌گردد.

حرف حلقی شش بودای با وفا همزه، ها و عین و حا و غین و خا

۲ - «ادغام: نون ساکن و تنوین، در شش حرف «یرملون» بعد از خود ادغام می‌گردد»
و این ادغام در دو حرف «لر»، «بدون غُنة زائد» و در چهار حرف «یمون»، «با غُنة زائد» همراه است؛ یعنی صدای غُنة نون به اندازه دو حرکت در بینی نگه داشته می‌شود.

۳ - «قلب به میم: تبدیل شدن نون ساکن و تنوین به حرف میم است، هنگامی که به حرف «باء» برسد»، همراه با اخفای میم.
«هنگام اخفای میم»، لب‌ها به مخرج حرف باء، نزدیک شده و صدای غُنة میم به اندازه دو حرکت از فضای بینی خارج می‌گردد و سپس حرف باء، ادا می‌شود؛ مانند: مِنْ بَعْدِ، بَصِيرٌ بِمَا.

۴ - «اخفاء: ادای حرف نون ساکن است درحالتی که بین اظهار و ادغام، همراه با غُنة».
هنگام شروع اخفاء، زبان (بدون اینکه به محلّ ادای حرف نون برسد) به طرف مخرج حرف بعدی کشیده شده، و همزمان (قبل از تلفظ حرف بعدی) غُنة نون به اندازه دو حرکت از مجرای بینی خارج می‌شود و آن گاه حرف مابقی به سهولت و آسانی تلفظ می‌گردد؛ (حرف نون ساکن و تنوین، نزد پانزده حرف باقیمانده، اخفا می‌شود).

در اخفاء، مخرج حرف نون در مخرج حرف بعدی، مستتر و مخفی می‌گردد، از این رو گفته‌اند بهترین اخفاء، اخفایی است که بوی حرف مابقی، قبل از ادا، مشخص باشد.
یادسپاری: در قرآن‌های با رسم الخط عربی، با تغییر در «نحوه علامت گذاری تنوین و نون ساکن»، خواسته‌اند «احکام تنوین» و «نون ساکن» را به قاری قرآن، یادآوری کنند.
در موارد اظهار: حرف نون ساکن را با علامت سکون «نْ» و تنوین را به صورت معمولی «نَ» نوشته‌اند.

در موارد اخفاء و ادغام: حرف نون ساکن را بدون علامت سکون «ن» و شکل تنوین را به صورت نامساوی «نَ» نوشته‌اند با این تفاوت که در موارد ادغام تام، روی چهار حرف بعدی علامت تشدید «مَ، نَ، لَ، رَ» قرار داده‌اند.

و در مورد قبل به میم: به جای علامت سکون نون ساکن «میم کوچکی» نوشته‌اند «نْ» و همچنین به جای شکل دوم تنوین میم کوچکی نوشته‌اند «نَ».

«حروف ناخوانا (۱)»

در قرآن کریم، به حروفی برمی‌خوریم که نوشته شده ولی خوانده نمی‌شوند و به آنها «حروف ناخوانا» می‌گویند.

«حروف ناخوانا»، در قرآن مجموعاً چهار حرف «و-ا-ل-ی» است که در بعضی از کلمات نوشته شده ولی خوانده نمی‌شوند.

حروف ناخوانا دو دسته است:

۱. همیشه ناخوانا.

۲. بعضی وقت‌ها ناخوانا.

در این درس و درس آینده، اضافه بر شناخت تک تک موارد آنها، با علت نگارش و خوانده نشدنشان نیز آشنا خواهید شد.

«حروف همیشه ناخوانا»

۱. پایه و کرسی همزه «وَأُی»

«همزه» از حروفی است که در نگارش اولیّه عرب، شکل خاصی نداشت، در ابتدای کلمه به صورت الف و در وسط و آخر کلمه با توجه به حرکت همزه یا حرکت حرف قبل از آن، به صورت «ا-و-ی» می‌نوشتند، بعدها که قرآن را برای صحت قرائت، علامت‌گذاری کردند، این شکل «ء» را برای همزه، وضع کردند و آن را روی سه حرف مذکور قرار دادند «أ-و-ی» تا قاری قرآن نحوه تلفظ صحیح آن سه حرف را تشخیص دهد، بنابراین طبق نگارش امروزه، این سه حرف «ا-و-ی»،

دیگر خواننده نمی‌شوند و در حکم پایه و کرسی برای همزه می‌باشند؛ مانند:

سَأَلَ - فُؤَادُ - يُبْدِي - أَمِرْتُ - تُؤْوِي - قُرِي - نَأْتِي - دُعَاؤُكُمْ
تُؤْتُونِ - يُؤَلِّفُ - يَسْتَهْزِي - مُؤَذِّنُ - يُؤَاخِذُكُمْ - لَوْلَا
يُنْشِئُ - أَبَتِ - أَفْتُوْمُنُونَ - شُرَكَاءُهُمْ - أَنْشَأْنَاهُنَّ - جَزَاءُ هُمْ

یادسپاری: بعضی وقت‌ها یای غیر آخر «ی»، پایه و کرسی همزه واقع می‌شود، در این صورت، نقطه آن را نمی‌نویسند، «ئ»؛ مانند:

حَدَّثَكَ - تُسَلِّونَ - شَانِكَ - أَنْبَهُمْ - جِئْتُكَ - ذَائِقَةُ - مَلَائِكَةُ
يُنْبِئُهُمْ - طَائِفَةُ - ذَائِمُونَ - لَنْسَلَنَّهُمْ - لَتَنْبِئَنَّهُمْ - بِأَسْمَائِهِمْ

یادسپاری:

۱. در بعضی از قرآن‌ها، روی الفی که به صورت همزه خوانده می‌شود، «همزه» قرار نداده‌اند، وبا متحرک یا ساکن نوشتن آن، همزه بودنش را مشخص کرده‌اند؛ مانند: **أَنْشَأْنَاهُنَّ - فَبَدَأَ.**

۲. در بعضی از قرآن‌ها، همزه مکسوره را زیر حرف نوشته‌اند؛ مانند: **إِنَّ - لَيْنَ - لَوْلُو.**
۳. چنانچه همزه بدون پایه و کرسی باشد، حروف «اوی» قبل و یا بعد از آن، خوانده می‌شود؛ مانند: **يَشَاءُ - سُوءٌ - حَيَّءٌ - شَيْءٌ - غَانِيَةٌ - غَابَاءِي - بَأُؤو.**

۲. **پایه و کرسی الف مدی (ـوـی)**

واو و یاء در بعضی از کلمات باید به صورت الف خوانده شوند؛ مانند:

صَلَاةٌ = صَلَاةٌ مُوسَى = مُوسَا تَلِيهَا = تَلَاهَا

در بعضی از قرآن‌ها برای راهنمایی قاری، روی واو و یاء، الف کوچکی قرار داده‌اند تا قاری قرآن متوجه تلفظ صحیح آنها باشد (ـوـی) و با توجه به اینکه در کلیه این موارد، حرف قبل از آنها مفتوح است، این الف باعث دو برابر مدّ و کشش

صدای فتحه حرف قبل می‌شود و واو و یاء در حکم پایه و کرسی برای الف مدّی است؛ مانند: صَلَوَةُ - مُوسَى - تَلِيهَا.

در قرآن‌های با رسم الخط ایرانی، ترکی و شبه قاره‌هند، فتحه حرف قبل را به صورت ایستاده نوشته‌اند تا دلالت بر فتحه اشباعی (فتح با صدای کشیده) کند و واو و یاء را بدون علامت آورده‌اند، (و، ی) تا دلالت بر ناخوانا بودن آنها کند؛ مانند:

يَرْضَى - صَلَوَةُ - أُولَى - تَسْعَى - زَكْوَةُ - تُجْزَى - تَرْدَى - يَحْيَى
عَذْوَةُ - تَلْطَى - أَحْوَى - نَجْوَةُ - لِلْعُسْرَى - تَجَلَّى - كَمِشْكُوَةُ
لَشَيْءٍ - اسْتَعْلَى - يَتَزَكَّى - مَنْوَةُ - فَلَا تَنْسَى - حَيَوَةُ - يَتَمَطَّى

یادسپاری: در بعضی از قرآن‌ها، وقتی که یای غیر آخر (ی)، پایه و کرسی الف مدّی واقع شود، نقطه آن را نمی‌نویسند (ب)؛ مانند:

أَتَاكَ - ضَحِيهَا - ذَكَرَهُمْ - دَسَّهَا - مَثْوَكُم - يَخْشِيهَا - فَسَوَّيْهَا
لَنَرِيكَ - أَشَقَّيْهَا - عُقْبِيهَا - يُجْزِيهِ - أَتَهُمْ - أَخْرِيَهُمْ - هَدَيْنَا - أُولَهُمْ

یادسپاری: واو و یاء در صورتی ناخوانا هستند که پایه و کرسی برای الف مدّی باشند اما اگر واو و یاء متحرک باشند و یا قبل و بعد از آنها الف مدّی بیاید، دیگر در حکم پایه و کرسی نیستند و خوانده می‌شود؛ مانند:

صَلَوَاتُ - سَقِيهَا - هُدَى - عَذْوَةُ - سَمَوَاتِ

۳. الف جمع (- و)

فعل‌هایی که به حرف واو جمع ختم می‌شوند، در صورتی که بعد از واو جمع، ضمیر متّصلی نیامده باشد، لازم است بعد از آن واو، الفی آورده شود تا واو جمع از واو غیر جمع تمیز داده شود؛ مانند:

نَصَرُوا - فَرَحُوا - أَمِنُوا - كَانُوا - صَبَرُوا - تَعَثُّوا
أَنْفَقُوا - اتَّبَعُوا - لَتَارِكُوا - انْطَلَقُوا - لَا تَهْتَدُوا - تَكْتُمُوا

به این الف، اضافه بر الف جمع، الف فارقه نیز می‌گویند، چرا که این الف، تمیزدهندهٔ واو جمع از غیر جمع می‌باشد.

یادسپاری: در قرآن به کلماتی برمی‌خوریم که حرف واو آخر کلمه، واو جمع نیست ولی پس از آن، الف ناخوانا آمده است؛ مانند:

أَشْكُوا - نَبُلُوا - أَتَوَكَّؤُا - شُرَكَّؤُا - لِيَرُبُوا

این الف‌ها نیز در حکم الف جمع است و خوانده نمی‌شوند.

۴. واو مدّی در شش کلمه (و)

در قرآن به شش کلمه برمی‌خوریم که با واو مدّی (و) نوشته شده، ولی واو مدی آنها خوانده نمی‌شود. نحوهٔ نوشتن و خواندن این شش کلمه عبارتست از:

نوشته شده: **أُولَى** - **أُولُوا** - **أُولَاتٍ** - **أُولَآءِ** - **أُولَئِكَ** - **سَأُورِيكُمْ**

خوانده می‌شود: **أُلی** - **أُلُوا** - **أَلَاتٍ** - **أَلَآءِ** - **أَلِئِكَ** - **سَأُرِيكُمْ**

برای این کلمات، هیچ قاعده‌ای ذکر نشده است.

یادسپاری: در بعضی از قرآن‌ها برای راهنمایی قاری، روی الف جمع و واو این شش کلمه، دایرهٔ کوچکی قرار داده‌اند «و»^۱، تا دلالت بر عدم تلفّظ این دو حرف کند؛ مانند:

أَقِيمُوا - عَمِلُوا - أُولَئِكَ - أُولُوا - أُولَآءِ - أُولَى

۱. کلمه «أُولَئِكَ» نیز در حکم «أُولَئِكَ» است.

۲. این علامت «و»، از صفراهل حساب گرفته شده، در علم ریاضی، صفر دلالت بر عدم عدد و در علم قرائت، دلالت بر عدم تلفّظ می‌کند. (مارغنی، دلیل الحیران؛ ص ۲۶۰).

۳. در بعضی کلمات، «الف» و «یا» ناخوانا بدون قاعده آمده است، مانند:

مِائَةٌ - بِأَيِّدٍ - أَفْئِن - جِأَىء - لَشَأَىء - لَا أَذْبَحَنَّهُ.

تمرین: آیات زیر را نخست به صورت کلمه کلمه و شمرده بخوانید و نوع حروف ناخوانای آن را مشخص کنید و بار دیگر به صورت آیه بخوانید.

وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا
وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِلَٰهًا
اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ
قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي
سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ
وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ
رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا
هَآأَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ
مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَلَا إِلَىٰ هَٰؤُلَاءِ
مَا عَٰمَنَّا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ
وَقَدْ مَنَّآ إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا
فَآرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا
كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ
سَتُدْعُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولَىٰ بِأُسِّ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ

▣ پرسش و تمرین:

۱. حروف ناخوانا را تعریف کرده و موارد همیشه ناخوانا را بنویسید.
۲. آیات زیر را نخست به صورت کلمه کلمه و شمرده بخوانید و نوع حروف ناخوانای آن را مشخص کنید و بار دیگر به صورت آیه بخوانید.

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ
قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا
فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
أُولَئِكَ مَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا
قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي
قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى
إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى
قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ
كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ
فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ
وَعَرَّضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

۳. برای آشنایی بیشتر با حروف ناخوانا، قرآن را باز کرده و حروف دارای علامت‌های گذشته و حروف ناخوانا را به صورت بخش‌بخش بخوانید و حروف ناخوانای آن را مشخص کنید.

«حروف ناخوانا (۲)»

«حروف بعضی وقت‌ها ناخوانا»

۱. همزه وصل در وسط کلام (...ا...)

تلفّظ کلماتی که ابتدای آنها ساکن باشد، در زبان عرب، سنگین و مشکل است؛ مانند: نُصِرَ - هُبِطَ، برای سهولت و امکان پذیر شدن تلفّظ چنین کلماتی، از الف متحرّکی به نام همزه وصل کمک می‌گیرند.

«همزه وصل»: «الف متحرّکی است که در ابتدای کلام خوانده می‌شود ولی در وسط دو کلمه خوانده نمی‌شود»؛ مانند:

أَدْخُلُوا - يَا قَوْمِ ادْخُلُوا

در مقابل همزه وصل، همزه دیگری است به نام همزه قطع که در ابتدا و وسط کلام خوانده می‌شود؛ مانند:

أَرْسَلْنَا - لَقَدْ أَرْسَلْنَا

یادسپاری: در بعضی از قرآن‌ها، برای راهنمایی قاری، روی الفی که همزه قطع است، شکل همزه «أ» و روی الفی که همزه وصل است، صاد غیر آخری «آ» قرار داده‌اند؛ مانند: أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ.

در بعضی دیگر از قرآن‌ها، الفی که همزه قطع است را با علامت مربوطه و الفی که همزه وصل است را بدون علامت نوشته‌اند؛ مانند: أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ.

تمرین: کلمات زیر را به صورت شمرده بخوانید:

وَاضْرِبْ - قَالَ اخْرُجْ - هُوَ الْهُدَى - رَبِّ اجْعَلْ - وَاسْتَكَبَرِ
وَاحْلُلْ - حَقَّ الْقَوْلُ - وَادْكُرِ اسْمَ - قَالَ اذْهَبْ - مِنَ الْكِتَابِ
عَنِ الْيَمِينِ - مَنْ اتَّبَعَ - ارْدُتُمْ اسْتَبْدَالَ - إِنَّ الْأَوَّلِينَ - وَارْتَابَتْ
تِلْكَ الْأَمْثَالُ - وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ - لَقَدْ اسْتَكَبَرُوا - مَنْ اهْتَدَى

نحوه خواندن همزه وصل در ابتدای کلام:

همزه وصل در آغاز فعل، اسم و حرف می آید.

در «حرف»، همزه «ال» تعریف همیشه «مفتوح» می باشد؛ مانند:

الْكِتَابُ = الْكِتَابُ الْقَمَرُ = الْقَمَرُ الْحَمْدُ = الْحَمْدُ

در «اسماء»، همیشه «مکسور» می باشد؛ مانند:

ابْنُ = ابْنِ اسْمُ = اسْمِ اثْنَا = اثْنَا

در «افعال»، با توجه به «دومین حرف بعد از همزه»، اگر «مفتوح یا مکسور» بود با

«کسره» و اگر «مضموم» باشد با «ضمه» خوانده می شود؛ مانند:

اِفْتَحْ = اِفْتَحْ اضْرِبْ = اضْرِبْ انْصُرْ = انْصُرْ

تمرین: حرکت همزه وصل در کلمات زیر را مشخص نموده و بخوانید.

الْفَارِعَةُ - اسْتَغْفِرْ لَهُمْ - اسْلُكْ يَدَكَ - اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ
ادْعُوا رَبَّكُمْ - احْشُرُوا - انْفِرُوا خِفَافًا - انْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ - انْطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ - الَّذِينَ هُمْ - اَعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ
ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ - الْآخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ - اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ

یادسپاری: در بعضی از قرآن‌ها برای صحّت قرائت همزه وصل، در صورت ابتدای به آن، اضافه بر علامت همزه وصل، حرکت آن را نیز آورده‌اند، مانند:

الْحَمْدُ - اِهْدِنَا - اَنْظُرْ - اَلْاَعْرَابُ

چند نکته:

۱. در پنج فعل «اَقْضُوا، اِیْنُوا، اَمْشُوا، اَمْضُوا، اِئْتُوا»، همزه آنها در حالت ابتدا، به کسره خوانده می‌شود چون در اصل «اَقْضِیُوا، اِیْنِیُوا، اَمْشِیُوا، اَمْضِیُوا، اِئْتِیُوا» بوده‌اند.
۲. همزه ساکنه بعد از همزه وصل در کلمات «اِئْتُوا، اِئْتُونِی، اِئْتِیَا، اِئْتِ، اِئْذَنْ» در صورت وصل به ما قبل، به صورت «همزه»، و در صورت ابتدا به کلمه، با «یای مدّی» خوانده می‌شوند، بدین ترتیب: «اِیْتُوا، اِیْتُونِی، اِیْتِیَا، اِیْتِ، اِیْذَنْ».
۳. همزه ساکنه بعد از همزه وصل در کلمه «اُؤْتِیْنِ» نیز در صورت وصل به ما قبل، به صورت «همزه»، و در صورت ابتدا به کلمه، با «واو مدّی» (اُؤْتِیْنِ) خوانده می‌شود.

۶. حروف مدّی نزد همزه وصل (اِ-ی-و+ا)

هرگاه حروف مدّی به همزه وصل برسند میان حروف مدّی (که ذاتاً ساکن هستند) و حروف بعد از همزه وصل (که همیشه ساکن یا مشدّد هستند) التقای ساکنین پیش می‌آید، برای رفع التقای ساکنین، حروف مدّی، خوانده نمی‌شوند؛ مانند:

وَإِذَا الْجِبَالُ = وَإِذَا الْجِبَالُ فِي الْمَدِينَةِ = فَلَمَدِينَةِ ذُو الْعَرْشِ = ذُلْعَرْشِ

تمرین: کلمات زیر را به صورت شمرده بخوانید و حروف ناخوانای آن را مشخص کنید:

جَعَلْنَا الْآنْهَارَ - رَبَّنَا اكْشِفْ - ذَوِی الْقُرْبَى - اُوتُوا الْكِتَابَ

مُخْزِی الْكَافِرِیْنَ - اِلَى الْحَوْلِ - اِحْدَى ابْنَتَى - فَجَرْنَا الْاَرْضَ

وَ اِبْتَلُوا الْیَتَامَى - اُولِی الْاَرْبَةِ - تَكْتُمُوا الْحَقَّ - الَّذِیْ اُؤْتِیْنِ

۷. لام (ال) تعریف نزد حروف شمسی

«ال» تعریف، شامل دو حرف «الف و لام» است، الف آن، همزه وصل است (در ابتدای کلام خوانده می شود و در وسط جمله خوانده نمی شود)، لام آن نزد حروف، دو حالت دارد، نزد چهارده حرف قمری (عجبا که خوف حق غمی)، اظهار و نزد چهارده حرف شمسی (مابقی حروف)^۱، تبدیل به حروف شمسی شده و در هم ادغام می شوند، برای راهنمایی قاری در چنین مواردی، لام را بدون علامت سکون و در عوض حرف بعدی را مشدد نوشته اند، مانند:

مِنَ الذَّهَبِ - وَالصُّلْحِ - هُوَ الضَّلَالُ - مِنَ الزَّاهِدِينَ
فَاسْتَبِقُوا الصِّرَاطَ - عِبَادَ اللَّهِ - إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى الثَّلَاثَةِ
نَجْزِي الظَّالِمِينَ - وَالشَّمْسِ - لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى
وَأَتُوا الزَّكَاةَ - مِنَ الرَّحْمَةِ - جَنَاحَ الذُّلِّ - نَزَّلْنَا الذِّكْرَ
خِلَالَ الدِّيَارِ - إِنَّ السَّاعَةَ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ - يَقُولُ الظَّالِمُونَ

یادسپاری: حرف «لام»، در کلمات زیر، «لام تعریف نبوده» و خوانده می شود؛
وَالْتَقَتِ - يَوْمَ التَّقِي - فَاَلْتَمِسُوا - إِذَا التَّقِيْتُمْ - فَالْتَقَمَهُ - أَلْسِنَتِكُمْ.

۱. «حروف شمسی» نیز چهارده حرف هستند که در این جمله «شَبَل زردست» خلاصه شده، لازم به یادآوری است که چون در فارسی، تلفظ این چهار حرف «ز، ذ، ظ، ض» یکسان است، از این رو حرف «زاء» نماینده سه حرف دیگر نیز می باشد و همچنین تلفظ این سه حرف «س، ث، ص» یکسان است، پس حرف «سین» نماینده دو حرف دیگر نیز می باشد و تلفظ دو حرف «ت، ط» در فارسی یکسان است، حرف «طاء» نماینده حرف «طاء» نیز می باشد.
علت نام گذاری «حروف شمسی و قمری» به خاطر شباهتی است که این حروف به «شمس و قمر» دارند؛ با طلوع خورشید، هیچ ستاره ای قدرت خودنمایی ندارد ولی ماه، چنین قدرتی ندارد، از این رو همه ستارگان در کنار او، خودنمایی می کنند؛ حروف شمسی نیز نسبت به لام «أل» تعریف چنین است، لام در مقابل حروف شمسی، قدرت خودنمایی ندارد و در آنها ادغام می شود، ولی حروف قمری چنین قدرتی ندارند، و لام «أل» تعریف در مقابل حروف قمری، خودنمایی می کند و در تلفظ اظهار می گردد.

تمرین: سوره «تکاثّر» و «بیّنه» را نخست به صورت کلمه کلمه و شمرده بخوانید و حروف ناخوانای آن را مشخص کنید و بار دیگر به صورت آیه بخوانید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوْفَ
 تَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ
 عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿٥﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿٦﴾ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا
 عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿٧﴾ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ
 حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿١﴾ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ﴿٢﴾
 فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ﴿٣﴾ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ
 بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ
 لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ
 الْقِيمَةِ ﴿٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ
 فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾ ابْنَ
 الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾
 جَزَاءُ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾

▣ پرسش و تمرین

۱. همزه وصل در چه موقعی خوانده نمی شود؟
۲. حروف مدّی در چه موقعی خوانده نمی شود و چرا؟
۳. لام تعریف نزد چه حروفی اظهار و نزد چه حروفی ادغام می شود؟
۴. سوره «بروج» را به صورت شمرده بخوانید و حروف ناخوانای آن را مشخص کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿١﴾ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿٢﴾ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ
 ﴿٣﴾ قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ﴿٤﴾ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ﴿٥﴾ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا
 قُعُودٌ ﴿٦﴾ وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾ وَمَا نَقَمُوا
 مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ
 عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
 جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾ إِنَّ بَطْشَ
 رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ هُوَ يَدِي وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾ وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ ﴿١٤﴾
 ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾ فَغَالٍ لِمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ
 ﴿١٧﴾ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ مِنْ
 وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾ بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَجِيدٌ ﴿٢١﴾ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

حکم شرعی «لام تعریف» و «همزه قطع و وصل»

علامه بحر العلوم از فقهای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم، در منظومه فقهی خود: «ملاک صحت قرائت را مطابقت با قواعد و ضوابطی می‌داند که علمای ادبیات (و قرائت به صورت متواتر و یکسان) بیان کرده‌اند».

وَكُلَّمَا فِي الصَّرْفِ وَالتَّحْوِجِ فَوَاجِبٌ وَيُسْتَحَبُّ الْمُسْتَحَبُّ
و هرچه در صرف و نحو (رعایت آنها) واجب است، در قرائت (قرآن نیز رعایت آنها) واجب و آنچه که مستحب است، مستحب می‌باشد.^۱

صاحب عروة الله در مسئله ۵۱ (فی احکام القرائه) می‌فرماید: «واجب است ادغام «لام» از الف و لام (تعریف) در چهارده حرف (شمسی) و اظهار «لام» در بقیه حروف «قمری»؛ پس باید (لام تعریف) در: اَللّٰهُ، الرَّحْمٰنُ، الرَّحِيْمُ، الصِّرَاطُ و اَلضَّالِّينَ با ادغام باشد و در اَلْحَمْدُ، اَلْغَالَمِيْنَ و اَلْمُسْتَقِيْمِ و امثال آن با اظهار باشد».

و در مسئله ۳۸ همین باب می‌فرماید: «يجب حذف هَمْزَةِ الْوَصْلِ فِي الدَّرَجِ، مِثْلُ هَمْزَةِ اَللّٰهِ و اَلرَّحْمٰنِ و اَلرَّحِيْمِ و اَهْدِنَا و نَحْذُكَ، فَلَوْ اثْبَتَتْهَا بَطَلَتْ وَ كَذَا يَجِبُ اثْبَاتُ هَمْزَةِ الْقَطْعِ كَهَمْزَةِ اَنْعَمْتَ، فَلَوْ حَذَفَهَا حِينَ الْوَصْلِ بَطَلَتْ».^۲

در سوره حمد، الف اَلْحَمْدُ، اَلرَّحْمٰنِ، اَهْدِنَا همزه وصل است و در ابتدای آیات خوانده می‌گردد. ولی اگر این آیات با آیه قبل خوانده شوند، دیگر این الف

۱. الدَّرَجَةُ الْبَهِيَّةُ فِي رُؤُوسِ الْمَسَائِلِ الْاَصُولِيَّةِ، به نقل از جواهر الكلام، ج ۹، ص ۲۹۸.

«عَلَامَةُ بَحْرِ الْعُلُومِ»: عالم ربانی، آیت الله محمد مهدی بن المرتضی بن محمد الطباطبائی البروجردی الغروی، مشهور به بحر العلوم ولادت شریفش در کربلای معلی، سنة ۱۱۵۵ قمری و وفاتش در نجف اشرف، سنة ۱۲۱۲، قبر شریفش در مسجد طوسی، نزدیک قبر شیخ طوسی رحمه الله است. صاحب جواهر در حق او می‌فرماید: صاحب الکرامات الباهرة والمعجزات القاهرة، تشرف او به ملاقات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مکرر نقل شده و به تواتر رسیده است. (هدیه الاحباب، ص ۲۲۱).

۲. العروة الوثقی فی احکام القراءه / مسئله ۳۸.

خوانده نمی‌گردد. به این صورت: «الرَّحِيمَ الْحَمْدُ»، «الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنُ»، «نَسْتَعِينُ اهْدِنَا»، و اگر خوانده شوند، به فرموده صاحب عروه رحمه الله باعث بطلان نماز می‌گردد. و همچنین الف «يَاكَ» و «أَنْعَمْتَ»، «همزه قطع» است و همیشه خوانده می‌گردد و اگر در حالت وصلی خوانده نشود، باعث بطلان نماز می‌گردد. به این صورت: «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ يَاكَ نَعْبُدُ وَيَاكَ نَسْتَعِينُ»، «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ».

برای پرهیز از این دو حالت، یا باید در آخر آیات وقف کرد، - زیرا که وقف بر آخر آیات سُنت و مستحب است - و یا باید وصل به سکون انجام داد؛ زیرا که وصل به سکون هر چند از نظر تجویدی اشکال دارد، ولی از نظر شرعی اشکالی ندارد و یا حداکثر «مکروه» است و باعث بطلان نماز نمی‌گردد. ولی با آوردن اعراب آخر کلمه و همزه وصل، باعث بطلان نماز می‌گردد.

«حروف نانوشته»

«حروفی که نوشته نشده ولی خوانده می‌شوند»

در قرآن به سه حرف «ا - و - ی» برمی‌خوریم که در نگارش بعضی از کلمات قرآن نوشته نشده، ولی باید خوانده شوند.

حروف نانوشته دو قسم است:

۱. مواردی که جزء اصلی کلمه می‌باشند.
۲. مواردی که جزء اصلی کلمه نمی‌باشند.

۱ - مواردی که جزء اصل کلمه می‌باشند

«الف»، «واو» و «یاء» در بعضی از کلمات نوشته نشده است.

در مورد عدم نگارش سه حرف «ا - و - ی» در بعضی از کلمات، دلیل‌هایی را آورده‌اند.^۱ که به یکی از آنها اکتفا می‌کنیم و آن «جلوگیری از تکرار» است.

عرب زبان‌ها در نگارش اولیۀ خود، از تکرار سه حرف «ا - و - ی» جلوگیری می‌کردند و هر جا یکی از این سه حرف، پشت سرهم تکرار می‌شد، به نوشتن یکی

۱. در کتاب‌های رسم القرآن، سه دلیل برای آن آورده‌اند، با دوتای آنها قبلاً آشنا شدیم.
الف - «اختصار»؛ کلماتی مانند: «صالحات، باقیات» را به این صورت «صلحت، بقیت» می‌نوشتند، دلیل آن را «خلاصه‌نویسی» دانسته‌اند؛ با روش علامت‌گذاری آن، در مبحث الف مدی آشنا شدید.
ب - «عوض از آن در کلمه موجود است»؛ کلماتی مانند: «صلاة، موسا» را به این صورت «صلوة، موسی» می‌نوشتند، دلیل آن را «خوانده شدن واو و یاء به صورت الف» بیان کرده‌اند؛ با روش علامت‌گذاری آن، در مبحث پایه و کرسی الف مدی آشنا شدید.

از آنها اکتفا می کردند؛ مانند:

نَبِيَّيْنٍ - يَسْتَوُونَ - تَرَاءُ^۱ - بَأُو

که به این صورت می نوشتند:

نَبِيَّيْنٍ - يَسْتَوُونَ - تَرَا - بَأُو

بعد از آنکه قرآن را برای صِحَّت قرائت، علامت گذاری کردند، در بعضی از قرآن ها برای راهنمایی قاری، در چنین مواردی، «ا - و - ی» کوچکی اضافه کردند، مانند:

نَبِيَّيْنٍ - يَسْتَوُونَ - تَرَاءُ^۲ - بَأُو

در بعضی دیگر از قرآن ها با ایستاده نوشتن شکل حرکت فتحه و کسره «ا - و» و وارونه نوشتن شکل حرکت ضمه «ا»، لزوم تلفظ آنها را مشخص کردند؛ مانند:

نَبِيَّيْنٍ - يَسْتَوُونَ - تَرَا - بَأُو

۲ - مواردی که جز اصل کلمه نمی باشند

«واو» و «یاء» که بر اثر «اشباع هاء ضمیر» به وجود می آید.

نخست به معنای «اشباع و هاء ضمیر» توجه فرمایید.

«اشباع»، در لغت به معنای: «سیر کردن» است.

و در اصطلاح قرائت: «سیر کردن حرکت و تبدیل آن به حرفی از جنس همان حرکت

است». به قسمی که از فتحه، الف مدّی و از کسره، یاء مدّی و از ضمه، واو مدّی

تولید می گردد.

۱. در اصل «تَرَاءُ» بوده، همزه در نگارش اولیّه، شکل خاصی نداشت و این شکل «ا»، اواخر قرن دوم توسط خلیل بن احمد فراهیدی وارد الفبای عرب شد و در صورت حذف شکل همزه «ترا»، تکرار الف پیش می آید، برای جلوگیری از تکرار، یکی از الف ها را نمی نوشتند «ترا» بعد از اینکه این شکل «ا»، برای همزه وضع گردید، آن را قبل از الف موجود نوشتند «تراء» و برای راهنمای قاری، الف کوچکی بعد از راء مفتوح اضافه کردند «تَرَاءُ».

۲. در بعضی از قرآن ها «بَأُو» را بدین صورت «بَاءُو» نوشته اند، در این صورت نیازی به اضافه کردن واو دیگری نخواهد بود.

«هَاءِ ضَمِير»، عبارت است از: «ه، ه» که در آخر کلمه می‌آید و معنی «او - آن» می‌دهد، مانند: لَهُ «برای او»، فیه «در آن».

«هَاءِ ضَمِير در صورتی اشباع می‌گردد که حرف قبل و بعد از آن متحرک باشد»، بدین معنی که اگر حرکتِ هاء، کسره باشد «ه، و»، تبدیل به یای مدّی «هی» و در صورتی که حرکت هاء، ضمه باشد «ه، ه»، تبدیل به واو مدّی «هو» می‌شود؛ مانند:

بِه = بهی لَهُ = لهو مَالُهُ = مالهو

یادسپاری:

۱. در بعضی از قرآن‌ها برای راهنمای قاری، حرف واو و یاء تولید شده از اشباع را به صورت کوچک، بعد از هاءِ ضمیر، نوشته‌اند، مانند:

أَنَّهُ - يَرَهُ - عِبَادَهُ - عَبْدَهُ - فِي بَطْنِهِ - لِقَوْمِهِ - مِنْ دُونِهِ

۲. در بعضی از قرآن‌ها برای راهنمایی قاری در مواردی که هاءِ ضمیر اشباع می‌شود، شکل حرکت کسره آن را به صورت ایستاده (ـِ) و شکل حرکت ضمه آن را به صورت وارونه (ـُ) علامت‌گذاری نموده‌اند، مانند:

أَنَّهُ - يَرَهُ - لِقَوْمِهِ - مِنْ دُونِهِ

هَاءِ ضَمِير در سه مورد زیر، اشباع نمی‌گردد:

۱. قبل از هاءِ ضمیر، حرف ساکن باشد؛ مانند:

مِنْهُ - إِلَيْهِ - لَدُنْهُ - فَأَعْبُدْهُ - يَعْلَمُهُ - فَبَشِّرْهُ - يَدِيهِ - عَلَيْهِ

۲. قبل از هاءِ ضمیر، حروف مدّی باشد؛ مانند:

أَخُوهُ - فِيهِ - أَنْزَلْنَاهُ - خُذُوهُ - يَهْدِيهِ - هَذَا - نَصْرُوهُ

۳. بعد از هاءِ ضمیر، ساکن یا مشدّد باشد؛ مانند:

لَهُ الْحَمْدُ - نَصَرَهُ اللَّهُ - دُونِهِ الْبَاطِلُ - بِهِ الَّذِينَ - جَاءَهُ الْأَعْمَى

تمرین: سوره «عَبَسَ» را به صورت شمردہ بخوانید و موارد اشباع و عدم اشباع «هَاءِ» ضمیر» را مشخص فرمایید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّى (۱) اَنْ جَاءَهُ الْاَعْمَى (۲) وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّي (۳) اَوْ
يَذْكُرُ فَتَنْفَعُهُ الذِّكْرَى (۴) اَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى (۵) فَانْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)
وَمَا عَلَيْكَ اَلَّا يَزَكِّي (۷) وَاَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (۸) وَهُوَ يَخْشَى (۹) فَانْتَ
عَنْهُ تَلَهَّى (۱۰) كَلَّا اِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱) فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ (۱۲) فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ
(۱۳) مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴) بِاَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵) كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶) قَتَلَ الْاِنْسَانَ
مَا اكْفَرَهُ (۱۷) مِنْ اَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸) مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (۱۹) ثُمَّ
السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (۲۰) ثُمَّ اَمَاتَهُ فَاقْبَرَهُ (۲۱) ثُمَّ اِذَا شَاءَ اَنْشُرَهُ (۲۲) كَلَّا لَمَّا
يَقْضِ مَا اَمَرَهُ (۲۳) فَلْيَنْظُرِ الْاِنْسَانُ اِلَى طَعَامِهِ (۲۴) اَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا
(۲۵) ثُمَّ شَقَقْنَا الْاَرْضَ شَقًّا (۲۶) فَاَنْبَتْنَا فِيْهَا حَبًّا (۲۷) وَعَيْنًا وَقَضْبًا (۲۸)
وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹) وَحَدَّاثِقًا غُلْبًا (۳۰) وَفَاكِهَةً وَّابًّا (۳۱) مَتَاعًا لَّكُمْ
وَلَا نَعْلَمِكُمْ (۳۲) فَاِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳) يَوْمَ يَقْرَأُ الْمُرءُ مِنْ اَخِيهِ (۳۴)
وَاُمِّهِ وَاَبِيهِ (۳۵) وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶) لِكُلِّ اَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ
يُغْنِيهِ (۳۷) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸) ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹) وَوُجُوهٌ
يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ (۴۰) تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (۴۱) اُولَئِكَ هُمُ الْكُفَرَةُ الْفَجَرَةُ (۴۲)

پرسش و تمرین

۱. موارد اشباع و عدم اشباع هاءِ ضمیر را با ذکر مثال بنویسید.
۲. سوره «عادیات و قارعه و انشقاق» را به صورت شمرده قرائت نموده و مورد اشباع و عدم اشباع «هاءِ ضمیر» را مشخص فرمایید.

جهت مطالعه

چند نکته:

۱. به «اشباع هاءِ ضمیر»، «صِلَةُ هاءِ ضمیر» می‌گویند.
«صِله»، در لغت به معنای: «امتداد و کشش» است.
و در اصطلاح قرائت: «امتداد و کشش حرکت هاءِ ضمیر و وصل آن به حرف هم جنس همان حرکت است».
- از امتداد و کشش حرکت ضمه، واو مدّی به وجود می‌آید؛ مانند: عَبْدَهُ = عَبْدَهُو
و از امتداد و کشش حرکت کسره، یای مدّی به وجود می‌آید؛ مانند: عَبْدِهِ = عَبْدِهِی
«صِلَةُ هاءِ ضمیر» بر دو قسم است:
- الف - «صِلَةُ ضَغْرِي»: «بعد از هاءِ ضمیر، سبب مدّ (همزه) نیامده است»؛ مانند:
إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ.
- ب - «صِلَةُ كُبْرِي»: «بعد از هاءِ ضمیر، سبب مدّ (همزه) آمده است»؛ مانند:
مَالَهُ وَأَخْلَدَهُ - بِهِیَ أَرْوَاجًا. در چنین مواردی برای راهنمایی قاری قرآن، روی واو و یای مدّی بعد از هاءِ ضمیر، علامت مدّ قرار داده‌اند، مَالَهُ وَأَخْلَدَهُ - بِهِیَ أَرْوَاجًا.
۲. «هاءِ ضمیر»، همیشه متحرک است، ولی در دو کلمه «أَرْجُهُ، فَالْقَهُ» به صورت ساکن آمده است:
- ﴿قَالُوا أَرْجُهُ وَأَخَاهُ...﴾، (اعراف/۱۱۱ و شعراء/۳۶)؛ ﴿أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَالْقَهُ إِلَيْهِمْ...﴾، (نمل/۲۸).
۳. طبق قواعد ادبیات عرب، «هاءِ ضمیر» بعد از یای مدّی یا لینه، باید مکسور باشد ولی در دو کلمه «أَنْسَانِيَهُ، عَلِيَهُ» به صورت مضموم آمده است:

﴿وَمَا أَنْسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ..﴾ (الكهف/ ۶۳)؛ ﴿وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهُ..﴾ (فتح/ ۱۰).

۴. «هَاءِ ضَمِير» در عبارت ﴿يَرْضَاهُ لَكُمْ﴾، (زمر/ ۱۰)، اشباع نمی شود.

۵. «هَاءِ ضَمِير» در عبارت ﴿وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا﴾، (فرقان/ ۶۹)، اشباع می گردد.

۶. حرف هاء، در عبارت ﴿وَمَا نَفَقَهُ كَثِيرًا﴾ (هود/ ۹۱) ذاتی است و اشباع نمی شود.

۷. حرف هاء، در آخر کلمه «هَذِهِ» با وجود اینکه ذاتی است، اشباع می گردد.

الحمد لله با تمامی علامت ها و قواعد مربوط به کتابت و علامت گذاری «روخوانی» قرآن کریم آشنا شدید و تنها یک قاعده (رفع التقاء ساکنین) باقی مانده که در درس آینده با آن آشنا خواهید شد.

برای تسلط بر «روان خوانی قرآن کریم»، لازم است روزانه چند صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانیم؛ استفاده از نوار صوتی قاریان مشهور به ما کمک می کند تا اضافه بر مرور مطالب گذشته با تجوید عملی قرائت نیز آشنا شویم.

نحوه استفاده از نوار صوتی قراء را در درس چهارم متذکر شده ایم.

اگر مراحل یاد شده را با دقت اجرا کنید، اضافه بر تسلط بر روان خوانی با صوت و لحن عربی، زمینه حفظ سوره های یاد شده نیز در شما مهیا خواهد شد.

با توجه به اینکه علامت ها و قواعد روخوانی آموزش داده شده در این کتاب بر اساس رسم الخط ایرانی است، از همین رسم الخط برای تمرین استفاده کنید.

یادسپاری: در آخر همین کتاب (روخوانی) قسمتی را اختصاص داده ایم به «آشنایی با رسم الخط های مختلف»؛ با مطالعه آن می توانید هر قرآنی را با هر رسم الخطی بخوانید.

درس دوازدهم

«رفع التقاء ساکنین»

«التقاء ساکنین»: «کنار هم قرار گرفتن دو حرف ساکن است در هنگام تلفظ»؛ مانند:
قُلِ الْحَمْدُ - قَالَتْ امْرَأَةٌ.

«التقاء ساکنین» در کلمات عرب، جایز نیست و در صورتی که دو حرف ساکن در کنار هم قرار گیرند «برای رفع التقاء ساکنین، حرف ساکن اول را با کسره می‌خوانند»؛ مانند:
قُلِ الْحَمْدُ - قَالَتْ امْرَأَةٌ.

«نحوه خواندن تنوین نزد همزه وصل»

«هرگاه بعد از کلمه تنوین دار، کلمه‌ای با همزه وصل باشد»، در این صورت بین نون ساکن تنوین و حرف ساکن یا مشدّد بعد از همزه وصل «التقاء ساکنین» پیش خواهد آمد، در این صورت «برای رفع التقای ساکنین، نون تنوین در تلفظ با حرکت کسره خوانده می‌شود»؛ مانند:

لَهُوَ أَنْفَضُوا = لَهُونِ أَنْفَضُوا عَادُ الْمُرْسَلِينَ = عَادُنِ الْمُرْسَلِينَ

یادسپاری: در بعضی از قرآن‌ها برای راهنمایی قاری، نون مکسور کوچکی در زیر آن کلمه نوشته‌اند، مانند:

لَمْ تَعْظُونَ قَوْمًا ۖ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا
كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ
وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ۖ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ

و در بعضی از قرآن‌ها، در مواردی که وقف و وصل آیات جایز باشد، اضافه برنون مکسوره، حرکت همزه وصل را نیز آورده‌اند تا نشانگر حالت وقفی و وصلی باشد؛ مانند: مَثَلُ نُورٍ كَمِشْكُوَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۖ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۖ الزُّجَاجَةُ

تمرین ۱: کلمات زیر را با توجه به قاعده رفع التقای ساکنین بخوانید.

مَثَلًا الْقَوْمُ - اِفْكٌ افْتَرَاهُ - كَرَمًا اِشْتَدَّتْ - اَلَيْمًا الَّذِيْنَ - اَحَدٌ اللّٰهُ
بِغُلَامٍ اِسْمُهُ - اَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا - غَادًا الْاَوَّلَى - رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا
عُزَيْرًا بَنُ - سَوَاءٌ الْعَاكِفُ - زُجَاجَةُ الزُّجَاجَةِ - رَجُلٌ افْتَرَى - عَدْنِ الَّتِي
قَوْمًا اللّٰهُ - شَيْئًا اتَّخَذَهَا - يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ - جَزَاءُ الْحُسْنَى - غَادًا الْاَوَّلَى

تمرین ۲: آیات زیر را با توجه به قاعده رفع التقاء ساکنین به صورت شمرده بخوانید.

وَالْقَوَا إِلَى اللّٰهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ
اِنَّ هُوَ اِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ
وَاِنَّهُ وَاَهْلَكَ غَادًا الْاَوَّلَى وَثُمُودَ فَمَا اَبْقَى وَقَوْمَ نُوْحٍ مِنْ قَبْلُ
اَلْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمٰنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا
سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ
كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوْحٍ الْمُرْسَلِينَ اِذْ قَالَ لَهُمْ اٰخُوهُمْ نُوْحٌ اَلَا تَتَّقُونَ
وَ اِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا وَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ
جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمٰنُ عِبَادَهُوَ بِالْغَيْبِ اِنَّهٗ وَكَانَ وَعْدُهُ وَمَأْتِيًّا
وَ اِذَا رَاوُا تِجَارَةً اَوْ لَهْوًا اَنْفَضُّوْا اِلَيْهَا وَتَرَكُوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ
يَا زَكَرِيَّا اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اِسْمُهُ وَيْحٰى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا
وَ اَمَّا مَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ صٰلِحًا فَلَهُ جَزَآءُ الْحُسْنٰى وَ سَنَقُوْلُ لَهُ مِنْ اَمْرِنَا يُسْرًا

یادسپاری:

۱. در کلمه «مِنْ»، نون ساکن مفتوح می‌گردد؛ مانند: مِنَ الْقَوْلِ.
۲. در کلمات «هُمْ - كُمْ - تُمْ»، میم ساکن، مضموم می‌گردد؛ مانند:
هُمْ الْفَائِزُونَ - لَكُمْ الْوَيْلُ - أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ
۳. واو ساکن ما قبل مفتوح نیز در التقاء ساکنین، ضمه می‌گیرد؛ مانند:
أَتُوا الزَّكَاةَ - رَأُوا الْعَذَابَ - فَتَمَتُّوا الْمَوْتَ
۴. در کلمه «بِئْسَ الْأَسْمُ»، پس از حذف همزه وصل «أَل» و «أَسْم»، چون دو حرف ساکن «ل، س»، کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، «برای رفع التقاء ساکنین، حرف لام، با کسره خوانده می‌شود»؛ مانند: بِئْسَ الْأَسْمُ (بِئْسَ لِسْمُ).
- در کلیه موارد ۱ الی ۴، حرکت مربوطه در قرآن آورده شده است.
۵. در هنگام وصل حروف مقعظه، «الم»، به آیه دوم سوره مبارکه آل عمران، «الم، الله»، میم ساکن حرف «میم»، مفتوح خوانده می‌شود، به این صورت «الف - لام - میم الله».

* * *

الحمد لله با یاری و توفیق خداوند، با کلیه علامت‌ها و قواعد روخوانی قرآن کریم آشنا شدیم، برای اینکه بتوانیم قرآن را روان و بدون غلط بخوانیم، لازم است روزانه چند صفحه از قرآن کریم را به صورت شمرده و با دقت تمرین کنیم.

پرسش و تمرین

۱. التقاء ساکنین، چه موقعی پیش می‌آید و برای رفع آن، چه باید کرد؟
۲. آیات زیر را با توجه به قاعده رفع التقاء ساکنین به صورت شمرده بخوانید؟

وَالْتَفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ
إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ

كَذَّبَتْ غَادُ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ
وَهُى تَجْرَى بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ، وَكَانَ
فِي مَعَزٍ يَا بَنِيَّ أَرْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ
مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ إِذْ خُلُوها بِسَلَامٍ ذَلِكَ
يَوْمَ الْخُلُودِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ
وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ
ءَاخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا
وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ
مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ
ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ
كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ
وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ
وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ
ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

«وقف و ابتدا»

یکی از مسائل بسیار مهم در هرزبانی، انتخاب محل مناسب برای وقف و ابتدا است، چرا که اگر جای مناسبی برای وقف و ابتدا انتخاب نشود بعضی وقت‌ها باعث تغییر در معنای جمله خواهد شد.

«وقف»، در لغت به معنای: «بازداشتن و ایستادن است» و در اصطلاح قرائت: «قطع صوت بر آخر کلمه است (به اندازه نفس کشیدن عادی) به قصد ادامه قرائت».^۱
«ابتدا»، (ضد وقف) در لغت به معنای: «شروع و آغاز نمودن است» و در اصطلاح قرائت: «شروع مجدد قرائت بعد از وقف کردن است».

در رابطه با «وقف و ابتدا»، «دو مسأله» مطرح است:

۱. «انتخاب محل مناسب برای وقف و ابتدا».

۲. «نحوه وقف کردن بر آخر کلمات».

۱. انتخاب محل مناسب برای وقف و ابتدا

لازمه شناختن محل مناسب برای وقف و ابتدا، آشنایی با ادبیات و معانی کلمات عرب است و با توجه به اینکه بیشتر مسلمان‌ها عرب زبان نیستند، علمای قرائت، علامت‌هایی را انتخاب کردند تا راهنمای محل مناسب برای وقف و ابتدا باشد، نخستین شخصی که این علامت‌ها را انتخاب کرد «شیخ عبدالله سجاوندی» بود از این رو این علامت‌ها به «رموز سجاوندی» مشهور گردید.

۱. ابن الجزری، النشر، ج ۱، ص ۲۴۰؛ استرآبادی، رضی الدین، شرح شافیه ابن حاجب، ج ۲، ص ۲۹۳.

رموز سجاوندی

«انواع وقف نزد سجاوندی»^۱، شش نوع بوده که برای هریک از آنها، «رمزی» مشخص کرده که به «رموز سجاوندی» مشهور گردیده است و آنها عبارتند از:

«م» نشانه «وقف لازم»، به موجب این علامت، وقف لازم و حتمی است و در جاهایی قرار داده می شود که وصل به مابعد، معنی کلام را تغییر دهد.

«ط» نشانه «وقف مطلق»، به موجب این علامت، وقف بر عبارت و ابتدای به مابعد، بسیار نیکو است (چه قاری با کمبود نفس مواجه گردد یا ننگردد) و در جاهایی قرار داده می شود که محل وقف از نظر لفظ و معنی تمام و جمله بعدی نیز از نظر معنا کامل باشد.

«ج» نشانه «وقف جایز»، به موجب این علامت، وقف و وصل هر دو جایز است و در جاهایی قرار داده می شود که جهت وقف و وصل، هر دو موجود، ولی جهت وقف، قوی تر باشد.^۲

«ز» نشانه «وقف مجوّز» به موجب این علامت، وقف و وصل، هر دو جایز ولی وصل آن، بهتر است و در جاهایی قرار داده می شود که جهت وقف و وصل، هر دو موجود، ولی جهت وصل قوی تر است.

«ص» نشانه «وقف مُرَخَّص»، به موجب این علامت، وقف در صورت نبودن نفس جایز است و در جاهایی قرار داده می شود که کلام مابعد، از حیث معنی، مربوط به ماقبل باشد ولی چون آیه و یا داستان طولانی است و نمی توان آن را به یک نفس خواند، وقف اشکالی ندارد و بعد از وقف، اعاده هم لازم نیست چرا که جمله بعد، با وجود ارتباط به ماقبل، مفهوم است.

«لا» نشانه «وقف غیر جایز»، به موجب این علامت وقف جایز نیست، و وصل لازم و ضروری می باشد و در جاهایی قرار داده می شود که وقف بین دو عبارت، معنی

۱. محمد بن طیفور غزنوی سجاوندی (متوفای ۵۶۰ هـ) مُقَرِّی، مفسر و نحوی است، وی دارای کتاب هایی به نام های «وقوف القرآن» و «الایضاح فی الوقف والابتداء» است. (قواعد وقف و ابتداء در قرائت قرآن کریم، دکتر محمد کاظم شاکر، ص ۴۳).

۲. در قرآن های با رسم الخط عربی علامت «ج» به معنای مساوی بودن وقف و وصل است.

کلام را تغییر دهد و در صورت وقف، اعادهٔ ماقبل، با مراعات حُسن ابتدا، لازم و حتمی است مگر اینکه آخر آیات باشد.

بعد از سجاوندی، علمای قرائت، علامت‌های دیگری را برای محل‌های وقف و ابتدا اضافه کردند، کثرت علامت‌های وقف، باعث سردرگمی قاریان قرآن گردید، این امر باعث شد تا علمای مصر، در سال ۱۳۴۲ هـ. ق به منظور اتحاد و اتفاق «رموز وقف» در قرآن‌های کشور خود، علامت‌های ذیل را انتخاب و جایگزین رموز سجاوندی کنند:

«م» نشانهٔ «**وقف لازم**».

«لا» نشانهٔ «**وقف ممنوع**».

«صِلِی» نشانهٔ «**برتری وصل و جواز وقف**»؛ «**صِل (الوصل) اُولی**».

«قِلِی» نشانهٔ «**برتری وقف و جواز وصل**»؛ «**قِف (الوقف) اُولی**».

«ج» نشانهٔ «**جواز وقف**».

«ث» «ث» نشانهٔ «**جواز وقف بر یکی از دو موضع و بر هر دو نمی‌توان وقف کرد**».

به مورد اخیر «**وقف معانقه**» و یا «**وقف مراقبه**» می‌گویند، و در جاهایی قرار داده می‌شود که آن قسمت از کلام، به تنهایی مفید معنا نباشد و به کمک جملهٔ قبل و یا بعد از خود، مفید معنا خواهد شد. از این رو اگر بر جملهٔ قبل وقفی صورت پذیرد می‌بایستی با جملهٔ بعد متصل شود ولی اگر با جملهٔ قبل متصل شود در این صورت می‌توان بر آن وقف کرد.

۲. نحوهٔ وقف کردن بر آخر کلمات

در قرائت قرآن، «**وقف بر متحرک جایز نیست**» و در صورت متحرک بودن آخر کلمه، تغییراتی به وجود می‌آید که مهم‌ترین آنها، عبارتند از: «**وقف اسکان، ابدال و الحاق**».

نکته: اگر در آخر کلمه حرف ساکن (ـَ) و یا یکی از حروف مدّی (ـِ، ـُ، ـَو) قرار گیرد، در «**هنگام وقف، هیچ تغییری در آن داده نمی‌شود**» و به همان صورت، خوانده می‌شوند؛ مانند: قُمْ فَأَنْذِرْ - فَأَنْطَلِقَا - وَأَدْخُلِي جَنَّتِي - وَلَا تُسْرِفُوا

وقفِ اسکان

«اسکان»، یعنی: «ساکن کردن»، اگر حرف آخر کلمه، متحرک «ـِ» و یا دارای تنوین کسره یا ضمه «ـِ» باشد، در «هنگام وقف، ساکن می‌گردد»؛ مانند:

هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ = هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ؛ غَاقِبَةُ الْأُمُورِ = غَاقِبَةُ الْأُمُورِ

نَسْتَعِينُ = نَسْتَعِينُ ؛ حَظٌّ عَظِيمٌ = حَظٌّ عَظِيمٌ ؛ حُورٌ عِينٌ = حُورٌ عِينٌ

چند نکته:

۱. اگر حرف آخر کلمه، «مشدد باشد»، در «هنگام وقف، حرف آخر ساکن ولی تشدید آن باقی می‌ماند» و باید با شدت تلفظ گردد؛ مانند:

يَضَعْنَ حَمَلَهُنَّ = يَضَعْنَ حَمَلَهُنَّ ؛ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ = يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ

۲. اگر حرف آخر کلمه، «واو مفتوح و حرف قبل از آن مضموم» باشد، «هنگام وقف، ساکن می‌گردد»، و به صورت واو مدّی خوانده می‌شود؛ مانند: هُوَ = هُوَ

و همچنین اگر حرف آخر کلمه، «یای مفتوح و حرف قبل از آن مکسور» باشد، «هنگام وقف، ساکن می‌گردد»، و به صورت یای مدّی خوانده می‌شود؛ مانند: هِيَ = هِيَ

یادسپاری: در هنگام وقف بر کلماتی که حرف آخرشان واو مشدد ما قبل مضموم و یای مشدد ما قبل مکسور است «عَدُوٌّ، نَبِيٌّ» دقت شود که تشدید حرف آخر آورده شود «عَدُوٌّ، نَبِيٌّ» و به صورت واو و یای ساکن «عَدُوٌّ، نَبِيٌّ» خوانده نشوند.

وقفِ ابدال

«ابدال»، یعنی: «تبدیل کردن»، اگر حرف آخر کلمه ای تاء گرد «ة - ة» باشد در هنگام وقف، تبدیل به های ساکن «ه - ه» می‌گردد؛ مانند:

أَقِيمُوا الصَّلَاةَ = أَقِيمُوا الصَّلَاةَ ؛ فِي الْحَافِرَةِ = فِي الْحَافِرَةِ

وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ = وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ؛ دَكَّةً وَاحِدَةً = دَكَّةً وَاحِدَةً

نَخْلٍ خَاوِيَةٍ = نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ؛ عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ = عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ

و همچنین اگر حرف آخر کلمه، دارای تنوین فتحه «ـِ» باشد، در هنگام وقف، تنوین حذف شده و تبدیل به «الف مدّی» (صدای کشیده فتحه) می‌گردد؛ مانند:

أَعْنَابًا = أَعْنَابَا ؛ هُدًى = هُدًى ؛ عِشَاءً = عِشَاءَا

وقف الحاق

«الحاق»، یعنی: «اضافه کردن حرفی در آخر کلمه» برای حفظ حرکتِ حرفِ آخرِ کلمه و یا حفظ توازن در آخر آیات.

وقف الحاق در کتابت قرآن رعایت شده و شامل موارد زیر است.

الف: «الحاق هاءِ سکت» در هفت کلمه زیر:

إِقْتَدِهْ - لَمْ يَتَسَنَّهْ - كِتَابِيَهْ - حِسَابِيَهْ - مَالِيَهْ - سُلْطَانِيَهْ - مَا هِيَ

یادسپاری: هاءِ سکت در حالت وقف و وصل خوانده می‌شود.

ب: «الحاق الف» در کلمات: أَنَا، لَكِنَّا، الظُّنُونَا، الرَّسُولَا، السَّبِيلَا، سَلَا سَلَا، قَوَارِيرَا

یادسپاری: الف کلمات فوق، تنها در هنگام وقف خوانده می‌شود و در حالت وصلی ناخوانا هستند.

وقف به حرکت، وصل به سکون

«وقف صحیح» بر «دورکن» استوار است:

۱. قطع صدا و فاصله انداختن بین دو عبارت؛

۲. ساکن کردن حرف آخر کلمه‌ای که بر آن، وقف صورت می‌گیرد.

حال اگر قطع صوت، صورت بگیرد ولی حرف آخر کلمه ساکن نگردد، «وقف به حرکت» خواهد بود و صحیح نمی‌باشد.

و همچنین اگر حرف آخر کلمه، ساکن شود ولی قطع صوتی صورت نگیرد، «وصل به سکون» خواهد بود و این نیز صحیح نمی‌باشد.

رعایت این دو نکته در هنگام قرائت نماز، لازم است و فقهای بزرگوار در رساله‌های عملیه، بدان اشاره کرده‌اند.

تمرین: سورة «قیامت» را قرائت و برآخرایات، وقف و نحوه وقف را روشن سازید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَمَةِ ﴿۱﴾ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿۲﴾ اَیَحْسَبُ
الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ ﴿۳﴾ بَلَى قَادِرِینَ عَلَی أَنْ نُسَوِّیَ بَنَانَهُ ﴿۴﴾ بَلْ
یُرِیدُ الْإِنْسَانُ لِفَفْجَرَامَتِهِ ﴿۵﴾ یَسْأَلُ أَیَّانَ یَوْمِ الْقِیَمَةِ ﴿۶﴾ فَذَا بَرِقَ الْبَصَرُ
﴿۷﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿۸﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿۹﴾ یَقُولُ الْإِنْسَانُ یَوْمَئِذٍ
أَیْنَ الْمَفْرُوءُ ﴿۱۰﴾ کَلَّا لَا وَزَرَ ﴿۱۱﴾ اِلَی رَبِّکَ یَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿۱۲﴾ یُنَبِّئُ الْإِنْسَانُ
یَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَآخَرَ ﴿۱۳﴾ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَی نَفْسِهِ بَصِیرَةٌ ﴿۱۴﴾ وَلَوْ أَلْقَى
مَعَاذِیرَهُ ﴿۱۵﴾ لَا تُحَرِّکُ بِهِ لِسَانَکَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿۱۶﴾ إِنَّ عَلَیْنَا جَمْعَهُ
وَقُرْءَانَهُ ﴿۱۷﴾ فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْءَانَهُ ﴿۱۸﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنَا بَیَانَهُ ﴿۱۹﴾
کَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿۲۰﴾ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ﴿۲۱﴾ وَجُوهٌ یَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ ﴿۲۲﴾
إِلَی رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿۲۳﴾ وَجُوهٌ یَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ﴿۲۴﴾ تَظُنُّ أَنْ یَفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿۲۵﴾
کَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِیَ ﴿۲۶﴾ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿۲۷﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿۲۸﴾ وَالتَّفَّتِ
السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿۲۹﴾ اِلَی رَبِّکَ یَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿۳۰﴾ فَلَا صَدَقَ وَلَا صِلَی
﴿۳۱﴾ وَلَکِنْ کَذَبَ وَتَوَلَّى ﴿۳۲﴾ ثُمَّ ذَهَبَ اِلَی أَهْلِیهِ یَتَمَطَّى ﴿۳۳﴾ أَوَّلَى لَکَ
فَأَوَّلَى ﴿۳۴﴾ ثُمَّ أَوَّلَى لَکَ فَأَوَّلَى ﴿۳۵﴾ اَیَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ یُتْرَکَ سُدًى ﴿۳۶﴾
لَمْ یَکْ نُطْفَةً مِنْ مَنِّیِّ یُمْنٍ ﴿۳۷﴾ ثُمَّ کَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى ﴿۳۸﴾ فَعَعَلَ مِنْهُ
الزَّوْجِینَ الذَّکَرُ وَالْأُنثَى ﴿۳۹﴾ أَلِیْسَ ذَٰلِکَ بِقَادِرٍ عَلَی أَنْ یُحْیِیَ الْمَوْتَى ﴿۴۰﴾

▣ پرسش و تمرین

۱. وقف را تعریف و نحوه وقف کردن بر آخر کلمات را توضیح دهید.
۲. وقف به حرکت و وصل به سکون یعنی چه؟
۳. سوره «انشقاق» را قرائت و بر آخر آیات، وقف و نحوه وقف را روشن سازید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿١﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ
 ﴿٣﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا
 الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدًّا فَامْلَأْ قِيَهَ ﴿٦﴾ فَا مِمَّنْ أُوتِيَ
 كِتَابَهُ، يَمِينُهُ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾ وَيَنْقَلِبُ
 إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾ وَامِمَّنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ، وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ
 يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿١٢﴾ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾
 إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ﴿١٤﴾ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴿١٥﴾ فَلَا أُقْسِمُ
 بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾
 لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿١٩﴾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قُرِئَ
 عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ أَنْ لَا تَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ
 ﴿٢٢﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾
 إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

جهت مطالعه

انتخاب محل مناسب برای وقف و ابتدا

در رابطه با «محل مناسب برای وقف و ابتدا» علمای قرائت، بنابر تشخیص و برداشت خود از آیات، تقسیم بندی ها و نام گذاری خاصی را برای خویش انتخاب کرده اند که به فرموده صاحب جواهر رحمته الله علیه و ابن الجزری، هیچ یک از آنها نمی تواند برای قاری قرآن، حجت شرعی و لازم الاجرا باشد.^۱

صاحب جواهر رحمته الله علیه به نقل از پدر علامه مجلسی رحمته الله علیه می فرماید: «استحباب هیچ یک از تقسیم بندی هایی که علمای تجوید برای وقف و ابتدا انجام داده اند، نزد من ثابت نشده است، زیرا این عناوین و تقسیم بندی ها از اصطلاحاتی است که متأخرین انجام داده اند و در زمان امیرمؤمنان علیه السلام وجود نداشته است، مگر اینکه گفته شود که مقصود امام علیه السلام رعایت وقف برجایی است که معنا را نیکو می سازد.»^۲

استاد محمود خلیل الحصری که از اساتید معاصر و مشهور در قرائت قرآن کریم است و دارای تألیفاتی در علوم قرآنی است، می فرماید: «با همه بذل عنایت و توجه علمای قرائت در شناخت محل های مناسب برای وقف کردن و تأکیدهای فراوانی که در یادگیری و آموزش آن داشته اند، به طوری که بعضی از بزرگواران گفته اند: «کسی که محل های وقف را نشناسد، قرآن خواندن را نمی داند»، باین حال نه از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و نه از صحابه و فقهای اسلام، نام گذاری و تقسیم بندی و تعریف هریک از آنها به نحوی که از دیگر اقسامش، مشخص و تمیز داده شوند، چیزی نقل نشده است.»^۳

وقف بر آخر آیات و فصول اذان و اقامه

یکی از مستحبات قرائت قرآن (حمد و سوره)، و اذان و اقامه، وقف بر آخر آیات و بر آخر هریک از فصول (قسمت های) اذان و اقامه است. و این مسئله مورد اتفاق همه مراجع بزرگوار تقلید است.

۱. جواهر الکلام، فی شرح شرائع الاسلام/ ۹/ ۳۹۷؛ النشر فی القراءات العشر/ ۱/ ۲۳۱.

۲. همان.

۳. معالم الاهتداء، إلی معرفة الوقف والابتداء، ص ۳۲ و ۳۱.

وقف بر آخر آیات

صاحب عروه رحمته الله، پنجم از مستحبات قرائت را «**الْوَقْفُ عَلَى فَوَاصِلِ الْآيَاتِ**» قرار داده است.

آیت الله حکیم رحمته الله، در مستمسک العروة الوثقی که مستندات احکام را بیان می کند، دلیل استحباب را روایت ام سلمه می داند که «**پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هنگام قرائت قرآن، آیات را، جدا جدا می خواندند**».^۱

وابن الجزری از علمای مشهور قرن نهم علم قرائت، با استناد به روایت ام سلمه، «**وقف بر آخر آیات**» را «**سُنَّتِ نَبَوِی**» معرفی کرده و به نقل از بسیاری از علمای قرائت آورده است «**بهترین وقف، وقف بر رؤوس آیات (انتها آیه و ابتدای آیه بعد) است، هر چند از نظر معنایی تَعَلُّقٌ به مابعد داشته باشد**».^۲

و ابو عمرو دانی، از علمای قرن پنجم علم قرائت بعد از بیان وقف حَسَن، آورده است: «سزاوار است برای قاری قرآن بر رؤوس آیات وقف کند، برای اینکه فی نفسه جای وقف است، و سپس ادامه می دهد: «**جماعتی از بزرگان قرائت گذشته، وقف بر آخر آیات را مستحب می دانستند هر چند از نظر معنایی با آیات قبل تَعَلُّقٌ داشته باشد و به روایت ام سلمه، به عنوان یک «سُنَّتِ نَبَوِی» تمسک می کند**».^۳

اضافه بر مطالب ذکر شده، صاحب عروه رحمته الله، فتوا به «**کراهت قرائت سورة إخلاص به یک نَفَس**» داده است، و امام خمینی رحمته الله در حاشیه این مسئله می فرماید: «**بعید نیست که قرائت سورة حمد به یک نَفَس نیز مکروه باشد**».^۴

و این نیز می تواند مؤیدی بر «**پرهیز از عجله در قرائت قرآن و استحباب وقف بر آخر آیات**» باشد.

۱. حکیم سید محسن طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی ۶/ ۲۷۵. «كان النبي صلی الله علیه و آله يُقَطِّعُ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً» وسائل الشیعه ۴/ ۸۵۶، کتاب الصلاة، ۲۱ باب استحباب ترتیل القرآن و کراهة العجلة فيه.

۲. ابن الجزری، النشر ۱/ ۲۲۶. «الأفضل الوقوف على رؤوس الآيات وإن تعلقت بما بعدها».

۳. المکتفی فی الوقوف و الابتداء، ص ۱۱۰. «وقد كان جماعة من الأئمة السالفين و القراء الماضين، يستحبون القطع عليهنَّ وإن تعلقت بعضهنَّ ببعض».

۴. طباطبایی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، کتاب الصلاة، فی مستحبات القراءة، مسئله ۲: «یکره قراءة التوحيد بنفس واحد...».

وقف بر اواخر فصول اذان و اقامه

شیخ طوسی رحمته الله، «وقف بر اواخر فصول اذان و اقامه» را جزء «مستحبات اذان و اقامه» شمرده است. و تأکید می‌کند: «أَوَاخِرُ الْفُصُولِ مَوْقُوفَةٌ غَيْرُ مُعْرَبَةٍ».^۱ و همچنین شهید اول رحمته الله، «وقف بر اواخر فصول اذان و اقامه» را جزء مُستحبات شمرده است؛ و شهید ثانی رحمته الله در شرح آن آورده است «وَلَوْ أَعْرَبَهُمَا فَعَلْ مَكْرُوهًا وَ أَجْزَأَ».^۲ صاحب عروه رحمته الله، ششم از «مستحبات اذان و اقامه» را: «الْجُزْمُ فِي أَوَاخِرِ فُصُولِهَا» ذکر کرده است و فقها و مراجع تقلیدی که بر این کتاب حاشیه زده‌اند، همگی آن را به عنوان فتوای خود پذیرفته‌اند. و صاحب حدائق رحمته الله در این مسئله، ادعای اجماع کرده است.^۳

صاحب جواهر رحمته الله، دوم از «مستحبات اذان و اقامه» را وقف بر اواخر فصول اذان و اقامه بیان کرده است و علت آن را روایاتی نقل می‌کند که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام به تعبیر مختلف در وسائل الشیعه آمده است: «الْأَذَانُ جَزْمٌ...»، «التَّكْبِيرُ جَزْمٌ فِي الْأَذَانِ...»، «الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ مَجْزُومَانِ» و در حدیثی دیگر «مَوْقُوفَانِ»^۴ و سپس به نقل از کتاب «تذکره» آن را اجماعی می‌داند.^۵ و به استناد همین روایت است که شهید ثانی رحمته الله در شرح لمعه می‌فرماید: «حَتَّى لَوْ تَرَكَ الْوَقْفَ أَصْلًا، فَالْتَّسْكِينُ أَوَّلَى مِنَ الْإِعْرَابِ»^۶، یعنی اگر وقف نکند و فصول اذان و اقامه را پشت سر هم بخواند، در این صورت «وصل به سکون» سزاوارتر است از اینکه اعراب آخر کلمه را بیاورد.

۱. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامية ۹۵/۱.

۲. شهید ثانی، الفوائد الملیّة الشرح الرسالة الالفیه ۱/ ۱۴۳.

۳. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة ۴۰۸/۷.

۴. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه ۶۳۹/۴، کتاب الصلاة، ۱۵ باب استحباب جزم التکبیر فی الأذان والإقامة، احادیث ۲-۳-۴ و ۵.

۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام ۹۴/۹ «و ثانیها آن یقف علی اواخر الفصول».

۶. شهید ثانی، زین الدین، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ۵۸۲/۱.

درس چهاردهم

«تمایز حروف (۱)»

پیش گفتار

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾

همانا نماز، به عنوان فریضه‌ای واجب، در اوقات مختلف شبانه‌روز، بر مؤمنان قرار داده شده است. (نساء / ۱۰۳)

نماز یکی از واجبات ضروری دین اسلام است و بر هر زن و مرد مسلمانی که به سن تکلیف می‌رسند، واجب است در هر شبانه‌روز، هفده رکعت (در پنج وقت مُعین) نماز بگذارند.

اهمیت و جایگاه نماز در اسلام

در «اهمیت نماز» همین بس که پیامبر گرامی اسلام ﷺ آن را «پایه و اساس دین اسلام» قرار داده «إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ» و فرموده‌اند: «اولین عملی که (در روز قیامت) مورد محاسبه قرار می‌گیرد، نماز است، اگر (صحیح و) مورد قبول واقع شود، سایر اعمال نیز مورد قبول قرار می‌گیرد و اگر بازگردانده شود (و مورد قبول واقع نشود)، سایر اعمال نیز بازگردانده خواهد شد (و مورد قبول قرار نخواهد گرفت)».^۱

۱. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳ و ۲۲، حدیث ۱۰۱۳

شیوة قرائت قرآن کریم

یکی از اذکار واجب نماز «**قِرَاءَتِ حَمْد و سوره**» است و این قرائت باید به صورت «**ترتیل**» باشد ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾. (مزمّل / ۴)

گویاترین تفسیر از معنای «**ترتیل**» در فرمایش امیرمؤمنان حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام آمده است: «**الَّتَرْتِيلُ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَ بَيَانُ الْحُرُوفِ**».^۱ شهید ثانی رحمته الله در رابطه با آیه ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾^۲ می فرماید: اگر امر در این آیه را حمل بر وجوب کنیم، مراد از «**بَيَانُ الْحُرُوفِ**»، در فرمایش حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه که فرمود: «**الَّتَرْتِيلُ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَ بَيَانُ الْحُرُوفِ**»^۳، «**تلفظ حروف از مخارجشان است به طوری که از یکدیگر تمییز داده شوند و در دیگری داخل نگردند**» (یعنی با حرف دیگر مشتبه نشود)^۴ و....

صاحب حدائق رحمته الله می فرماید: بین اصحاب (فقهای شیعه) خلافی نیست در اینکه از «**واجبات قرائت، تلفظ حروف از مخارجی است که برای آنها قرار داده شده...**» پس هر چه از اصول لغت عرب است که حرف بدون آن تَحَقُّق نمی یابد واجب است و آنچه که چنین نیست... واجب نمی باشد بلکه از «**مُحَسِّنَات** قرائت» شمرده می شود.^۵

فقیه بزرگوار سید محمد کاظم طباطبائی یزدی رحمته الله، در احکام قرائت نماز، مسأله ۳۷ می فرماید: «**خلل وارد کردن به کلمات و حروف و یا تبدیل حرفی به حرف دیگر، حتی «ضاد» را به «ظاء» یا برعکس، باعث بطلان نماز می گردد؛ ... و همچنین خارج کردن حرفی از غیر مخرجش به طوری که از صدق آن حرف در عرف عرب خارج کند نیز باعث بطلان نماز می گردد**».^۶

۱. کاشانی، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۵؛ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۲۳، «اداء الحروف» نقل شده است.

۲. مزمّل: ۴.

۳. کاشانی، تفسیر صافی، المقدمة الحادی عشر؛ الوافی، ج ۸، ص ۶۹۹.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۸؛ بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة ج ۸، ص ۱۷۳.

۵. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۸، ص ۱۱۴.

۶. طباطبائی، محمد کاظم، العروة الوثقی، احکام قرائت نماز، مسئله ۳۷.

از مجموع فرمایشات فقهای بزرگوار ما، می‌توان چنین نتیجه گرفت: «تلفظ حروف از مخارج آنها به طوری که از یکدیگر تمیز داده شوند بر همه واجب است، اما رعایت صفات عارضی و مُحَسِّنَه که باعث فصیح و روان خوانی کلمات و آیات می‌گردد، نیکو و مستحب است».

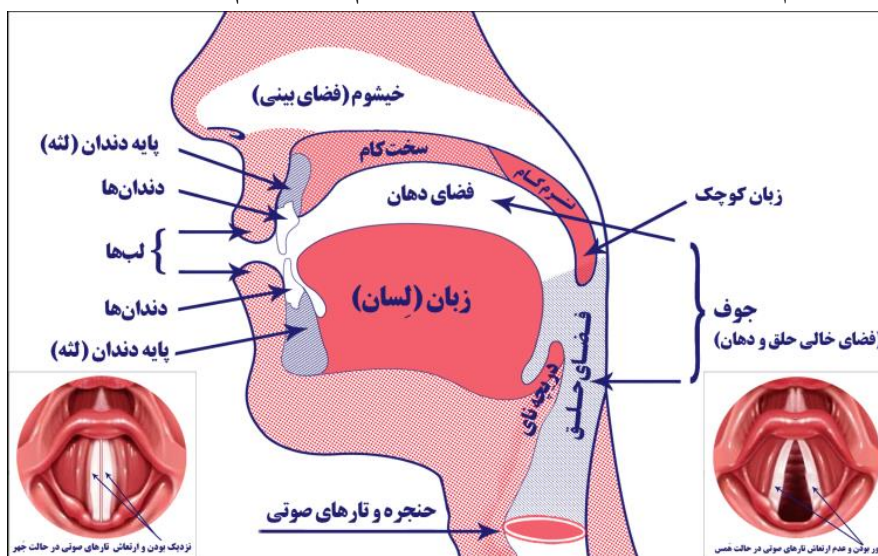
آشنایی با تلفظ صحیح حروف عربی

همانگونه که می‌دانید، بسیاری از حروف عربی به همان شکل فارسی تلفظ می‌شوند و نیازی به آموزش و تمرین ندارند، تنها ده حرف «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، و» است که در عربی تلفظ آنها با فارسی تفاوت دارند، جهت یادگیری بهتر، نخست آنها را با حروف مشابه فارسی، مقایسه نموده و سپس به تمرین روی کلمات قرآن و اذکار نماز می‌پردازیم.

یادسپاری: در بعضی از مناطق ایران این تعداد حروف کم‌تر و یا بیشتر می‌باشد.

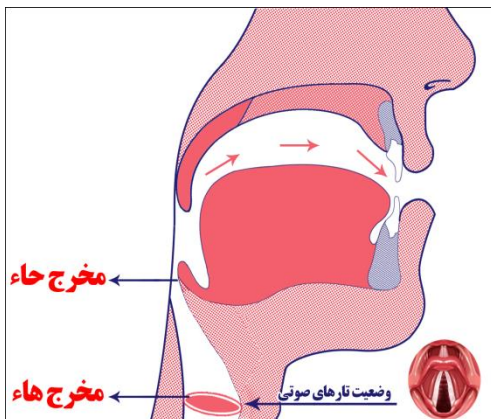
اعضای مهم دستگاه تکلم

یادگیری و رعایت تلفظ صحیح حروف، مبتنی بر شناخت مخارج آنها می‌باشد؛ از این رو لازم است نخست با اعضای دستگاه تکلم آشنا شویم.



تفاوت حرف «حاء» از «هَاء»

حرف «حاء»، در فارسی مانند حرف «هَاء» از انتهای حلق و از محل حنجره تلفظ می‌شود، اما در عربی، از «وسط حلق و با حالت گرفتگی» ادا می‌گردد.



هنگام تلفظ «حاء»، «دریچه نای کمی به عقب کشیده شده و فضای حلق را تنگ می‌سازد و بدون ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف به صورت نازک و کم حجم با حالت گرفتگی به دیواره‌های حلق کشیده می‌شود»؛

مانند:

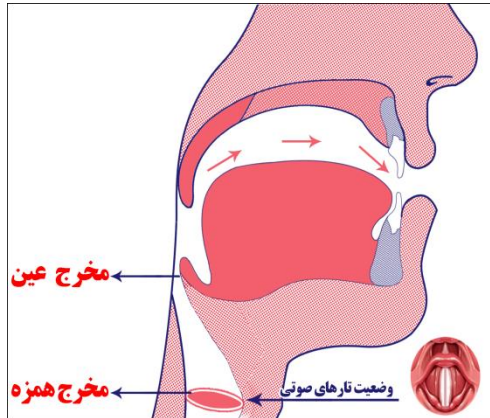
«أَهْوَى، أَحْوَى» - «أَهْلٌ، أَجَلٌ»

تمرین حرف «حاء»

الرَّحْمَنُ - رَحْمَةً - فَسَبِّحْ - فَلَاحُ - أَلْحَمْدُ - سُبْحَانَ
حَسَنَةً - مُحَمَّدًا - الرَّحِيمِ - أَحَدٌ - نُسَبِّحُ - بِحَمْدِكَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ
رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ - سُبْحَانَ اللَّهِ - أَلْحَمْدُ لِلَّهِ
نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ - أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

تفاوت حرف «عین» از «همزه (ء)»

حرف «عین»، در فارسی مانند حرف «همزه (ء)» از انتهای حلق و از محل حنجره تلفظ می‌شود، اما در عربی، از «وسط حلق» ادا می‌گردد.

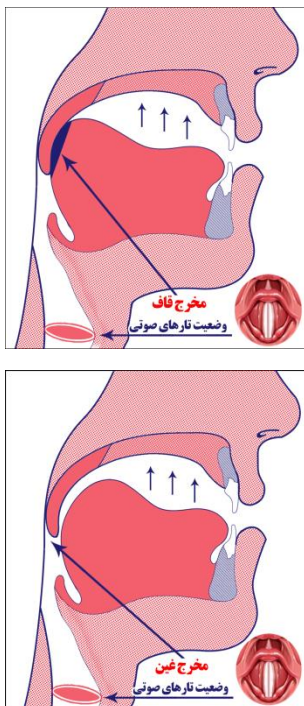


هنگام تلفظ «عین»، «دریچه نای» به آرامی عقب کشیده شده و فضای حلق را تنگ می‌سازد و با ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف کمی نرم به صورت نازک و کم حجم به دیواره‌های حلق کشیده می‌شود؛ مانند:

«مَأْمُور، مَعْمُور» - «أَمَل، عَمَل»

تمرین حرف «عین»

نَعْبُدُ . أَعْلَى . لَأَعْبُدُ . مَا تَعْبُدُونَ . عَلِيًّا . عَلِي
عَالَمِينَ . عِبَادُ . نَسْتَعِينُ . أَقْعُدُ . عَلَيْهِمُ . عَبْدُهُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ . حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ . لَأَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ
أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا حُجَّةُ اللَّهِ . سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ



تفاوت حروف «غین» و «قاف»

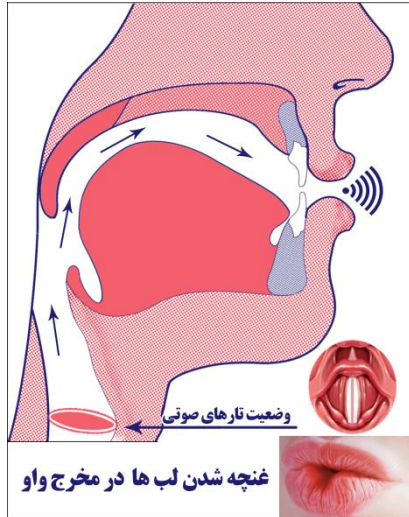
حرف «غین»، در فارسی مانند حرف «قاف» از اتصال ریشهٔ زبان با ابتدای زبان کوچک تلفظ می‌شود، اما در عربی، حرف «غین» از «ابتدای حلق»، (مرز میان حلق و دهان) ادا می‌گردد؛ هنگام تلفظ «غین»، «ریشهٔ زبان بالا رفته و به زبان کوچک نزدیک و با ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف به نرمی به ابتدای دیواره‌های حلق کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم تولید می‌گردد»؛ مانند:

«أَقْنِي، أَغْنِي» - «قَلِّ، غَلِّ»

تمرین حرف «غین»

أَسْتَغْفِرُ - إِغْفِرْ - لَا يُغْنِي - أَغْنِي - فَاعْفِرْ
لَا تُزِغْ - وَاسْتَغْفِرْهُ - فَارْغَبْ - غَاسِقٍ - مُغِيرَاتِ
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ - اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي
لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ - مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ
رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا - رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ - إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ

تفاوت واو عربی با فارسی



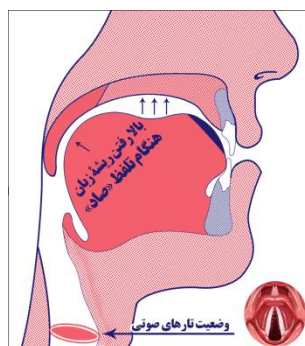
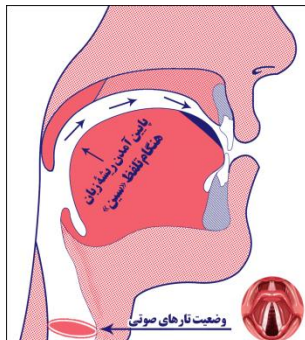
حروف «واو»، در فارسی از تماس دندان‌های بالا با لب پایین تلفظ می‌شود، اما در عربی بدون دخالت دندان‌ها، «لب‌ها به صورت گرد» (مانند شکوفه، شبیه حالت صدای «او») در می‌آید و صدای حرف همراه با ارتعاش تارهای صوتی از میان لب‌ها به صورت نازک و کم حجم خارج می‌شود؛ مانند:

«أَوَّل، أَوَّاب، قَوَّيَّ»

تمرین حرف «واو»

يَوْمٍ - بِحَوْلٍ - وَقُوَّتِهِ - هُوَ - وَلَمْ يَكُنْ - يُوسُوسُ
كُفُّوا - وَحْدَهُ - وَلِيُّ اللَّهِ - وَالْحَمْدُ - وَالِدَيَّ - تَوَّابِينَ
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ - أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَكُفُّوا أَحَدٌ
بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُوا وَقَعُدُوا - وَحْدَهُ وَلَا شَرِيكَ لَهُ
سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

تفاوت حرف «صاد» از «سین»



هنگام تلفظ دو حرف «صاد» و «سین»، بخش جلویی سطح زبان به سطح صاف پشت لثه ثنایای بالا نزدیک شده و با سایش هوا از این شکاف و مجرای باریک و بدون ارتعاش تارهای صوتی تولید می‌شوند، با این تفاوت که در عربی، هنگام تلفظ «صاد»، «انتها و ریشهٔ زبان نیز بالا آمده و صدای حرف به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پر حجم ادا می‌گردد». مانند:

«نَسَبًا، نَصَبًا» - «عَسَى، عَصَى»

تمرین حرف «صاد»

أَصْحَابِ . وَالْعَصْرِ . صَمَدُ . الصَّلَاةِ . الصَّالِحَاتِ . أَصَابَ
تَوَاصَوْا . بِالصَّبْرِ . صَلِّ . حُصِّلَ . فِي الصُّدُورِ . نَصُوحًا
الْمُتَرَكِّفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ . وَالْعَصْرِ
اللَّهُ الصَّمَدُ . حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ . قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ . وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ

«تمایز حروف (۲)»

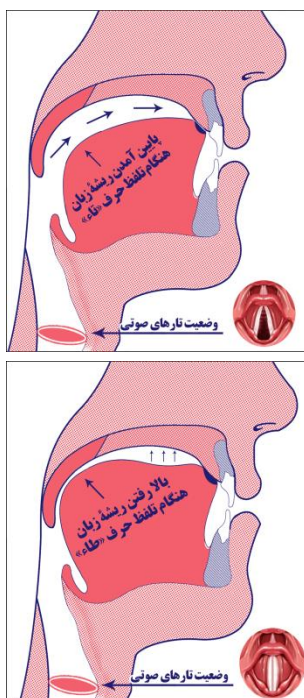
تفاوت حرف «طاء» از «تاء»

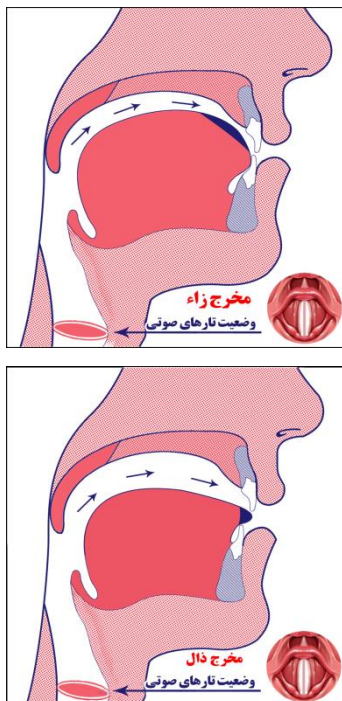
دو حرف «طاء» و «تاء» از اتصال بخش جلویی سطح زبان با ابتدای برآمدگی کام بالا و لثه دندان‌های ثنیا و جدا شدن از آن، به صورت انفجاری تولید می‌شوند، با این تفاوت که در عربی، هنگام تلفظ «طاء»، «انتها و ریشه زبان نیز بالا آمده و صدای حرف با ارتعاش تارهای صوتی به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم تولید می‌گردد». مانند:

«تین، طین» - «تاب، طاب»

تمرین حرف «طاء»

مَطْلَعٌ - يُطْعَمُونَ - الطَّعَامَ - حَطَبٌ - عَطَاءٌ - وَالطَّارِقُ
 أَطَاعَ - مَنْ يُطِيعُ - أَطِيعُوا - صِرَاطٌ - الْمُعْطِينَ - تَطْلُعُ
 سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ - وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ
 وَأَمْرًا تُهْوَ حِمَالَةَ الْحَطَبِ - جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا
 أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ - مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ
 إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ





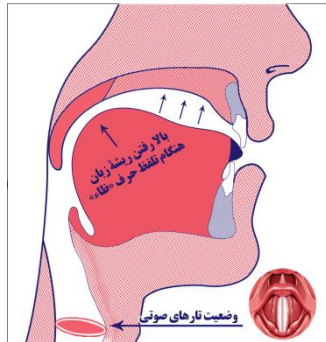
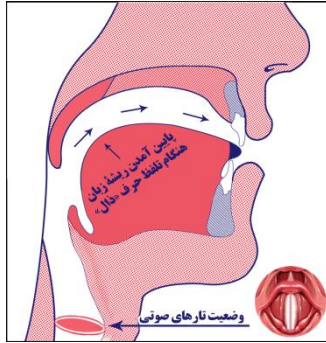
تفاوت حرف «ذال» از «زاء»

حرف «ذال»، در فارسی مانند حرف «زاء» از برخورد بخش مجاور نوک زبان به پشت لثه دندان‌های پایین تلفظ می‌شود، ولی در عربی حرف «ذال»، از «تماس سرزبان با سردندان‌های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها همراه با ارتعاش تارهای صوتی و با حالت سایشی، صدای حرف به طرف پایین کشیده شده و به صورت نازک و کم حجم تولید می‌گردد». مانند:

«زَرْعًا، ذَرْعًا» - «زَلَّ، ذَلَّ»

تمرین حرف «ذال»

أَذْهَبَ . أَذْكُرُوا . يُذْهِبُنَ . ذَكَرَ . ذَلِكَ . ذَاكِرِينَ . عَذَابَ
ذِكْرِي . الَّذِينَ . أَعُوذُ . يُكَذِّبُ . أَذِّنَ . مُؤَذِّنٌ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ . أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ . أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِاللَّيْنِ



تفاوت حرف «ظاء» از «زاء»

حرف «ظاء»، در فارسی مانند حرف «زاء» تلفظ می‌شود ولی در عربی همانند حرف «ذال» تلفظ می‌گردد با این تفاوت که در هنگام تلفظ «ظاء»، انتها و ریشهٔ زبان نیز بالا آمده و صدای حرف به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم تولید می‌گردد». مانند:

«مَحْذُورًا، مَحْظُورًا» - «زَلَّ، ذَلَّ، ظَلَّ»

تمرین حرف «ظاء»

يُظْلِمُ. ظَلَمْتُ. لَا تُظْلِمُونَ. ظَهَرَكَ. ظَالِمِينَ. نَاطِرَةٌ
عَظِيمٌ. لَحَافِظِينَ. حَفِظْتُهُمَا. مِنَ الظَّالِمِينَ. حَافِظُونَ. حَظٌّ
وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا. سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
لَا تُظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ. سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ
وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ. وَلَا يُؤْودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

تلفظ «ضاد» صحیح نزد فقهای شیعه

شهید اول (متوفای ۷۸۶ هـ) در «الْفَيْه»، ص ۵۸: «تلفظ حرف از مخرج آن که به صورت متواتر نقل شده، واجب می‌داند» و می‌فرماید: «اگر «ضاد» از مخرج «ظاء» و یا به صورت «لام درشت» تلفظ شود، نماز باطل است».

صاحب مفتاح الکرامه (متوفای ۱۲۲۶ هـ) در «قواعد التجوید»، ص ۵۱ و صاحب جواهر (متوفای ۱۲۶۶ هـ) در «جواهر»، ۹، ۳۹۹، «ضاد صحیح را ضاد حجازی» می‌دانند که از: «بین کناره زبان و دندان‌های آسیا تلفظ می‌شود» و تلفظ «ضاد مصری» که شبیه «دال درشت» است را «صحیح نمی‌دانند و باعث بطلان نماز می‌شود»؛ و برای صحت گفتار خود، چند دلیل آورده‌اند از جمله: «ضاد» اصعب الحروف است درحالی که «دال درشت» سختی ندارد.

تلفظ «ضاد» صحیح نزد علمای تجوید

علم مخارج حروف، مانند علم نحو، استقرائی و برگرفته از تلفظ عرب صدر اسلام (قبل از اختلاط با اقوام غیرعرب) می‌باشد و همه تصریح کرده‌اند:

«الضَّادُّ مِنْ بَيْنِ أَوَّلِ حَافَةِ اللِّسَانِ وَمَا يَلِيهِ مِنَ الْأَضْرَاسِ»^۱

«حرف ضاد: از بین ابتدای کناره زبان، و آنچه نزدیک آن است از دندان‌های آسیا». و همچنین همه گفته‌اند: حرف «ضاد» را، «أَصْعَبُ الْحُرُوفِ»، دشوارترین حرف و تلفظ آن مشکل می‌دانند. و کم هستند افرادی که آن را نیکو تلفظ کنند، و تلفظ آن به صورت «دال درشت صحیح نمی‌باشد» و آن را تلفظ افرادی می‌دانند که اصالتاً عرب نمی‌باشند (و بر اثر غلبه قوم عرب بر آنها، عرب زبان شدند).

۱. مکی بن ابی طالب (متوفای ۴۳۷ هـ)، الرعاية في تجويد القراءة؛ ابو عمرو دانی (متوفای ۴۴۴ هـ)، التحديد في الانتقال والتجويد؛ عبد الوهاب القرطبي (متوفای ۴۶۱ هـ)، الموضح في التجويد؛ ابن الجزري (متوفای ۸۳۳ هـ)، النشر في القراءات العشر؛ محمود خليل الحصري (متوفای ۱۴۰۱ هـ) احكام قراءة القرآن الكريم و...

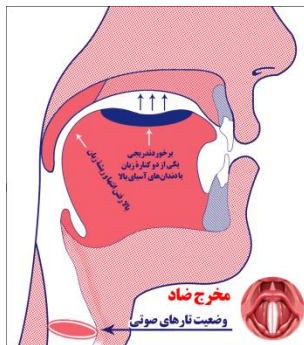
تفاوت حرف «ضاد» از «زاء»

حرف «ضاد»، در فارسی مانند حرف «زاء» تلفظ می‌شود ولی در عربی: «از بالا آمدن انتها و ریشهٔ زبان و برخورد تدریجی یکی از دو کنارهٔ زبان (به استثنای سرزبان) با دندان‌های آسیای بالای همان طرف و کشیده شدن صدای حرف از میان آنها به طرف کام بالا به صورت درشت و پرحجم ادا می‌گردد». مانند:



«عزین، عِزین»

یادسپاری: «حرف ضاد»، دارای «صفت رخوت و استطاله» است؛ یعنی اضافه برسایشی بودن، صدای حرف باید در مخرج آن جریان داشته باشد؛ از این رو در تلفظ «ضاد مشدد» باید دقت نمود تا «صدای حرف قطع نگردد».



تمرین حرف «ضاد»

فَضْلًا - رِضْوَانًا - وَضَعْنَا - وَلَا الضَّالِّينَ - الضَّعِيفُ - مَعْضُوبٌ
 رَضِيَ - رَضِيْتُ - مَرْضِيَّةٌ - رَاضِيَةٌ - بَعْضُكُمْ - رَضُوا - يَحْضُ
 يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا - اِرْحَمْ عَبْدَكَ الضَّعِيفُ
 غَيْرِ الْمَعْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ
 وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ - وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ
 اَرْجِعْ إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً - رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا

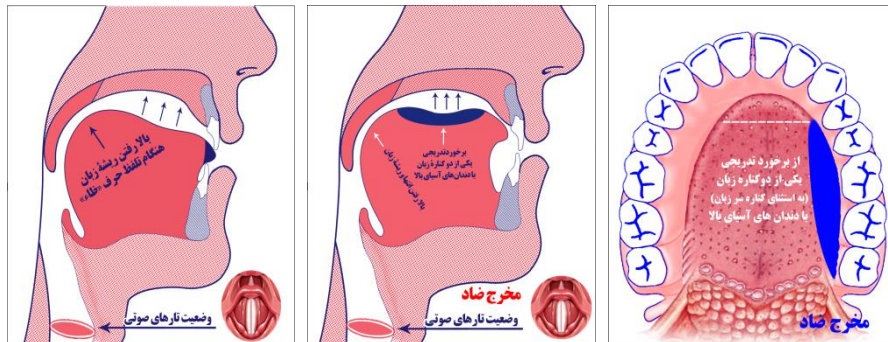
تفاوت حرف «ضاد» از «ظاء»

با توجه به شباهت دو حرف «ضاد» و «ظاء» در تلفظ، و فتوای مراجع بزرگوار تقلید که «اگر «ضاد»، به صورت «ظاء»، یا برعکس تلفظ گردد، نماز باطل است»^۱، باید دقت نمود تا هر حرف از مخرج خود ادا شود و از یکدیگر تمیز داده شوند.

«حرف ظاء»، «از برخورد سرزبان با سردندان‌های ثنایای بالا تولید می‌شود» ولی «حرف ضاد»، «از برخورد تدریجی یکی از دو کناره زبان با دندان‌های آسیای همان طرف و کشیده شدن صدای حرف از میان آنها تولید می‌گردد» و سرزبان در تولید آن نقشی ندارد.

تمرین حرف «ضاد» و «ظاء»

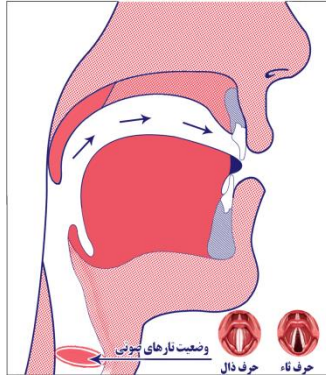
هنگام تمرین دقت شود: هر حرف از مخرج خود ادا و از یکدیگر تمیز داده شوند.



«ضَلَّ - ظَلَّ» - «نَضَرَّة - نَظَرَّة» - أَنْقَضَ ظَهْرَكَ
 ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ - مُغَاضِبًا فَظْنَ - ظَلَمْتُ مَا فِي الْأَرْضِ
 يَعْضُ الظَّالِمُ - بَعْضَ الظَّالِمِينَ - لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى
 فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ - وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ

۱. طباطبایی، محمدکاظم، عروة الوثقی، کتاب الصلاة، فصل فی القراءة، مسأله ۳۲ و ۳۷.

تفاوت حرف «ثاء» از «سین»



حرف «ثاء»، در فارسی مانند حرف «سین» تلفظ می‌شود ولی در عربی مانند حرف ذال «از تماس سر زبان با سردندان‌های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها و با حالت سایشی، صدای حرف به طرف کام پایین کشیده شده و به صورت نازک و کم حجم تولید می‌گردد»، با این تفاوت که در تلفظ حرف «ثاء» برخلاف حرف ذال، «تارهای صوتی مرتعش نمی‌شود». مانند:

«إِسْمَر، إِثْمَر» - «بَسَس، بَثَث»

تمرین حرف «ثاء»

مَثْنَى. مِثْقَال. اَثْقَالُهَا. كَثُورَ. ثَقُلْتُ. ثَلَاثَةَ. ثَالِثُ
ثِيَابِكَ. بُعِثَ. كَثِيرًا. اَلتَّكَاثُرُ. اَلثَّاقِبُ. ثَلَاثُ. مُدَّثِرُ
إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ. إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ
فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ. وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا
ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ. وَثِيَابَكَ فَطَهَّرَ. إِذَا بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ
أَلْهَكُمُ التَّكَاثُرُ. اَلنَّجْمُ اَلثَّاقِبُ. مَثْنَى وَثُلَاثَ

آشنایی با رسم الخط‌های مختلف

قرآن کریم به صورت شنیداری توسط جبرئیل امین علیه السلام بر قلب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نازل گردیده است «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ»^۱؛ و آن حضرت، آیات و سوره‌های نازل شده را بر مسلمانان قرائت می‌فرمودند و از آنها می‌خواست تا آنها را در سینه‌های خود حفظ کنند و به فرمان خداوند هر روز در نمازهایشان بخوانند «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۲ و برای مصون بودن قرآن از تحریف، از نویسندگان وحی می‌خواستند تا قرآن را به صورت مکتوب نیز بنویسند تا این کتاب آسمانی به دو صورت شنیداری (حفظ و سینه به سینه) و نوشتاری (مکتوب) نسل به نسل تا روز قیامت محفوظ بماند.

ویژگی‌های خط قرآن از صدر اسلام تا کنون

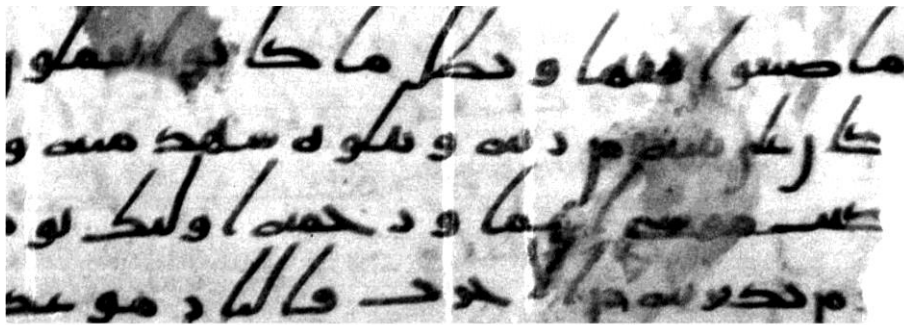
در زمان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به محیط خاص جاهلیت جزیره العرب کتابت عرب، مراحل اولیه خود را می‌گذرانید و بسیار ساده و ابتدایی و فاقد علامت و نشانه‌هایی بود که امروزه برای نشان دادن حرکات، سکون، تشدید، مدّ و تنوین و یا تشخیص حروف متشابه از آنها استفاده می‌شود. زمانی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به رسالت برگزیده شد، کاتبان وحی، قرآن را بر اساس همان رسم الخط رایج آن روز می‌نوشتند و با توجه به بیان شیوای قرآن که برای آنها بسیار دلنشین بود و نزول تدریجی آن و اینکه تلفظ صحیح آیات را از زبان

۱. شعراء: ۱۹۴؛ «روح الامین آن را نازل کرده است بر قلب تو، تا از بیم دهندگان باشی».

۲. مؤمل: ۲۰؛ «پس آنچه برای شما ممکن و آسان است از قرآن بخوانید».

پیامبر اکرم ﷺ می شنیدند، در قرائت قرآن، کمتر دچار لغزش می شدند و چنانچه در تلفظ صحیح کلمه ای شک می نمودند از پیامبر ﷺ می پرسیدند. برای نمونه: تصویری از قرآن نوشته شده با خط آن روز و معادل آن از قرآن های موجود را ملاحظه بفرمایید.

نمونه قرآن صدر اسلام و معادل آن



مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ فَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ (سوره هود)

پس از آنکه اسلام گسترش چشمگیریافت و بسیاری از اقوام غیر عرب نیز به اسلام گرویدند، به علت عدم آشنایی با زبان عربی، نمی توانستند قرآن را صحیح بخوانند. این امر حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را برآن داشت تا برای حفظ و نگهداری قرآن کریم، قواعدی را پایه ریزی نماید و آنها را به شاگرد خود ابوالاسود دوئلی آموزش دهد؛ آنگاه ابوالاسود تصمیم می گیرد برای صحت قرائت عموم مردم، قرآن را علامت گذاری کند.^۱

۱. می گویند: ابوالاسود دوئلی در مسیر راه خود، به عربی برخورد می کند که این آیه قرآن را ﴿أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ را به کسر لام رسول (رسوله) می خواند؛ این کار براو گران آمد و گفت: خداوند گرامی تر از آن است که از پیامبرش صلی الله علیه و آله بیزار باشد و این امر باعث شد تا به اعراب گذاری قرآن بپردازد. (صدر، سید حسن، تأسیس الشیعه لعلم الاسلام، ص ۵۱)

اولین مشکل در صحیح خوانی قرآن کریم، تشخیص اعراب و حرکات کلمات بود، ابوالاسود برای رفع این مشکل از نقطه‌های قرمز رنگ استفاده کرد. برای نشان دادن حرکت «فتحه» از «نقطه قرمز بالای حرف»، و حرکت «کسره» از «نقطه قرمز زیر حرف» و حرکت «ضمه» از «نقطه قرمز جلو حرف» و برای تنوین از تکرار شکل فتحه و کسره و ضمه استفاده کرد.

نمونه قرآن با نقطه گذاری اعراب^۱



با علامت گذاری ابوالاسود مشکل صحیح خوانی از نظر اعراب تا اندازه‌ای برطرف شد ولی مشکل تشخیص حروف متشابه همچنان باقی بود.

برای رفع این مشکل دو تن از شاگردان ابوالاسود به نام‌های نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر با استفاده از تجربه استاد خود (ابوالاسود) حروف را نقطه گذاری می‌کنند تا حروف متشابه از یکدیگر تمییز داده شوند و برای اینکه نقطه اعراب با نقطه حروف (اعجام) اشتباه نشود، نقطه‌های حروف را هم‌رنگ حرف (مشکی) و نقطه اعراب را

۱. «اعراب» به معنای: «آشکار و روشن ساختن» است و چون با این نقطه گذاری، تلفظ صحیح آن کلمه روشن می‌شود، به آن «نقطه اعراب» می‌گویند.

با همان رنگ قرمز می‌نوشتند.

برای نمونه: جیم مفتوح «جـ»، خاء مکسور «خـ»

نمونه قرآن با نقطه‌گذاری اعراب و اعجام^۱



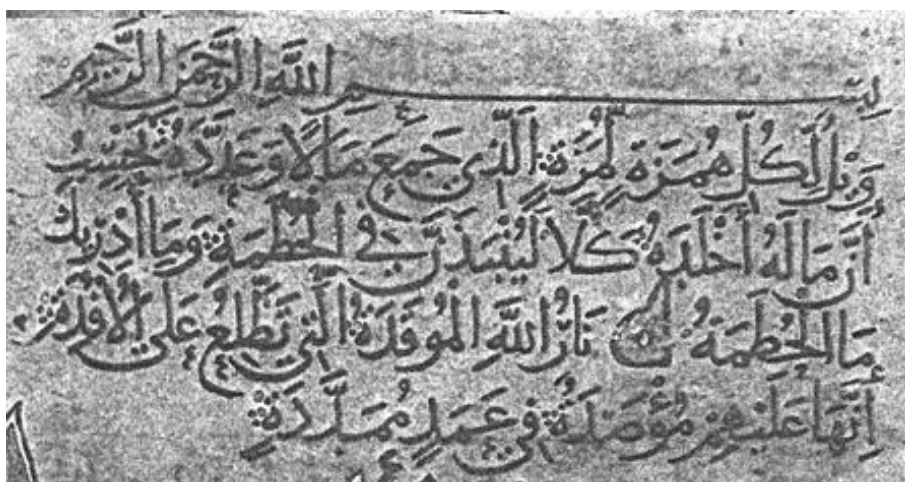
پس از مدتی (اضافه بر نقطه‌گذاری اعراب و اعجام) از نقطه‌های زرد یا لاجوردی برای تشخیص همزه، یا الف، واو و یایی که به صورت همزه خوانده می‌شدند و از نقطه سبز برای تمیز دادن همزه وصل در ابتدای کلمات استفاده گردید. و برای استفاده قانونمند از نقطه‌ها، «عِلْمُ النَّقَط» تأسیس گردید.

به کارگیری و تشخیص نقطه‌ها با رنگ‌های مختلف، دشواری‌هایی را برای عموم به وجود می‌آورد، برای رفع این مشکل، خلیل بن احمد فراهیدی (متوفای ۱۷۰ هـ) از شکل حروف برای تشخیص اعراب و همزه استفاده کرد و «عِلْمُ النَّقَط» به «عِلْمُ الشَّكْلِ» تغییر نام یافت و امروزه با عنوان «ضبط القرآن» از آن یاد می‌شود.

۱. «أعجم الحرف» یعنی: «با نقطه‌گذاری از ابهام خارج کرد» حروف متشابه با نقطه‌گذاری از یکدیگر تمیز داده می‌شوند، از این رو به این نقطه‌ها، «نقطه‌گذاری» می‌گویند.

نمونه قرآن با اصلاحات خلیل بن احمد فراهیدی

سوره همزه از قرآن با خط ابوالحسن علی بن هلال مشهور به ابن بَوَّاب که در سال ۳۹۱ هجری نوشته شده است، این خط قدیمی ترین قرآنی است که با رسم الخط قرآن های موجود در زمان ما، بسیار نزدیک و هماهنگ می باشد.



سپس علمای هر منطقه با توجه به فرهنگ منطقه خود، اصلاحات تکمیلی را انجام دادند و این امر منجر به وجود آمدن رسم الخط های مختلف (عربی، ایرانی، ترکی و شبه قاره هند) گردید.

با توجه به دسترس بودن این قرآن ها، به معرفی اجمالی رسم الخط های مذکور می پردازیم تا علاقمندان بتوانند هر قرآنی با هر رسم الخطی را به صورت روان و صحیح بخوانند.

اصول کتابت و علامت گذاری (روخوانی) قرآن کریم در این کتاب براساس رسم الخط ایرانی نوشته شده است (و در کنار آن به معرفی رسم الخط عربی نیز اشاراتی داشته ایم) از این رو با توجه سرفصل های این بخش به معرفی رسم الخط های دیگری می پردازیم.

رسم الخط ترکی

شیوه کتابت و علامت گذاری رسم الخط ترکی، همانند رسم الخط ایرانی است، تنها تفاوت در شکل الف مدی است که به صورت الف ماقبل مفتوح «ا» نوشته شده است و شکل سکون که به شکل دایره توخالی «ـ» آمده است. نمونه ای از رسم الخط ترکی، به قلم حافظ محمدامین الرّشدی که در سال ۱۲۳۶ نوشته شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِٖ لَخَسِرٌ ﴿٢﴾ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَيٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِلٰذِيْ جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدُوْهُ ﴿١﴾ يَحْسَبُ اَنْ مَّالَهُ اَخْلَدُوْهُ ﴿٢﴾ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٣﴾
وَمَا اَدْرٰىكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٤﴾ نَارُ اللَّهِ الّٰتِيْةُ الْمُوقَدَةُ ﴿٥﴾ الّٰتِيْ تَطْلَعُ
عَلٰٓى اَفْئَدَةٍ ﴿٦﴾ اِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوْصَدَةٌ ﴿٧﴾ فِيْ عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ﴿٨﴾

رسم الخط شبه قاره هند

شیوه کتابت و علامت گذاری رسم الخط شبه قاره هند نیز همانند رسم الخط ایرانی است تنها تفاوت در اشکال حروف مدی است. در این رسم الخط، الف مدی خوانا و ناخوانا از نظر شکلی تفاوتی نمی کند، ولی بین یاء و واو مدی خوانا و ناخوانا از نظر شکلی متفاوت می باشد. یاء و واو مدی ناخوانا بدون علامت سکون و یاء و واو مدی خوانا با علامت سکون مشخص گردیده است. و از شکل رأس الخاء برای نشان دادن حرف ساکن استفاده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ○
وَالْعَصْرِ ۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۲ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ ۳ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ○
وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ۱ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ۲
يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۳ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۴ وَمَا
أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ۵ نَارُ اللَّهِ الَّتِي تَلْهُو قَدَرُهَا ۶ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى
الْأَفْئِدَةِ ۷ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ۸ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ۹

رسم الخط عربی

در این رسم الخط، بین حروف مدی خوانا و ناخوانا از نظر شکلی تفاوتی وجود ندارد. و از شکل رأس الخاء برای نشان دادن حرف ساکن استفاده گردیده است با این تفاوت که در موارد ادغام (تام و ناقص) و اخفاء و ادغام نون ساکن، علامت سکون را نیاورده اند تا دلالت بر عدم اظهار حرف ساکن کند و در موارد ادغام و اخفاء نون تنوین، تکرار شکل تنوین را به صورت نامساوی نوشته اند «^{هـ}» و در موارد قلب به میم، از حرف میم کوچک «^{هـ}» استفاده شده است و از شکل دائرة توخالی برای نشان دادن بعضی از حروف ناخوانا استفاده گردیده است.

سوره عصر و همزه از قرآن با رسم الخط عربی به قلم خطاط عثمان طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرِ ۝١ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝٢ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ۝٣
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَبَلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةً ۝١ الَّذِي جَمَعَ مَا لَا وَعَدْدَ لَهُ ۝٢
يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۝٣ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۝٤
وَمَا أَذْرَبْكَ مَا الْحُطَمَةُ ۝٥ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ۝٦ الَّتِي تَطَّلِعُ
عَلَى الْأَفْقِدَةِ ۝٧ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ۝٨ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ۝٩

رسم الخط قرآن‌های کم‌علامت

در این چند سال اخیر، رسم الخط جدیدی به نام «رسم الخط کم‌علامت» رواج پیدا کرده است، پدیدآورندگان این رسم الخط براین عقیده‌اند که برای نشان دادن حروف مدّی نیازی به علامت حرکات «فتحه و کسره و ضمه» قبل از حروف مدّی نیست و خود «الف، واو و یاء» (ا. و. ی) دلالت بر حروف مدّی دارند و همچنین برای نشان دادن حرف ساکن، نیازی به علامت سکون نیست و نوشتن حرف بدون حرکت، دلالت بر ساکن بودن حرف می‌کند؛ غافل از اینکه در کتابت قرآن، حروف ناخوانا (ا. و. ی. ل) بسیاری است که نوشته شده ولی خوانده نمی‌شوند و تنها راه تمیز دادن این حروف استفاده از علامت سکون برای حرف ساکن است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرِ ① إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ② إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ③
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ① الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ②
يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ③ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الحُطَمَةِ ④
وَمَا أَدْرَاكَ مَا الحُطَمَةُ ⑤ نَارُ اللَّهِ الموقَدَةُ ⑥ الَّتِي تَطْلُعُ
عَلَى الْآفِئْدَةِ ⑦ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ⑧ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ⑨

پرسش‌های چهارگزینه‌ای روان‌خوانی قرآن کریم

۱. حروف مقطعه، حروفی هستند که در اوائل ۲۹ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن کریم آمده است و باید آنها را بخوانیم.

الف) به صورت قطعه قطعه و هر حرفی با اسم عربی آن (ب) بدون همزه
ج) با مدّ و کشش بیشتر (د) هر سه مورد صحیح است.

۲. اسامی حروفی که به همزه ختم می‌شوند، در هنگام قرائت حروف مقطعه

الف) با مدّ و کشش بیشتر خوانده می‌شوند. (ب) همزه آنها خوانده نمی‌شود.
ج) به صورت قطعه قطعه خوانده می‌شوند. (د) الف و جیم صحیح است.

۳. نحوه خواندن حروف مقطعه «کهیعیص» عبارت است از:

الف) ک، ه، ی، ع، ص (ب) کاف، هاء، یاء، عین، صاد.
ج) کاف، ها، یا، عین، صاد (د) کاف، ه، ی، عین، صاد

۴. اولین شخصی که قرآن را برای صحت قرائت مسلمانان، علامت‌گذاری کرد.

الف) خلیل بن احمد فراهیدی (ب) ابوالاسود دؤنلی
ج) نصر بن عاصم (د) زید بن ثابت

۵. علامت‌ها، شکل‌هایی هستند که ... در قرآن به کار رفته است.

الف) به خاطر عربی بودن خط قرآن (ب) برای زیبایی
ج) برای صحت قرائت (د) هر سه مورد صحیح است.

۶. «حرکات» در زبان عرب، عبارت است از:

الف) فتحه، کسره، ضمه (ب) الف مدّی، یاء مدّی، واو مدّی
ج) سکون، تشدید، تنوین (د) هر سه مورد صحیح است.

۷. تعاریف «یک بار به هم پیوستن، یک بار گشودن، یک بار شکستن»، به ترتیب مربوط به کدام یک از سری علامت‌های زیر می‌باشد؟

الف) فتحه، کسره، ضمه (ب) فتحه، ضمه، کسره.
ج) ضمه، فتحه، کسره. (د) کسره، فتحه، ضمه.

۸. علّت نام‌گذاری این علامت (ـِ) به کسره به این است که.....

- الف) در هنگام تلفّظ حرفِ مکسور، لب‌ها حالت شکستن به خود می‌گیرند.
 ب) صدای کسره عربی با صدای «ا» فارسی کمی تفاوت دارد.
 ج) صدای کسره عربی متمایل به حرف یاء می‌باشد.
 د) هر سه مورد صحیح است.

۹. کدام یک از عبارت زیر، در رابطه با «ضَمّه» صحیح است؟

- الف) در هنگام تلفّظ حرف مضموم، لب‌ها به هم پیوسته می‌شوند.
 ب) صدای ضَمّه عربی، متمایل به صدای «حرف واو» می‌باشد.
 ج) شکل «ضمه» از «واو» گرفته شده است.
 د) هر سه مورد صحیح است.

۱۰. «حرف مدّی» به حرفی گفته می‌شود که...

- الف) با علامت مدّ، مشخص شده باشد (ب) بعد از آن، سبب مدّ آمده باشد.
 ج) باعث مدّ و کشش حرکتِ حرف قبل شود (د) هر سه مورد صحیح است.
 ۱۱. در عبارت «فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» چند حرف مدّی (صدای کشیده) به کار رفته است؟

الف) ۶ (ب) ۸ (ج) ۵ (د) ۷

۱۲. در کدام یک از کلمات زیر، یاء مدّی به کار رفته است؟

- الف) خَيْرٌ (ب) عَظِيمٌ (ج) هَدَى (د) الف و ب صحیح است.

۱۳. در کدام یک از سری کلمات زیر، «الف مدّی» به صورت درشت و غلیظ ادا می‌گردد؟

- الف) صَلَوَاتُ، أَصَابَ، مَغَايَشَ (ب) مُنَافِقَاتُ، يُطَافُ، خَالَ
 ج) حُجَرَاتٍ، خَالِكَ، غَالِبَ (د) غَاهَدَ، قَاتَلَ، رَوَّاسِيَّ

۱۴. «حرف ساکن» به حرفی می‌گویند که...

- الف) هیچ‌گونه حرکتی نداشته باشد (ب) دارای علامت سکون باشد.
 ج) با حرف قبلش به یک بخش خوانده شود. (د) هر سه مورد صحیح است.

۱۵. به این علامت (ـَ) و به حرفی که دارای این علامت (ـَ) باشد، ... می‌گویند.

الف) ساکن، سکون. ب) سکون، سکون.

ج) سکون، ساکن. د) ساکن، ساکن.

۱۶. «حرف ساکن» به حرفی می‌گویند که ...

الف) هیچ‌گونه علامتی نداشته باشد. ب) اصلاً خوانده نشود.

ج) هیچ‌گونه حرکتی نداشته باشد. د) الف و جیم صحیح است.

۱۷. اگر حرفی تکرار شود، اولی ساکن و دومی متحرک باشد برای اولی را در

دومی، «ادغام» می‌کنند.

الف) سهولت در تلفظ. ب) زیبایی در نگارش

ج) جای کم گرفته شدن. د) هر سه مورد صحیح است.

۱۸. هرگاه بعد از حروف مدّی، قرار گیرد، حروف مدّی را باید بیش از حالت

طبیعی مدّ و کشش داد.

الف) حرف ساکن ب) همزه وصل

ج) علامت مدّ د) هر سه مورد صحیح است.

۱۹. علامت مدّ (ـَ)، روی حروف مدّی قرار می‌گیرد تا نشانگر باشد.

الف) مدّ و کشش بیشتر حروف مدّی ب) صداها و کشیده

ج) خوانا بودن حروف مدّی د) هر سه مورد صحیح است.

۲۰. «تنوین»: نون ساکن زائدی است که
.....

الف) نوشته نشده ولی خوانده می‌شود ب) جانشین حرکات می‌شود

ج) نوشته شده ولی خوانده نمی‌شود د) الف و باء صحیح است.

۲۱. حروف ناخوانا، چهار حرف «ا-ل-و-ی» می‌باشد که ... خوانده نمی‌شوند.

الف) برای زیبایی نوشته شده ولی ب) در هیچ جای قرآن،

ج) در بعضی از کلمات قرآن، د) نوشته نشده و لذا

۲۲. در عبارت «وَاتَّقُوا اللَّهَ» چند حرف ناخوانا به کار رفته است؟

الف) ۳ حرف ب) ۵ حرف ج) ۴ حرف د) ۶ حرف

۲۳. الف جمع، الفی است که...

- الف) بعد از واو آخر کلمه قرار می گیرد. (ب) دو کلمه را با هم جمع می کند.
ج) بعضی وقت ها ناخوانا می باشد (د) هر سه مورد صحیح است.

۲۴. در کدام یک از کلمات زیر، دو حرف ناخوانا به کار رفته است؟

- الف) أُولَئِكَ (ب) قَالُوا اتَّخَذَ (ج) يَصْلَى النَّارَ (د) ب و جیم صحیح است.
۲۵. حروف ناخوانا در عبارت «لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى» به ترتیب زیر می باشد.

- الف) ا، ل، ا، ی. (ب) ی، ا، ل، ا، ی.
ج) ا، ل، ا، و، ی. (د) ی، ا، ل، ا، و، ی.

۲۶. هرگاه بعد از «أل» تعریف یکی از حروف شمسی قرار گیرد.....

- الف) لام تبدیل به حروف شمسی شده و در حروف شمسی ادغام می شود.
ب) لام خوانده نمی شود و حروف شمسی با علامت مربوطه خوانده می شود.
ج) لام مشدد می شود. (د) الف و جیم صحیح است.

۲۷. در کدام یک از سری کلمات زیر، مجموعاً شش حرف ناخوانا به کار رفته است؟

- الف) تَكْتُمُوا الْحَقَّ، الَّذِي أُؤْتِمِنَ (ب) ذَوِي الْقُرْبَى، اتَّقُوا اللَّهَ.
ج) أوتُوا الْكِتَابَ، لِذَائِقُوا الْعَذَابِ. (د) ب و جیم صحیح است.

۲۸. در کدام یک از کلمات زیر، «حرف واو» از حروف ناخوانا می باشد؟

- الف) صَلَوَاتُ. (ب) زَكَاةُ (ج) أُولَى (د) هر سه مورد

۲۹. در عبارت «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» چند حرف ناخوانا به کار

رفته است؟

- الف) ۵ حرف (ب) ۶ حرف (ج) ۷ حرف (د) ۸ حرف

۳۰. همزه وصل در «أل» تعریف همیشه.... و در اسماء همیشه.... می باشد.

- الف) مکسور، مفتوح (ب) مفتوح، مکسور.
ج) مفتوح، مفتوح (د) مفتوح، مضموم

۳۱. همزه وصل، الفی است که....

- الف) همیشه ساکن بوده و باید به کمک حرف متحرک قبل از خود، خوانده شود.
ب) در ابتدای کلام، خوانده می‌شود ولی در وسط کلام، خوانده نمی‌شود.
ج) برای وصل کردن دو کلمه به کار می‌رود.
د) هر سه مورد صحیح است.

۳۲. خوانده نشدن «حروف مدّی» در عبارات «رَبَّنَا اكْشِفْ فِي الْأَرْضِ، ذُوالْعَرَشِ» به جهت ... می‌باشد.

- الف) از حروف «والی» بودن حروف مدّی. ب) رفع التقای ساکنین.
ج) تبدیل شدن صداهای کوتاه به کشیده. د) هر سه مورد صحیح است.

۳۳. عبارت «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» به چند بخش خوانده می‌شود؟

- الف) ۱۳ بخش ب) ۱۵ بخش ج) ۲۱ بخش د) ۱۶ بخش

۳۴. در کدام یک از سری کلمات زیر، «پنج حرف ناخوانا» به کار رفته است؟

- الف) لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى. ب) وَاتَّقُوا اللَّهَ.
ج) فَاسْتَبِقُوا الصِّرَاطَ. د) هر سه مورد صحیح است.

۳۵. هرگاه «هَاءِ ضمیر»، بعد از «حروف مدّی» قرار گیرد...

- الف) حروف مدّی خوانده نمی‌شوند. ب) هاءِ ضمیر، ساکن می‌شود.
ج) هاءِ ضمیر، اشباع نمی‌شود. د) هاءِ ضمیر، اشباع می‌شود.

۳۶. هرگاه بعد از «هَاءِ ضمیر»، «همزه وصل» قرار گیرد، «هَاءِ ضمیر» اشباع ... همزه وصل، خوانده می‌شود.

- الف) می‌شود و با حرف بعد از ب) می‌شود و با
ج) نمی‌شود و با حرف بعد از د) نمی‌شود و با

۳۷. هرگاه «هَاءِ ضمیر»، بعد از «حرف ساکن» قرار گیرد، «هَاءِ ضمیر».....

- الف) با حرف ساکن قبل از خود خوانده می‌شود. ب) اشباع می‌شود.
ج) اشباع نمی‌شود. د) ساکن می‌شود.

۳۸. در کدام یک از سری کلمات زیر، «هَاء ضَمِير» همگی اشباع می‌گردد؟

- الف) مَعَهُ، خُذُوهُ، لِقَوْمِهِ. ب) عِبَادِهِ، عَنْهُ، رَسُولُهُ.
ج) فِي بَطْنِهِ، رَبَّهُ، لِفَتْحِهِ د) فِيهَا اسْمُهُ، حَقَّهُ، حَوْلَهُ.

۳۹. در کدام یک از کلمات زیر، «هَاء ضَمِير» اشباع می‌شود؟

- الف) لَهُ الْحَمْدُ. ب) يُغْنِيهِ. ج) إِلَيْهِ. د) هَيْجَ كِدَام.

۴۰. هرگاه بعد از «تنوین»، قرار گیرد، «التَّقاَيِ ساکنین» پیش می‌آید.

- الف) «اَلْ» تعریف، ب) حرف ساکن،
ج) همزه وصل، د) هر سه مورد صحیح است.

۴۱. قرائت صحیح عبارت «مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ» کدام گزینه می‌باشد.

- الف) مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحُ. ب) مِصْبَاحُنُ الْمِصْبَاحُ.
ج) مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحُ د) مِصْبَاحُنِ الْمِصْبَاحُ.

۴۲. «وقف» یعنی:

- الف) قطع صوت به منظور تجدید نفس و ادامه قرائت.
ب) قطع صوت به منظور ساکن نمودن حرف آخر کلمه.
ج) ساکن نمودن حرف آخر کلمه. د) هر سه مورد صحیح است.
۴۳. نحوه وقف نمودن بر آخر کلمات «بَلُّوْا، سَمَاءً، عَبَدَهُ، أَبَائِهِنَّ» به ترتیب زیر است.
الف) اسکان، اسکان، اسکان، اسکان. ب) ابدال، ابدال، ابدال، بدون تغییر.
ج) اسکان، ابدال، اسکان، اسکان. د) اسکان، ابدال، ابدال، اسکان.

۴۴. در کدام یک از سری کلمات زیر، «وقف بدون تغییر» پیش می‌آید؟

- الف) نَفَقَهُ - أَبَائِهِنَّ - بَلُّوْا ب) فَأَنْذِرْ - فَأَنْطَلَقَا - جَنَّتِي
ج) هُوَ - هُدًى - اللَّهُ. د) الف و باء صحیح است.

۴۵. در کدامیک از کلام زیر، دو حرف ناخوانا به کار رفته است؟

- الف) يَصْلَى النَّارَ ب) ذَوِي الْقُرْبَى ج) وَالَّذِي د) أُولُوا